



ہند درتحت تسلط کوشانیان

وزارت اطلاعات و کلتور

تاریخ سیاسی کوشانیان



سیمینار بین المللی مطالعات
کوشانی
کابل - عقرب ۱۳۵۷

مترجم: پوهنوال ضمیر صافی

مولف: ب، ن، پوری



بھنا سبت سیمینار بین المللی مطالعات کوشانیان

ہند تحت تسلط کوشانیان

تاریخ سیاسی کوشانیان

مؤلف:

ب، ن، پوری

مترجم:

پوہنوال ضمیر صافی



مطبعہ دولتی

عقرب ۱۳۵۷

پیام وزیر اطلاعات و کلتور

همان گونه که تالیف و نگارش کتابهای سودمند ضروری و الزامی است، ترجمه و چاپ آثار دانشمندان برجسته جهان نیز امری است در خور توجه .

امپراتوری پهناور و مدنیست و فرهنگ گسترده کوشا نیان بسا از دانشمندان کشور های مختلف در سالهای فراوان به تعمق و بررسی واداشته است و کتابی که اینسازد دست دارید محصول مطالعات پیگیر دانشمند نامدار هندی (ب.ن.پوری) نیز می تواند از همین شمار باشد.

هر چند که مترجم محترم بخشی از کتاب (هند تحت تسلط کوشانیان) رابه دری برگردانده است. اما همین بخش کوچک در بر گیر مسایل ارزشمند و پربهایی است.

امید وارم در شرایط انقلابی جدید و به پیروی از رهنمود های شایسته آموزگار راستین خلیف نورمحمد ترهکی رئیس شورای انقلابی و صدراعظم مولفان و مترجمان کشور توفیق یابند تا آثار ارزشمندی بیافرینند و کتابهای سودمندی را ترجمه کنند و بدینسان هنر و دانش کشور را بارور سازند .

بارق شفیعی

نکاتى چند

درباره این کتاب و ترجمه آن

کتابى که اکنون بدسترس خواننده محترم قرار دارد تأليف دانشمند
و محقق مشهور هند، ن. پورى (B. N. Puri) میباشد که در سال
۱۹۶۵م - از طرف مؤسسه نشراتى (بها راتياويد يا بها ون)
(Bharatiya Vidya Bhavan) واقع در بمبئى در (۱۱) فصل و (۲) ضمیمه
که جمله در (۲۶۸) صفحه بطور مصور برای بار اول بطبع رسیده است .
مؤلف در تأليف و تدوين اين کتاب از ده ها منبع مختلف اهم
از کتب و رسالات و مجلات و کتلاکهاى بوزيم ها و صحبت و مباحثات
درستليم با متخصصان و محققان و ذيره استفاده کرده و در اکثر هر

فصل مأخذ و منابع خود را نشان داده و نظریه یا داهتهای ارزشمند خود را نیز بر آن افزوده است .

در مورد محتوای این کتاب چیزی گفتنی ندارم ولی ناگزیرم

نکات چندی را در باره شکلیات آن خاطر نشان سازم بدینقرار :

۱- اصل کتاب در یک جلد بطبع رسیده است ولی متأسفانه به نسبت ضعیفی و کمی وقت نتوانستیم همه را ترجمه کنیم و با افتخار سیمننا ریکه در برج هقرب سال ۱۳۵۷ هـ ش در کابل دایره برگردد بچاپ برسانیم . لذا تا جاییکه ترجمه شده بود بحیث جلد اول به طبع رسید و بقیه در آینده بحیث جلد دوم ترجمه خواهد شد و بطبع خواهد رسید .

تقسیم اصل کتاب در دو جلد لازم نبود ولی خوشبختانه بی مورد هم از آب در نیامده زیرا جلد اول ما کاملاً مباحثی است جداگانه و متمایز از جلد دوم و شامل مباحث ملیت و نژاد کوشا نهان و وطن اصلی شان و اینکه چه وقت و در کجا و چگونه بقدرت رسیدند و در چند دوه مان تقسیم شده بودند و ساحه نفوذ آنها تا چه اندازه بود و غیره میباشد . از این جهت جلد اول را بنام « تاریخ سیاسی کوشا نهان » نام گذاری کردیم و جلد دوم آن را بنام تاریخ اجتماعی کوشا نهان نام گذاری نمودیم .

۲- مؤلف این کتاب خود را به آنعده از خوانندگان نیکه در

موضوع هندان وارد نیستند نه نوشته بلکه بسویته خیلی بلند تر و
عموماً برای محققان و متخصصان در رشته کوشا نیان نگاشته است از
این جهت آنها بیکه در موضوع وارد نیستند برای آنها مشکل است
چیزی را از این کتاب به آسانی درک و استنباط کنند. بنا بر این اگر
بعضی از خوانندگان درک کتاب را مشکل بیا بند ما را بحیث مترجم
مذکور خواهند فرمود .

۳- الفاده و اصول نگارش مؤلف بزبان انگلیسی خیلی پیچیده است
و از سلاست و روانی اثری در آن دیده نمیشود، جملات خیلی طویل و
بعضاً فاقد عنصر مهم خود یعنی « خبر » بوده و بنا بر این در امر ترجمه
آن بمشکلات زیادی رو برو بوده ایم .

۴- مؤلف اکثراً کوشیده است که از ذکر نام « افغان نیستان »
خودداری کند و در عوض، کلمات شمال غرب هند و هندوستانی و غیره
را بکار میبرد .

که این يك كار است ناپسند و بهیچ صورت شایسته يك دانشمند
بزرگ چون هاغلی پوری نیست، مخصوصاً که خود بارها از سه
پایتخت و مرکز سیاسی و فرهنگی و هنری کوشا نیها یعنی کاپیسا
پشاور و ما تهور اذ کر میکند که از آن جمله تنها ما تهور ادر هند موقعیت
دارد و هوی دیگر آن در سر زمین افغانها و میتوان گفت که در عصر
فرمانروایی کوشا نیها بطوریکه از نام کتاب « هند در تحت تسلط

کوشانها « نیز بهداست ، هند در تحت تسلط سیاسی افغانستان بوده
و از طرف افغانستان اداره می شده است . این شیوه ایست که
نویسندگان غربی خصوصاً نگلیس ها آنرا در نگارشات خود بکار میبرده اند
و برای دوستان ما در هند لازم نبود آن شیوه نامطلوب و ناپسند را خود
تعقیب و تقلید کنند و بدین ترتیب از ارزش علمی تحقیقات و نگارشات
خود بکاهند .

با احترام .

پوهنوال محمدحسین ضمیرصافی

کابل ، برج اسد سال ۱۳۵۷ هـ ش



پیش‌گفتار

مسائله ملیت کوشانیان بیشتر از هر چیز دیگری توجه کسانی را که مطالعه تاریخ آنان می‌پردازند بخود جلب می‌کند. اینکه آنان بتاثر شواهدی که از روی دفترچه‌های وقایع چینیان بدست می‌آید منشاء مغلی داشته و جزئی از طایفه یوچی باشند باریخت و قیافه آنان که بر روی سکه‌های شان کشیده شده توافق نمی‌کند، من بیست سال قبل فرصت آنرا یافتیم که هیکل و قیافه آنان را به گونه که بر روی سکه‌های شان کشیده شده مورد مطالعه قرار بدیم تا مگر با بنویسیم به منشاء آنان پی ببریم. اکنون شواهد موجود در زمینه رایکبار دیگر مورد توجه قرار داد و به این نتیجه رسیده‌ام که می‌توان کوشانیان را با تخاریها یا تشارها یکی دانست و منشاء آنان را به ساک‌های هرو دوتس که کلاه خود نوک دار به سومی کردند (ساکا تیگرا خود) رساند. گزارش‌های دفترچه‌های وقایع چینیان مبتنی بر شواهد اقوامی بوده و چنانچه قبلاً بوسیله کوا با راجیتزو زونشان داده شده دارای تناقضاتی میباشند از یوچی‌ها که بر آنان مسلط گردیدند فرق داشته‌اند ولی دفترچه‌های وقایع چینیان آنرا در گزارشات بعدی خود با یوچی‌های کمی دانسته‌اند.

جنبه اجتماعي مذهبي مسأله مخصوصا تا آنجا که به امتزاج آنان به ساختمان اجتماعي هندارتباط پیدامیکنند و پیوستن آنها به مذهب بودایی دریکه زمان بسیار پیش نمیتواند کاملا خالی از بهام باشد مگر اینکه پذیریم که کوشانیان باید به هند و هندوان نزدیکتر بود، باشند، چنین نظری بیشتر با عقل و منطق سازگار است تا پذیرفتن منشاء مغلی برای آنان که با در نظر داشت شکل و قیافه شان بروی سکه ها و مجسمه هاییکه لباس و هیكل آنها را نمایش میدهند شیر قابل قبول میباشد. مطالعه تمام جوانب تاریخ حکمروایان کد فیزس ها ((پدر و پسر)) موضوع فصل دوم را تشکیل میدهند و قدامت آنها نسبت به کنیشکا و اعضای خانواده او قابل تردید نیست زندگانی و کارنامه های کجولا کاد فیزس روابط او با هرما یوس فتوحا تشریحی بودنش با کجولا کارا کاد فیزس و ارتباطاتش با جهان غرب به تفصیل مورد مطالعه قرار میگیرد و یما کد فیزس که جای پدر هشتادساله اش را گرفت خودی برای مدت درازی حکمروایی کرد و بسیار احتمال میرود که در سال ۷۸ - بعد از میلاد به تخت نشسته باشد و میتواند به عصر ساکا که مورد استفاده کشتاراپاهای او قرار داشت ارتباط داده شود. هویت سوترهیکاس و روط او با و یما کد فیزس هم مورد مطالعه قرار داده شده است، همچنان روابط خارجی و یما کد فیزس درین فصل مورد توجه قرار گرفته است. چنان به نظر می آید که فاصله کوتاهی از نظر زمان بین و یما کد فیزس و کنیشکا موجود باشد، هیچ دایلی وجود ندارد که کنیشکا را یک یوچی کوچک بشماریم و یا او را بسته به

طایفه اصلی یوچی بدانیم، روابط کنیشکا باختن قدرت معاصر او مورد تردید قرار گرفته نمیتواند. نقشه نتوحات او از مارش پیروز مندانهاش تا به سارنات و شاید دور تر از آن در سال سوم میلادی حکایت میکنند که با منظم شدن پنجاب سفلی و سند شما لی دنبال شده است.

کشمیر برخی از امپراطوری او را تشکیل میداد که تا به بلخ میرسید و شامل افغانستان شرقی هم میشد، اسناد این خانواده، اسناد مربوط به پراسازیتس های (Prasastis) سلطنتی نه بلکه آنهای که مربوط به اغانه ها و موقوفات افراد است از یک تا ۸۹ قدمت دارند که از آغاز سلطنت تا پایان دوره خاندان اونما پندگی میکنند. سال اول این دور (۱۳۳۱) بعد از میلاد پنداشته میشود تا احتمال برخورد بین کنیشکا و رود را دامن از بین برود.

این نظر از ویرانی شهر کوشانه در بگرام و جا های دیگر وسیله سانسایان این سالهای ۱۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳ بعد از میلاد هم به ثبوت میرسد. این نظر همچنان یکی بودن و اسود بوای این خانواده پوتیا و (Potiao) در قرن سوم بعد از میلاد اشاره میکنند من این تاریخ آخرین را برای کنیشکا بسیار پیش در سال ۱۳۳۹ اشاره کرد، بوم (رجوع شود بجلد هفتم) و هنوز هم به نظرات دیرینه خود پادشاه میباشم. روابط کنیشکا با قدرت های معاصر او در هند و آسیای مرکزی مورد توجه قرار گرفته است. سهم او بحیث یک بودایی هم مورد ارزیابی قرار داده شده است.

هویشکا و واسود یواهم بهمان اندازه مورد توجه قرار گرفته اند فصل آخر که درباره تاریخ سیاسی است در اطراف کوشانیان اخیر کنشکو و واسود یوایا و اسولی و سکه های شان تمرکز منبای بدولی در حقیقت چندین حکمران دیگر نیز وجود داشتند که از روی اسناد کتیبه به وجود آنها پی میبریم. کنیشکای کتیبه متهورا (Mathura) مربوط به سال ۱ و ایشکایا و احشکا پدر کنیشکایان که در کتیبه آرا آمد، و کنیشکای کتیبه سرخ کوتل مربوط سال ۱۳ که با کنیشکای کتیبه آرایکی پنداشته میشود ازین جمله اند کوشانا پوترای کتیبه مات که آغاز دردمان کوشانی را نشان میدهد ممکن است بنیان گذار این خانواده بوده باشد و تاریخ آن با کم کردن صدسال مربوط به تاریخ دوره کنیشکا باشد. ترتیب حوادث تاریخی باین شکل مشکلی را که ازنا حیث گنجا ندن کنیشکای کتیبه آرا و کنیشکای کتیبه سرخ کوتل در دوره زمامداری بلا انقطاع هویشکا از ۶۰-۲۸ پیش روی آید مرفوع میسازد. این امر همچنان تسلط و ایشکا را بر ماوا مسلم میسازد.

نظام اداری کوشانیان با اساس مودل هخامنشیان که امپراتوری را بولایات یا نایب الحکومگی ها تقسیم نموده بودند طرح ریزی شده بود. نام های کشتاراپاها و مها کشتاراپاها و همچنان نام های داندانا یا کاهها و مهاداندانا کایاها هندی نیستند و نمایندگی ازین میکنند که والی های ولایات و فیودالان نیرو مند آنان خراجی بوده و روسای روستاها یقینا هندی بوده اند، همچنان نصب و تقرر بر اساس

توارث هم بمشاهده میرسد .

نصول بعدی مربوط میشود به حیات اجتماعی ، شرایط اقتصادی
تعلیم و تربیه ، زندگی مذهبی ، ادب و معماری . این یک حقیقت مسلم است
که اسوا گوشا معاصر کنیشکا بوده است .

دو اثر او - بوداچاریتا و سوندارانا نامواد زیادی برای
مطالعه زندگی کوشانیها درین دوره بدست میدهد . شواهدی که از
آثار دیگر بدست می آید از ادبیات سانسکرت بودایی سادارما
پونداریکا ، ماها وستو ، لالیتا ویتا را اونداناها و مالیندا پانها هم
مورد توجه قرار داده شده است . تاریخ های این آثار موضوع
قابل شک نیست و تمام اینها در بوط به قرن های اول تا سوم
بعد از میلاد پنداشته میشوند . اگر چه ممکن
است پس و پیشی در تاریخ آنها رخ داده باشد . زندگی و شرایط
حیات هندوان چنان تغییراتی را بخصوصاً در مدت های کوتاه بخود
ندیده است که مطالعه جداگانه را ایجاب کند . در واقع شکل کلی
ساختمان آن کم و بیش همانست که بود .

کتیبه ها و مجسمه های این دوره درگندها را و متهورادتیج قابل
اطمینان را برای مطالعه هندشمالی درین دوره تشکیل میدهد . بنا
برین تلاش به عمل آمده است که تمام جوانب اجتماعی اقتصاد و مذهبی
زندگانی درین دوره و شکل تعلیم و تربیه در آن مورد مطالعه قرار داده
شود و تمام این مطالعات بر مبنای مواد موجود کتیبه ها و مجسمه ها همراه
با شواهدی که از ادب آن دوره بدست می آید پی ریزی شود .

همچنان لازم دیده شد که ادبیات این دوره که به ادب‌ساز نسکریت بودایی معروف است هم، مورد توجه قرار داده شود.

بنا بر این آثاری که در بالا از آنها نام گرفته شده قدامت و محتوای آنها و استفا ده که از آثار ما قبل درتالیف آنها بعمل آمده و تمام جوانب دیگر آنها مورد توجه قرار گرفته است. اما ارزش هنری این آثار درین کتاب مورد ارزیابی قرار داده نشده است هنر و معماری در اثر توجه کوشانیان در گندهارا و متهورا هر دو پیشرفت زیادی نمود هنرمندان آن عصر مورد توجه و الطاف حکمروایان و مردم هر دو قرار داشتند.

هنر گندهارا کاملاً بودایی میباشد حالانکه هنر متهورا بیشتر غیر مذهبی است اختلاف تصاویر بودا با وجود اینکه محتملاً هر دو تقریباً در عین زمان بر روی سنگ کنده شده اند نمیتواند به اختلاف روشهای معمولی درین دو مرکز هنری و معماری ارتباط داده شود. قدامت تاریخی و سهم هر یک از این دو مکتب، مفصلاً مورد توجه قرار گرفته است. در ضمیمه اخیر لست کاملی از کتیبه های خروشتی، یونانی و برهمنی همراه با مراجع کامل آن ها درج شده است. شرحی راجع به سکه شناسی عهد کوشانیان که قبل ازین آمده تفصیلی راجع به انواع سکه های این دوره و فلزاتی که در آنها بکار برده شده و نوشته ها و اشکالی که روی آنها ضرب زده شده است در بر دارد.

در اخیر باید از دینی که بخاطر رهنمایی ها و تشویق ها و مشوره های اشخاص آتی که متاسفانه عده از آنان دیگر وجود ندارند به گردن دارم یادآوری نمایم: پروفیسور دی، ار، بها ندر کار نقیذ که در

کتابخانه او در کلکته کارهای و خدماتی این اثر را به پایان رسانده و برای دوماه از ۱۹۳ تا ۱۹۳۱ هر روز راجع به موضوع مورد بحث این کتاب با او مذاکره نشستم . پروفیسور اف . دبلیو تامس نقید و پروفیسور موجوده بادن داکترتی بروکه وقتی در سال ۱۹۳۹ در آکسفورد بود و با آنها صحبت های زیادی بعمل آوردم و آنها از دادن پیشنهادات و مشوره های مفید دریغ نکردند پروفیسور ستمین کتوفید که نامه اراجع به نوشته های من منبع مؤثری برای تشجیح و تشویق بود . پروفیسور ان ، ارسبی ، ماجولدر ، ای ، ال ، اشام وار ، گریشام و لوهویزن دی لیود با فرستادن نسخه های آثارشان مرا مدیون خود ساخته اند ، همچنان از پروفیسور لوپس انو متشکرم که از من دعوت بعمل آورد تا در اپریل سال ۱۹۵۰ راجع به کوشا نیان در سوربون سخنرانی کنم و به این ترتیب زمینه آنرا برایم میسر ساختند که با دانشمندان فرانسوی تبادل نظر نمایم .

نوشتن این اثر را در سال ۱۹۶۱ در میسوری آغاز کرده و باین ترتیب کاری را که خیلی پیش رها کرده بودم دو باره از سر گرفتیم . بنا بر این از مقامات اداری اکادمی ملی آنجا بسیار متشکرم که بمن اجازه دادند نوشتن این اثر را شروع نموده و برای چاپ آماده سازم . همچنان به بهاریتا وید یا بهاون بخاطر موافقت شان که اهتمام چاپ این کتاب را به عهده گرفتند مدیون میباشم . تصاویر بیکه درین اثر گنجانیده شده مرهون همکاری اداره باستان شناسی دولت هند موزیم ایالتی لکنهو و ریتمیش موزیم میباشند .

فصل اول

کوشانیان

کرونولوجی دوره کوشانیها (۱) در تاریخ افغانستان و هند هنوز بطوریکه معضله لاینحل یا قیمانده است. راجع به تاریخ کانشکا توانیکه بین دانشمندان بوجود آمده است. راجع به تاریخ کانشکا اکثر با واقعیت سازگاری ندیکند. تاریخچه اکه و سن سمت در سال ۱۹۱۹ - فرض کرده اود کاملا غیر یقینی است و با اصل واقعیت مدت (۳۰) سال مغایرت دارد.

و اینک ۲۰ سال دیگر بران مغایرت افزوده گشته است. اسنادی شواهد جدیدیکه از زیر خاک بیرون شده بطور مثال در نتیجه کاوشهای گرشن (Ghirshman) در بگرام (۳) که یک کتیبه جدید کانشکا بدست آمده در آن تاریخ نگارش کتیبه سال سی و یکم نشا نداده شده است و این سنه جدید معضله کرونولوجی کوشانیها را پیش از پیش پیچیده تر ساخت و به مشکلات دین زمینه افزود، بنا بر این کتیبه کانشکا ایکه در کتیبه آرا (Ara) از آن ذکر یافته و تاریخ نگارش آن سال چهل و یکم نشان داده شده بعد ازین ان کانشکای نیست که بن هویشکل

کا نیشکا از آن ذکر فته است. بلکه عبارت است از کانیشکای کپیر که برای یک مدت طولانی سلطنت کرده است با وجودیکه در ظرف مدت هشتاد سال اخیر و یا بیشتر از آن یکعده زیادی از دشمنان (م) درین زمینه تحقیق کرده اند ولی بازم معضله کرو نو او جی کوشا نیها هما نظور مغشوش و لاینحل باقی مانده است.

در مورد ملیت کوشا نیها قبل از آنکه کرو نو لوجی کوشا نیها مورد بحث قرار گیرد و تنظیم گردد بائست چیزی صحبت کنیم.

ملیت کوشا نیها

تحقیق در مورد شناخت نژاد و ملیت کوشا نیها یک امر تازه نیست، زیرا دانشمندان زیادی قبلاً درین زمینه به تحقیقات پرداخته اند.

این دانشمندان و محققان در پروسه تحقیق خود نامها و القاب و معنی آنها را و لباس و چهره هاییکه بر مسکوکات نقش بسته و از منابع کلاسیک یونانی، چینیایی و هندی راجع به شناخت قبایل و غیره فرما نروایان کوشا نی بحث مینمایند در نظر گرفته اند.

پیش از آنکه راجع به ملیت کوشا نیها چیزی گفته شود لازم است اسناد و شواهدیکه درین زمینه بدست آمده از آنها یک بررسی عامانه صورت بگیرد.

ف، و، توماس (F. W. Thomas) نظر میدهد که کوشا نیها ترک اند و نه هم منگول بلکه متعلق اند به نژاد آریایی و اگر به صراحت گفته شود یک شاخه ایست از سیتیها (Scythians) یا ساکاها

• (Sakas)

در اخیر نامهای کادفیزس و کانیسکی (Kanaeski) کانیسکا و اووسکی (Ooeski هوویشکا) که حرف (E.S) یا (I) میاید خیلی شبیه است به نامهای پارتهای قدیم چون مو یز (Maues) ازیزس (Azes) و پیسیگا کیس (Pseigakais). نامهای کادفیزس، کانیسکا و هوویشکا را میتوان با (کره) ویاپایز (Pise) آریایی تشبیه و تعبیر نمود مثلیکه در نام سپا و گاپیتیس (Spargapeithes) دیده میشود.

هولتز یچ (Hultzsch) کلمه کجولا را ترکی میپندارد، لقب یاووکا (Yavuga) یا یاووس (Yaoos) و در منابع چینایی کلمه هی هو (Hi-Hou) که با نام کجولا کادفیزس یکجا آمده است. هرت (Hirth.) آنرا با کلمه ترکی جیغو (Jabgu) عین چیز میداند. معنی القاب و نامهای شان نیز بدین منوال صورت گرفته است. هولتز یچ لقب کجولا را گجلو (Gujlu) ترکی که معنی اش ورزیده و نیرومند است و ستین کنوا آنرا با قزل یعنی (خوبصورت) مقایسه میکنند طرفداران ملیت ترکی، کوشا نیها به را جاترا نگینی استناد مینمایند که موصوف نام آن عده از سلاطین گندهارا را میبرد که خود را از نسل کانیسکا و سایر اعضای دودمان آنها توروشکا (Turushka) یعنی (ترکان) میپندارند.

برای اثبات ملیت ترکی کوشا نیها غالباً به چهره های اعتبار میدهند که بر روی مسکوکات آنها نقش بسته و شبیه است به چهره های ترکان امروزی.

کنیدی بطور قطع باین عقیده بود (۴) که کوشانیها به فامیل بزرگ تر کها تعلق میگیرند و چهره کاشکا خیلی سه چهره تر کها میماند.

چهره کاشکا که بر روی سکه ها با جمجمه بلند و بینی بزرگ و کشیده و لاشه بزرگ و ریش انبوه دیده میشود به تمام معنی از یک چهره سلطان بربری نمائندگی میکند، روی یک چمن کلان غالباً چکن ویا کوسی را در بر کرده و بوت های بزرگ بها نموده که این لباس عام و خاص مردم ترکستان بشمار میرود.

نظریه ترکی ملیت کوشا نیها به استناد چهره ها و نام ها و القاب شان که همانند ترکها اند و منابغ بعدی که کوشا نیها را تورو شکا گفته اند قطعی نیست و نا تکمیل به نظر می آید. زیرا بینی بزرگ و سایر خصوصیات چهره ها که قبلاً از آن ذکر رفت اینها از خواص نژاد هومو الپینوس (Homo—alpinus) بشمار میرود که اکثر مردم ترکستان چینی از همین نژاد محسوب میگردند.

از خلال مطالعه تاریخ و نژاد های مردم این سرزمین برمیاید که عناصر ترکی نژاد نسبتاً بزمانهای بعدی تعلق میگیرد. ستین کنواز جیس (Joyce) نقل قول میکند که وی در مردم واخی (واخان) اکثریت زیاد را دریادریافته که با مردم گلچه (Galcha) (گلگت) روابط نژادی دارند که بطور بنیادی متعلق اند به نژاد آریایی.

از اقوام ترکی در آن مناطقی که کوشا نیها بر آن مسلط بوده اند بعد از کوشا نیها اثری از آنها دیده نمیشود و این گفتار کلمها نا و

همچندوارا تایید میکنند. تا جاییکه به معنی نامها و القاب تعلق میگیرد مانند (هاو وگا) و (کجولا) مشکل است که در مورد لقب اول (یاووگا) در زائیمولو جی (مطالعه اشتقاق کلمات) زبان ترکی کدام اثری از آن سراغ نمود. (۷) ستین کنو میگوید این کلمات در اصل وماهیت خود غالباً آریایی بوده و بعداً از طرف دیگران اقتباس گردیده است.

کوشانیها این کلمات را از ساکاها گرفته اند و غالباً معا دل است با کلمه زاوا (Zauva) که از طرف ساکا پتیکا (Saka-Patika) بکار برده شده و تا جاییکه به کلمه (کجولا) ارتباط میگیرد در اجاب اهمیت و اشتقاق آن فعلاً چیزی نمیتوان گفت.

نظریه نواد ترکی کوشانیها در ارتباط با القاب و خصوصیات نژادی و منابع ادبی بعدی هندی چندان باوری نبوده و مورد شک و تردید قرار میگیرد.

نظریه منگولی کوشانیان:

این نظریه اکثراً مبتنی است بر منابع تحریری چینی، این منابع در مورد یک قوم خاص که آنها را یوچی مینامند سخن میزنند و میگویند که آنها بطرف غرب مهاجرت کردند و بالاخره سرزمین تاهیا (Ta-hia) را که قبلاً در دست ساکها بوده اشغال کردند و نیز در باوه تقسیم قوم بزرگ یوچی به پنج ریاست و اینکه از آنجمله ریاستی بنام کوی شوانگ (Kuei — Shuang) بر سایر ریاستها غلبه مییابد حرف میزنند.

از روی تاریخچه دودمان اولی سلطنتی هان (Han) که پان-کو (Pan-Kou) آنرا نگاشته و در آن راجع به کار نامه های چانگک-کین (Chank Kien) از سوماشین (Ssu-machien) نقل قول میکنند (و این نوشته در سال ۱۹۰۴ ق.م تکمیل گردیده) بر میآید که یوچی ها بعد از آنکه در تاهیا متوطن گردیدند به پنج ریاست جداگانه تقسیم شدند و درین وقت آنها دیگر مردم کوچی و بدوی نبودند.

مراکز تا-یو-چی (Ta-yueh-chi) (کوشانیان بزرگ) شهرهای کین-چی (Kien-Chi) یا لان-چو (Lan-Chuw) و در جنوب آن کی-پن (Ki-Pin) بوده از جمله آن پنج ریاستی که در تاریخچه پان، کو ذکر شده اند پایتخت کوی شوانگک (که کوشا نام نامیده شده) شهر هوتساو (Hou-tsao) بود. (واقعیت آن تا کنون تعیین نگردیده است).

درین مورد معلومات دگراز هو-هان-شو (Hou-Han-Shu) نیز بدست آمده میتواند. این منبع یک تاریخچه ایست از خاندان سلطنتی بعدی هان که فان-یی - (Fan-Ye) آنرا در سال ۹۸۳ م به قید تحریر آورده و واقعات بین سالهای ۲۵ را تا به ۱۲۵ م ثبت نموده است.

درین تاریخچه مطالبی که در باره یوچی و کوی شوانگک نوشته شده است کاملاً متفاوت اند. درین نوشته پایتخت یوچی ها شهر لان-شی (Lan-Shi) نشان داده شده است که این شهر در بدخشان فعلی مرکز قایم بود که بنا برین یوچیها از تمام اهراتوری

تا هیا نما یندگی میگردند و به قول چا وانز (Chavanes) (وی آن نوشته را خود ترجمه کرده است) یوچیها عبارت اند از همین تا هیا درین تاریخچه (هو-هان-شو) چیزهای که در باره پنج ریاست نوشته شده با سایر منافع متفاوت اند .

تاریخچه تسین-هان-شو (Tsien-Han-Sha) که بقلم پان کو نوشته شده در تا هیا از پنج ریاست نام برده شده است که هر یک تحت ریاست یک نفر می-هو (hi-hou = رئیس) بوده که اینهمه به یوچیها متعلق بوده اند از قبیل :

هو-می (Hui-mi) یا پتخت آن هو-مو (= Ho-me) شوانگک-می
 (Shuang-mi) یا پتخت آن شوانگک-می کوی-شوانگک- (Kuei-Shuang)
 یا پتخت آن هو-تساو (Hu-tsao) می-تون (Hi-tun) یا پتخت آن
 بو-ماو (Po-mao) - کاو-فو (Kao-Fo) یا پتخت آن همین کاو
 فو بوده است . هو-هان-شو (تاریخچه دودمان سلطنتی هان) بعرض
 اینک که در باره همان پنج ریاستی که در تا هیا وجود داشت چیزی
 ننویسد، میگوید که یوچیها امپراتوری تا هیا را در پنج ریاست
 تقسیم کردند نیز این تاریخچه در عرض ریاست پنجم (کاو-فو) نام
 تو-می (Tu-mi) را می برد موافق آن خود میگوید که موافق تسین
 هان-شو درین مورد بخطا رفته است .

این منبع (هو-هان-شو) مدت صد سال بعد از آنکه در تا هیا پنج
 ریاست تشکیل شد از آنجمله راجع به کارنامه های رئیس کوی-
 شوانگک نیز معلومات ارائه میدارد .

شهزاده (رئیس) کسوی شوانگک بنام کیوتسو - کیو (Kieou-tsieou-Kio) بر سایر ریاست ها بتاخت و آنها را تابع خود ساخت و خود را پادشاه يك سلطنت كه كوی شوانگك نامیده شد اعلام نمود .

سوال عمده ایكه در باره متابع چینایین مطرح میگردد اینست كه آیا كوی شوانگك قسمتی از یوچی ها اند و یا یوچی ها وقتی آنها را شناختند كه در سلطنت قدیمی ریاستی را از پنج ریاست تشكيل میدادند و بعد از آنكه تا هیا از طرف یوچی ها اشغال شد آنها نیز تابع یوچی ها گردیدند .

كووا براجت زوزو (Kuwabara-Jitzuzo) جاپانی اولین کسی بود كه تفاوت ها بین متابع چینایین (هو-هان شو) و (تسین-هان شو) را مطرح نمود وی میگوید كه مؤلف (هو-هان شو) از (سین-هان شو) درك درستی نداشته است . فعلا چنین گمان میرود كه پنج هی هو (رؤسا یا ریاست ها) قبل ازینكه یوچی ها برتا هیا حمله نمایند وجود داشته اند كه بنا برین كوشانیها یوچی پنداشته نمیشوند .

این تحلیل و تفسیر كووا بارا از طرف هایندا (Hameda) پذیرفته شد و لی تارن (Torn) ستین کنو (Stein Konow) و پال پلیوت (Paul Polliot) یکجا با هالون (Halon) قضاوت كووا بارا را بحال خود گذاشته اند و تارن بنظر یه قبلی ایستاده است .

منچن هلفن (Maenchen Helfen) در یوچی ها از قبیله بنام سا كه

كوشانا (Saka Kushana) ذكر میکنند .

این مطلب که وی آن پنج ریاست را از یوچی ها مجزا میداند ازین رو مورد بحث است که نوشته شده که (آن ها همه به یوچی ها متعلق اند) درین باره استدلال میشود که جمله «به یوچیها متعلق اند» کدام معنی را افاده نمیکند. اگر آن پنج ریاست یارو سا (hi-hou) خود یوچی ها باشند، معلوم میشود که بر تاریخچه ها و سالنامه های چینایی پیش از اندازه استناد و اتکا شده باشد. واقعیت ها و شواهد آشکار دیگر از قبیل اجاسر، چهره و استعمال القاب (۹) اسماوزبان (۱۰) کوشا نیها و علاوه بر آن همه اقوامی که در آن محل سکونت داشتند و بعدا بتام تاهیا یا باختری شناخته شده از نظرافتا ده اند اگر تاهیا قبل از اینکه بدست یوچی ها بیافتند سرزمین کوشا نیها بوده باشد آیا آنها با اسم دیگری نامیده شده اند و یا خیر؟

تجانس و شباهت در کلمات، در حالیکه حقایق و شواهد نمایانی بر آنها اتکا شده نمیتواند موجود باشد چیزهای نیستند که از روی آنها ملیت کوشا نیها متگولی پنداشته شود. حال ما برای یافتن مردمان (تاهیا - باختریا) که با کدام نامهای کوشانی سر میخورند به منابع یونانی لاتینی و سانسکریت کلاسیک نظر می اندازیم.

نظریه ساکهای آریایی کوشا نیها

مدرک اصل و نسب ساکهای آریایی کوشانی و باز موطن شان در تاهیا این هر دو بر توأمیت زبانی یا نژادی و خویشاوندی استوار است که از طرف ستین کو بطور جدی بررسی شده است. وی مغانی برخی نامها و اصطلاحات را که از طرف کوشا نیها استعمال شده است

در یک زبان آریایی که زمانی در ترکستان چینی بدان گفته می‌شد و در ادبیات بکار میرفت یافته است .

لیومن (Leumann) این زبان را آریایی شمالی دانسته و بعضی خصوصیات این زبان را بیان می‌کند. پلیوت (Pelliot) آنرا آریایی شرقی می‌گوید و له در (Luder) آنرا زبان ساکه‌ها می‌داند . کرتس (Kirtse) آنرا ختشی دانسته که بدون شک زبان ساکه‌ها بود است. عناصراً ساسانی در سکه‌ها و کتیبه‌های کوشانی از طرف ستین کنو بررسی شده بطور مثال نامها و القاب ذیل :

یا ووگا (Yavoga) کچولا (Kujula) ارتونا (Erthuna) مورودا (Muroda) و مچها کا (Majhaka) در کتیبه زیدا (Zeda) و بالاخره در سکه‌های کنشکا و جانشینان وی که بزبان خالص ختشی ساسانی و به رسم الخط یونانی نوشته شده مانند (شاونوشا و کوشانو) و غیره. شاو (Shau) در زبان ساسانی معنی پادشاه را میدهد که بشکل ششاو (Shshau) در اسناد قرن هشتم آمده است و این با (شاهی) هم‌ریشه میباشد .

ستین کنو می‌گوید (۱۱) درین باره اگرچه انسان باین نتیجه می‌رسد که بگوید کوشانیها آریایی اندا قلاً اگر از حیث زبان و نزدیکی و خویشاوندی آنها با ساکه‌ها مطالعه شود آنها (کوشانیان) حتماً قبیله ای و یا خانواده ای از ساکه‌ها هستند .

اینکه کوشانیها قبیله ای از پنج باب گو (Yab-gou) یا قبیله نژاد یوچی‌ها پنداشته شد و با ازان پنج قبیله هارباست‌ها که بعد

از اشغال تا هیا به تایوچی تعلق پیدا کرده چنین تعلقات از سالنامه های چینا بی پیدا است .

با یتخت یوچی ها در بد خشان شهر لان شی (Lan—shi) بود که این شهر مرکز تا هیا بی قدیم بوده که تا قرن پنجم میلادی یتخت مرکز آن ها با قیمانده است . (۱۲)

در عصر (هو-هان-شو) یوچی ها تمام تا هیا را گرفته بودند و از زیان چاوانز (Chavannes—) که میگوید ازین به بعد یوچی ها تا هیا شمرده میشوند .

منابع لاتین و یونانی کلاسیک :

در تاریخچه های چینایی ، کوشانیها کوی شوانک و کوی شوانک یوچی پنداشته شده این موضوع ازینکه آنها شهر تا هیا را که با یتخت آن (در باخترا در اسکندر به باخترا) شهر لان شی ، بود گرفته بودند تحقق پیدا کرده میتواند .

مهاجرت این اقوام بدوی و نیم وحشی به باخترا توجه نویسندگان کلاسیک یونانی ولاتین را نیز بخود جلب کرده است .

سترابو (Strabo) اشغال باخترا را توسط ساکه ها جاییکه حکمرانان یونانی از طرف بادیه نشینان مییتی رانده شدند و هم درباره اخلاق این قبایل بادیه نشین تذکراتی میدهد که از انجمله - آسیوی (Asioi) پازیا نوی (Pasianoi) توکاروی (Tocharoi) و قابل یادآور است . تروگوس (Trogus) در کتاب چهل و یکم خویش وقتیکه از امور توری دیودوتس (Diodotus) در باخترا که در سال های میان ۱۰۰ تا ۱۰۰ قبل از میلاد تأسیس گردید صحبت میکند مینویسد که چگونگی

قبایل سیتی مانند ساروکه - (Saraucae) و آسیانی (Asiani) باختر و
سغد یا نه را بدست آوردند.

ژوستین (Justin) میگوید که باختری ها آزادی و امپراتوری خود
را از دست دادند و زیر تهدید مردم سغدیان ارا کسوزیان و در
نگانبان واری (Arei) و در اخیر پارتی ها قرار گرفتند.

تروگوس در مقدمه کتاب چهل و دوم خود در باره قبیله آسیانی
(Asiani) که حکمرانان تخاریان شد ند و اینکه قبیله سارو که
(Saraucae) از بین رفت معلومات دیگری هم ارائه میکنند.

ستین کتو قبیله آسیانی را از روی تاریخچه چینایی ها با یوچی
یکی میداند. تخاریان قبل از اینکه تحت تسلط یوچی ها در آیند
در باختر و شرق آن متمرکز شده بودند.

وی (ستین کتو) از سببی منابع لاتین و یونانی را با منابع چینی
یکجا مطالعه نمود تا از جریان وقایع تصویر درستی ترسیم نماید.
منابع کلاسیک میگویند قبل ازین که یوچی ها تا هیا را
اشغال نمایند تخاریها حکمرانان باختر بودند آیا ما گفته میتوانیم که
تخاریان عبارت ازان یک یا پنج قبیله یا هی هوبودند که قبل از یوچی
ها بر باختر مسلط بودند.

این فقط در صورتی قابل قبول است که ما اولاً اینرا بپذیریم که
این پنج قبیله قبلاً تأسیس گردیده بودند و از جمله آنها کوی
شوانک قبل از یورش یوچی ها مسلط بود نه بعد از ان.
انکه تخاریان عبارت بودند از همین کوی شوانک یا کوشان و باختر
از روی منابع هندی معلوم شده میتواند.

منابع هندی

از روی لست دودمان های سلطنتی که در پورا نا ها (Puranas) موجود است حکمرانان توشارا (Tushara) بجای یاوانا ها (Yavanas) نشستند که تعدادشان ۱۴ نفر بود .

ما تسیا (Matsya) دوره آنها را به غلط (هفت هزار سال) میدانند در حالیکه این دوره از (۱۰۷) سال بیشتر نیست .

وایو (Vayu) ویر همندا (Brahmanda) آنرا (۱۰) سال میدانند .

نام تخاراد دراما یا نا (Ramayana) و سها بهاراتا (Maha-bharata) و همچنین در دو متن قدیمی بودایی چون سدهار ما - سمریتو - پشته (Sadharma-Smrityu - Pasthana) و مها ما پوری (Mahamayuri) آمده است .

تخاریان بحیث مردمی مستقل و علیحده که در آن طرف هما لها در سرزمینی کوهستانی برای خود کشوری داشته اند از اواسط قرن هفتم میلادی با بنطری از طرف هند یها شناخته شده اند .

بدین ترتیب تمام منابع معلومی از تخاری ها و کشورشان

(Tukuras) که آنطرف سرحدات هند واقع بود ذکر بعمل می‌آوردند. (۱۶)

از روی منابع پوراتیگ شاهان تخاری که هندوستان را از یونانی‌ها گرفتند چها رده نفرشان بیشتر از صدسال بر هند حکومت کردند و اینها همان حکمرانان یونانی اند که در کتیبه‌ها و سکه‌ها بوضاحت بنام حکمرانان کوشانی یاد شده اند.

بین تخاری‌ها و ساکه‌ها در منابع یونانی از ایشان ذکر شده است در بسیاری چیزها در بین شان وجوه مشترک و شباهت‌ها موجود بوده است، مانند اسامی و القاب ساکه‌ها که از طرف حکمرانان کوشانی استعمال شده است.

استعمال ساکه‌ها در عصر هخامنشی‌ها بصورت ضمنی استعمال شده کتیبه‌های رستم از قبایل ساکه ذکر میکنند مثلاً: ساکه‌های تیگراخودا (یعنی کسانیکه کلاه یا خودهای نوک تیز بسردارند) و هوماوارکا (Haumarka) و تارادرایا (Taradraya) (یعنی آنطرف دریا) غالباً تخاریان که در قدیم در هند بنام توخارا (Tukharas) شناخته شده‌اند، شعبه‌ای از اقوام ساکه بوده‌اند و یگمان اغلب همین قبیله (تیگراخودا) بوده است و این مسأله از آنجا بیکه حکمرانان کوشانی بالای سکه‌های آنها سکه زده‌اند نیز نمایان میگردد.

نکته مهم دیگر تأثیر مذاهب هندی بالای این حکمرانان می‌باشد. هونان که غالباً از سلسله هیوانگ نو (Hiung-nu) بوده اند مدت زیادی گذشت تا با شرایط مذهبی و اجتماعی هند آشنا و ملوئ شدند، درحالی‌که مابقی اینهم نخستین پادشاه و مؤسس سلطنت کوشانیها

(کچولا کد فیزس) پیرو استوار و محکم ساتیادا رما ستیتا سیا (Satyadarmasthitasia) (قانون راستین) بود و چهرهٔ بودا را بر سکه های خویش نقش کرده است.

بهمین ترتیب فرزند وی ویماکد فیزس (Vima Kadphises) که پیرو شیوا اما همیشهوارا (Siva Mahisvara) بود و کنشکا که سرتی وحامی مذاهب و به (Eclecticism) (کسی که تمام مذاهب را حمایه نماید اما یکی را نسبت به دیگران بیشتر اهمیت دهد) معتقد بود و هوویشکا که به لنگر خویش در متهورا (Mathura) مشهور و بطور یقین پیرو شیوا بود و همین گونه واسود یور (Vasudere) از نامش برمیآید که از نظر مذهبی هندو بوده است.

همینا این برای يك نژاد براری وادی مشکل است، که باین زودی با شرایط جدی اجتماعی و مذهبی توانق نماید و باین زودی و آسانی آن را بپذیرد.

بنا برین گفته میتوانیم که این مردم حتماً با مذاهب و مفکوره های هندی از نزدیک آشنایی و ارتباط داشته و ارزش های مذهبی هندی بیخبر نبوده اند.

نتیجه

کمان اغلب برین است که کوشانی هادر منطقه ای در نزدیکی باختر و یا در جنوب آن زندگی داشتند و شعبه از سا که های پیشین بوده اند اینها بنام تخاری ها و یا تخارا شناخته شده اند. در حالیکه حکمرانان کوشانی القاب قبیلوی خویش را استعمال نمیکردند. منابع هندی آن ها را توشارا (Tushara) می گفتند.

این ها به حیث يك ياب-گوی (Yab-gou) مهم موقتاً تحت تسلط
یوچی ها بودند و قتیکه تا هیا توسط یوچی ها اشتغال گردید بعداً
قدرت باست این ها درآمد خرد را تحکیم بخشیدند و توانستند راه
خود را بسوی شمال شرق بگشایند و در آنجا آخرین حکمروایان یونانی
را شکست دهند. رهبر کوشانی ها کجولا کد نیزس برای پسر خود
ویما کد نیزس راه فتح هندوستان را باز نمود.
این بحث با وجودیکه نباید فوراً و بصورت قاطع پذیرفته شود اما
نسبت به نظریه اصل و نسب مغولی کوشانی که اکثریت اسناد و شواهد
موجود آن را تایید نمیکنند بیشتر ما را به حقیقت نزد يك میسازد ولی
تاریخچه ها و اسامی نامه های چینی را نیز رد نمی کنند .



حواله ها و يادداشتهای مربوط به این فصل

(۱) اصطلاح کوشانا ومعنی و کیفیت آن موضوع بحث طولانی و گرمی بین دانشمندان شده است. با کمی فرق بعضی اشکال این اصطلاح قرار ذیل است: در آن عده سکه های کد فیزس اول که بر رسم الخط یونانی ضرب زده شده به شکل کوشسانو Kashsanu و یا خوشانسو (Khoshansu) و سکه هاییکه بر رسم الخط خروشتی (Khasoshti) ضرب خورده اند به شکل کوشانا Khushana یا کھوسانا خوشانا Khushana می باشد.

نوٲ: تعداد یادداشتهای مربوط این فصل در خود کتاب به (۳۰) میرسد. اما از آن جمله درین جا فقط (۱۴) یادداشت آن را انتخاب نمودیم که با معلومات دیگری میدهند و خود مولف هم در باره آنها صحبت نموده است و اگر کسی میخواهد تمام یادداشت ها را ببینند به صفحات (۷) الی (۱۱) اصل کتاب مراجعه نمایند (مترجم)

در کتیبه های خروشتی هندی یکی هم به شکل گوشانا Gushana یا کهوسانا (Khushana) می باشد. سکه های بیکه از آسیای مرکزی با همان رسم الخط ها بدست آمده دارای اشکال گوشانا (Kushana) یا کرشانا (Kurshana) می باشند.

در کتیبه، مشهورات (Math) در نزدیکی متهورا گوشانا پوترا (Kushanaputra) آمده است.

تار پیچیده های چینی آن را کوی شیوا نگه (Kuei—Shuang) می نویسند.

در کلمه ناما نندیتیکا (Kalpanamanditika) شاه کنشکا به شکل کیو-شا (Kiu—Sha) نوشته شده است.

کلمه گوشانا راستیل هولسین (B.A.V. Steel Holsein) حالت اضافی جمع اسم کوشا (Kusha) می‌دهد.

مانشین هلفن (Manchen Helfen) می گوید اگر گوشانا حالت اضافی جمع و یا طوریکه مستین کنو می بندد ارد صفت باشد. بهر حال از موجودیت کلمه مختصر کوشا (Kusha) یا کوشی (Kushi) انکار شده نمی تواند این اسمی است که توسط آن کوشانیان از طرف مردمانی که با ایشان تماس مستقیم و یا غیر مستقیم داشته اند شناخته شده اند. ولی (هلفن) چندین شکل کلمه کوشا و بنام کوشا اسامی چندین روستاها و شهرها را جمع آوری نموده است.

این ها در هند بنام گوشانا شناخته می شوند. در کتیبه مانیکیالا (Manikiala) عبارت گوشنا و اساسین وردها کا (Gushnavasasain Verdhaka)

موجود است از آن برمیآید که شاید شعبه ای از خانوادۀ کوشانا باشد.

جایا سوال (K.P. Jayaswal) می گوید کوشانا اسم شخصی کجولا که فیژس موسس و بانی این سلاله حکمران بوده است.

۲- «اگر به سنه کنشیکا و اخلاف و اسلاف او از روی واقعیت نظر اندازیم برای جلوس کنشیکا چندین سنه مختلف تعیین شده می تواند یعنی از قبل المیلاد تا سال ۲۷۸ میلادی» (صفحه ۲-۱۹۰۳ و JARS)

۳- دفتر دوازدهم تحقیقات هیأت باستانشناسی در افغانستان
قاهره ۱۹۳۶.

۴- درین باره آوردن بلیو گرافی جامع درین جا بی مورد نخواهد بود:

کننگهم (Cunningham) اولین کسی است که درین مورد تحقیق کرده است (راپور تحقیقات باستانشناسی) (ASR) جلد سوم یاد داشت صفحه ۶۸).

از روی تیوری زمان ویکراما (Vikrama) که یک بحث های دیگری برآن ترتیب شد برمیآید که کتیبه کوشانا شاید مربوط دوره سلوکی ها باشد و تاریخ جلوس کنشیکا را سال ۸۰ میلادی می داند (صفحه ۶۴ کتاب دوره های هند).

سیلوین لیوی (Sylvian Levi) تاریخ شروع سلطنت کنشیکا را سال پنجم قبل المیلاد می داند (جورنال ایشیا نیک پاریس ۱۸۹۶ نوامبر- دسامبر و صفحات ۶۲-۶۶-۸۲ جون ۱۸۹۷)

بایر Bayer جلوس کنشکا را بعد از سال (۹۰) میلادی میداند و بندر کار آنرا سال ۲۷۸ م میبندارد. ۱۹۰۰ م JBRRAS داکتر بندر کار بعداً نظر خود را تغییر داده و تاریخ تخت نشینی کنشکا را حوالی سال ۱۲۸ میلادی تعیین کرده است (IC.VII. P. 140 n) نظریات فرگوسن (Fergusson) و اولدنبرگ (Oldenberg) بر نظریه ونسنت سمت استوار است که میگوید کنشکا در سال ۷۸ میلادی موسس سلسله ساکه‌ها بوده است.

در سال ۱۹۱۳ برای تعیین سنه کنشکا بحث مفصلی در گرفت که در آن مورخان بسیاری کشورها اشتراک کرده بودند که بحث‌های آن در مجله رویال اشیا تیک سوسایتمی چاپ شده است. درین اواخر نیز در شماره این موضوع مجلی از طرف (School of Oriental and African studies) تشکیل گردید که در آن دانشمندان بسیاری سمالک اشتراک نمودند (اسانتایچ بحث‌ها تا هنوز بچاپ نرسیده است).

از جمله طرفداران نظریه جلوس کنشکا در قرن دوم میلادی ونسنت سمت آن را سال ۱۲۰ م ستین کنو ۱۲۵ م مارشال ۱۲۸ و نگارنده این کتاب سال ۱۴۴ میلادی می دانند. خانم لوهویزن دی لیوو (Lohuizen de Leeuw) می گوید: کنشکا بین سال ۷۱ میلادی و قبل از سال ۸۶ میلادی بر تخت جلوس نشسته است. (The Scythian period-p.64) گیرشمن سنه تخت نشینی کنشکا را ۱۴۴ میلادی می داند.

(Cahiers جلد سوم نمبر ۳، ۱۹۵۷، میلادی صفحه ۶۹۸)

نظریات موافق و مخالف دانشمندان در باره سنه کنشکا بعداً در متن و در جای آن ذکر خواهد شد .

۵ - پوزین (Poussain) می گوید این اشکال در سکه های آن ها که برسم الخط یونانی بود، کوزولا Kozoula یا Kozola و برسم الخط خروشتی Kujula نوشته شده .

از روی اسناد ختن ، کسورا Gusura لقب رسمی بوده است تا جایه که به Yavuga—Yauua (خروشتی) (وزا و Zaoou (یونانی) ارتباط می گیرد گفته میشود که از هی هو hi—hieo چینی که قبلاً یاب کو (Yab-gou) تلفظ می شد ، استنساخ شده است .

از روی نظریه دانشمند فرانسوی (ستین کنو) شاید یاب - گو (Yab-gou) در اسناد ختن يك اسم خاص بوده که بعداً در بین ترکان شرقی به يك لقبی برای بزرگان تبدیل شده باشد .

۶ - (JARS, 1912, P. 670) سیلوین لیوی به بیان هما چند را Hemachandra اشا و ، می کند که میگوید ترکان ساکی (Sakis) ازد یعنی لقب شاهان ساکی را استعمال می کنند و ساکی به معنی شاهی Shahi نوشته شده است .

این لقب از طرف کنشکا و جانشینان وی برسم الخط برهمی استعمال شده است .

۷ - بر اساس نظر به تارن (Tarn) از جمله پنج شهزاده یوچی یاب گوی نمبر پنجم (که وی آن را بیغو تلفظ می کند) يك نمبر تیمیک آریائی نه بلکه غالباً يك نمبر چینی بوده است . وی علاوه می کند

یَبغو (Yab—Ghu) کلمه ای ترکیست .. (یونانی ها در باختر و هند تا لیف تارن چاپ دوم صفحه ۲۸۸) .

۸ - مولف کتاب (یونانی هادر باختر و هند) « چاپ دوم صفحه ۲۸۷ نوت چهارم » میگوید: این نظریه که شهزاده گان یوچی و پنج شهزاده سا که هایی باختر را که یوچی ها فتح کردند یکی می دانند بیانات هوشان شورا از کشتهی به دریا می افکنند و اشتباهی است بر اشتباهات دیگر که میگوید سا که های باختر یونا نیان را فتح کردند .

۹ - نظریه ای که میگوید دیوا پوترا Devaputra تقلیدی از لقب امهرا توران چینی است از جانب توماس F.W. Thomas رد شده است . برای اصلیت چینی این کلمه اگر این عقیده عمومی را که پادشاه و امهرا تور را از جانب خدای داد و برداش حیثیتی الهی قابل است مد نظر بگیریم دلیلی شده نمیتواند زیرا دیوا پوترا يك اصطلاح هندی است که نه از طرف کوشانیان و نه برای آن ها اختراع شده است این اصطلاح بسیار قبل از کوشانیان در کتیبه بهار هوت Bharhut آمده است .

۱۰ - هلفن می گوید کوشانی ها بزبان سا کی حرف می زدند و زبان سکه هایشان مال خالص ختن بوده است .

هالسونز (Halsouns) میگوید این که گفته میشود کوشانی ها بیخاطری زبان سا کی را استعمال کرده اند که خود را اخلاف و جانشینان قانونی حکمروایان سا کی شمال غرب هندی دانستند قابل قبول نیست .

کوشانی‌ها هیچ وقت در باختر زبان‌سا که‌ها را انتخاب نکرده‌اند .
 ۱۱ - ستین کتو چنین میا نگارد که شاه کنشکا زبان ساکی را
 در نوشته استعمال کرده است آثار بودایی از زبان کوی شانک
 (Kuishang) بزبان برچوقی (Barchuq) در مارل با شی Maralbashi
 فعلی نزد يك يار کند و به همین ترتیب از (کوی شانک) به تخاری
 و بعداً به ترکی ترجمه شدند اما این معلوم نیست که زبان کوی
 شانک در کجا مروج بوده است .

۱۲ - راجع به موقعیت تاهیاشی کی (Shi—Ki) می نویسد تاهیا در
 دو هزارلی (Li) جنوب غرب تا - وان (Ta—wan) (فرغانه) و جنوب
 رودخانه وی (Wei) (اکسوس) واقعست .

در آنجا دهقانان آبادی‌ها و شهرها دارند و در معاشرت و رفتار
 شبیه مردمان (فرغانه) هستند .

مردم فاقد یک رهبر بزرگ بودند و روستاهای بزرگ برای خویش
 رهبران محلی انتخاب می کردند و سران آن ضعیف بودند و از جنگ
 هراس داشتند اما مردمان آن در معاملات و تجارت بسیار ماهر و آزموده
 بودند .

بعد از فتوحات یوچی‌ها که پایتخت شان در لان - شی بود آن پنج
 ریاست که هر کدام شان تحت تسلط یک هی - هو بود به تایوچی
 (Ta- Yueh- Chi) مربوط بودند . از روی هو - هان - شو یوچی‌ها
 امپراتوری تاهیا را این پنج هی - هو تقسیم نمودند .

به عقیده تاون بعد از آنکه ان‌ها (یوچی‌ها) باختر را گرفتند
 لان - شی (یعنی اسکندریه) پایتخت تاهیا (یعنی باختر) بود .

سپکت (Spect) نخستین کسی است که لان - شی را اسکندر به می‌داند .

گروت (Groot) ان را پان - کوی کان - سی (Kan-si) میدانند .
تارن عقیده دار داز لحاظ تاریخی لان - شی غیراز باخترا جای دیگر بود، نمی‌تواند .

۱۳ - به عقیده تارن اشغال تاهیا (باخترا) کار یوچی‌ها بوده است اما کثرت دانشمندان معاصر را عقیده برینست که تاهیا از طرف ساک‌ها اشغال شده و بعد ساک‌ها از طرف یوچی‌ها به جانب جنوب رانده شدند .
این کشور تا زمانی در اختیار ساک‌ها بود که یوچی‌ها با آن‌ها را تابع خویش نمودند و یارایندند .

چانگ - کین (Chang Kien) درین باره هیچ چیز نمیداند و ذره‌ای شواهد وجود ندارد که موجودیت شان را ثابت نماید .
جمله ساده ستر او اینهمه مغالطه و غلط فهمی را بمیان آورد و نویسندگان یکی بعد دیگری - باشکال‌گوناگون ساکا (Saka) و ساکارو (Sakarau) و ساک (Sak) و سایی وانگ (Sai-Wang) و حتی توکاری (Tochari) خویشان را خسته کرده‌اند .

سترابو اشغال باخترا را توسط ساک‌ها می‌داند اما تارن می‌گوید که سادگی متن و سطحی‌گری آن ازین معلوم است که سترابو از قرن دوم و سوم قبل‌المیلاد صحبت نمی‌کند . بلکه خیلی پیشتر ازین یعنی در قرن هفتم قبل‌المیلاد از هخامنشی‌ها صحبت میکند .

اپولودروس (Apollodrus) اشغال سلطنت را توسط چهار قبیله

چادر نشین می‌دانند مانند آسی (Asii) یا سیانی (Pasi) توکاری (Tochari) و ساکاولی (Sacarauli).

تروگوس اشغال آن را توسط دو قبیله آسیانی (Asiani) و ساروکه (Saraucae) می‌دانند. با وجود آن تروگوس از توکاری نیز ذکر بعمل می‌آورد.

۱۳ - خانم لیوو (Leeuw) عقیده دارد که یوچی‌ها تخاریان‌اند و آسیانی (Asiani) الیاس (Alias) آسی (Asii) یا یوچی‌اند و با حد اقل قشر حاکم آن می‌باشند. این خانم در جای دیگر من گوید آسی (Asii) در ماورای مرزهای خویش بنام توکاری - توخارا (Tukhara = Tochuri) شناخته می‌شدند.

تازن میگوید نام آسی (Asii) همانند (Arsi) می‌باشد که توسط دانشمندی بنام (Sieg) خیلی بعدتر در استاد قرن هفتم یافت شده است.

وان وندیکن (Van Windeken) عقیده دارد که کلمه ارسی (Arsi) بمعنی سهولت برای حکمرانان تخاری یا مرمانی که بالای شان حکومت میکردند استعمال می‌شده است.

بعضی دانشمندان آسی (Asii) را با وو - سون (Wu-Sun) یکی می‌دانند.

مانند کار پنتردیو لین (charpenter Deyulines) و کوریز (Coureas) هروفیسر باپلی (Bailey) معنی ارسی (Arsi) را مأخوذ از کلمه آریا (Arya) سانسکریت می‌دانند.

اسی (Asii) مردمانی را می‌داند که در جنوب روسیه بنام اوسیتس (Ossetes) یا اس (As) یاد میشوند .

از جمله سنترا بو این مساله بوضاحت کامل آشکار میگردد که فتح باختر چنان رویداد تاریخی بود که بموجب آن قبایل داخل باختر و قبایل همجوار آن شروع به مهاجرت نمودند .

از منابع کلاسیک برمیآید که اشغال باختر مرحله ای انتقالی بود که گاهی در دست یکی و گاهی بدست دیگری می افتاد که آنکه میقترا - داتس اول (مهر داد اول) آن را اشغال نموده و حکمرانان دگر را از آن براند .

شناخت هویت تخاریان هم موضوع بحث است درین باره سیلوین لیولستی از منابع چینی چنین ابراز نظر میکند :

بك منبع چیتاهی می گوید که همزمان و در يك وقت هونانیان (Yanana) در شمال و هو - لا - بو (Po-La-Po) یعنی پهلو اهار تیان در غرب و چی - کیا (Che-Kia) = (Saka-Scythians) در جنوب و تین - چا - لو (Tein-cha-Lo) یعنی توکارهان در شرق حکومت میکردند .
 پس مقایسه ای که ویجاشا (Vibhasha) و نانچو (Nanjoi) کرده اند این نظر را از آن مستفاد می گردد که هوچی و تیو - کو - لی (Teou-Kiu-Le) با هم یکی اند . روابط تخاری ها با توکاری و تو هو - لو - Toue-Houo - Low چینی یا هوچی و تا هی از طرف دانشمندان بررسی شده است .

ر ریکتوفن (Richtofen) که لیوی نیز با وی موافق است توکارهان را با هوچی یکی دانسته و مسکن شان را ختن می‌داند و

مارگوارت (Marguart) می گوید که تو کاری ها همان تاهیا می باشند که در يك کشور زندگی می داشتند که هیون-تسانگ - (Hiuen- Tsang) آن را تو - هو - لو (Tou-hou-Lo) قدیم یا تخارستان می نامد که در وسط اکسوس و ۳۰۰ کیلومتری ختن واقعست .

فرازک (Frank) عقیده دارد که آن هانه تاهیا بودندنی هم یوچی بلکه مردمانی بودند که یوچیهها آنها را در تو هولوی قدیم تابع خود کردند .

ستون کتو چیزی را در مورد رابطه ای یوچی ها و مهاجرت تو - هو لو نمیداند .

راست اینست که تخاریان در جهان غرب خیلی پیشتر حتی از زمان آسوری - ها شناخته شده بوده اند. زمانیکه یوچی ها را هیچ کس نمیشناخت . درین باره پوزین Poussain : بیلوگرافی جامعی را ارائه کرده است .

۱۵ - در کنگره تاریخی هند که در سال ۱۹۳۳ میلادی در علینگر تشکیل شد در لی ان بگچی (P.C.Begchi) در نطق افتتاحیه خویش در باره مساله بادیه نشینان آسیای مرکزی در هند صحبت نمود . از ذکر در باره تخاریان در منابع قدیمی هندی مانند پورااناودو کتاب دیگر بودائی هم یاد کرد و بعضی ماخذ آن را نیز تذکر داد .

۱۶ - پلینی (Pliny) و بطلموس آن را به ترتیب بشکل تو کاری Thocari و (Tochari) ذکر کرده که در شمال (Caspiri) - کشمیر زندگی داشتند .

فصل دوم

کاد فیزس ها

دودمان سلطنتی کوشانی کاد فیزس ها که شامل دو نفر آنهم پدر و پسر میشوند ، بر يك دودمان سلطنتی دیگر کوشانی که موسس آن کانهشکا بوده است پیشی دارد .

نظریه فلیت و کینیدی (۱) که دودمان سلطنتی کانهشکا را قبل از دودمان کاد فیزس ها میبنداشت اکنون از نظر افتاده و ارزش خود را کاملاً از دست داده است .

اسناد و شواهدیکه بر اثر کاوشهای باستان شناسان از مقام تا کسبلا بدست آمده اند، در مورد اینکه کدام يك از این دودمان ها پیش و پس بوده اند به اندازه کافی روشنی انداخته و جای شك و تردید را باقی نگذاشته است . (۲)

برای درك و تحقیق در باره دودمان اول کوشانی با بست به اسناد و شواهد ذیل مراجعه شود :

هو - هان - شو یعنی سالنامه ها یا دفترچه های دودمان دوم سلطنتی هان چین که واقعات و حالات بعد از سال ۲۰۵ میلادی را بازگو میکنند . (۳) و سه کتیبه هروشتی کاد فیزس که در سال ۱۰۳ نگاشته شده اند (م) و همچنین کتیبه سال ۱۲۲ پنجتر و کتیبه ظرف نقره‌ئی سال ۱۳۶ تا کسلا .

علاوه بر اینها مطالعه و تحلیل همه جانیته مسکوکات دودمان اول کوشا نی یعنی کجولا کاد فیزس و پسرش ویما کاد فیزس از جاها تیکه بدست آمده اند (۵) و چهره هائیکه بر آنها نقش بسته لیز در باره این دودمان معلومات را ارائه میدهد .

و نیز خصوصیات و مطالب این مسکوکات با واقعاتیکه در آن دو سند از آنها ذکر شده ، میتوانند در راه در یافت یک توائقی بما کمک کنند .

تحلیل و تدقیق منابع و اسناد و معلوما تیکه از آنها بدست میآیند میتوانند یک تصویرمکملی از زندگی و کارنامه های فرمانروا کجولا کاد فیزس و فاتح هند ویما کاد فیزس را در اختیار ما بگذارند .

چنین برمیآید که این هر دو فرمانروا هر کدام شان برای یک مدت درازی سلطنت کرده اند .

ما اکنون درین جا مسأله آتی را مورد بحث قرار خواهیم داد : سنوات این هر دو فرمانروا کار نامه ها و فتوحات کجولا کاد فیزس و روابط او با هرما هیس (Hermaeus) و گاندوفرنس و سمت امپراتوری او و بدینمنوال راجع به ویما کاد فیزس فتوحات او و گماشتن ساتراپها و

روابطه او با چین و روم و در ضمن معضله سوتر میگاس در اخیر فاصله
زمانی بین او و کانیشکاو رول جیها فیکا یا زهونیزس (Zeionises)
سخن خواهیم گفت .

منابع و مدارک :

این گزارش هو-هان - شوکه میگوید « بعد از جدائی صد ساله آن
پنج هی - هو (he-hou) یکی و یکجا شدند » چیزهای زیاده را بما
می آموزاند .

هی - هوی کوی شوانگ (Kuei-Shuang) بر چهارهی - هوی دیگر
تاخت و خود را پادشاه اعلان نمود و سلطنت او بر اساس تقسیمات قبلی
واصلی (کوی شوانگ) نامیده شد .

هو-هان - شورا جمیع سایر کارنامه ها و فتوحات درخشان او نیز
صحبت میکند و میگوید که او (کوی شوانگ) بران - سی (An-si)
تاخت و کساؤ - فو (Kao-Fu) - را بگریفت و علا و تا
برپو - تا (Po-ta) و کی - پن (Ki-Pin) (۴) نیز پیروز
گشت و آن سلطنت هاراتصاحب نمود . و بیش از (۸۰) سال داشت که
پدر و دحمیات گفت و بجایش پسر او پن - کاو - چن (Yen-Kae-Chen) بر تخت
سلطنتی نشست و او تین - چو (Tien-Chu) را بار دیگر گرفت و برای
اداره امور آنها یکی از جنرالهای خود را گماشت .

چون هو-هان شو - از عهد کین - وو (Kien-Wu) (۲۵۰ - ۲۰۵) و بعد
از او سخن میراند پس فتوحات کجولا کادفیزس نمیشود قبل از سال ۲۰۵ م
صورت گرفته باشد .

کتیبه ها نمکه راجع باین دودمان کوشانی سخن میرانند عبار تند
از همان سه کتیبه که ما قبلا از آنها ذکر نموده ایم .

کتیبه اول که سنه گذاری آن در سال ۱۰۳ همان عصر صورت گرفته و
سال ۲۴ (۷) سلطنت مهاراجا گودوهارا (Guduvhara) (گا ندو فرنس)
و روز اول ماه وایسا کا (Vausakha) نیز از آن استنباط میشود در آن
چنین نوشته شده : « تحفه های میرا (Mira) نجات دهنده و پسر و
دختر او به افتخار شهزاده ارجیونا کاپشا (Erjhuna-Kapsha) و پدر و
مادر او تقدیم شده است » از روی این عبارت چنین استنباط میشود که
مقصد از شهزاده کاپشا عبارت از کجولا کا دیزس بود که درین
وقت هنوز به سلطنت نرسیده و یک شهزاده بوده است .

مادر مورد رواج با گا ندو فرنس بعداً سخن خواهیم گفت .

کتیبه پنجم (۸) در دره های کوه های مترابان که در سال ۱۲۲
همان عصر نوشته شده و در آن عبارت مها یا راسا - گوشانا سا
(Mahayarasa Gushanasa) یعنی « فرمانروای بزرگ کوشانی » دیده
میشود . و همچنین ۱۳ سال بعد تر کتیبه ظرف نقره ئی (۹) که سنه
گذاری آن در سال ۱۳۳ صورت گرفته و در آن عبارت مها راجا ساراجا تی راجا
دواپو ترا گوشانا سا « یعنی گوشانا شاه شاهان و پسر خدا »
دیده میشود .

طوری که دیدیم درین اسناد در هیچکدام شان از نام خاص فرمانروا
ذکری نرفته و تنها نام خانوادگی آنها (کوشانا) برده شده است .
و بنا بر این ما نمیتوانیم تصور کنیم که منظور آن کتیبه ها یک دودمان
دیگر کانیشکای کوشانی بوده باشد . و طوری که از سنه گذاری کتیبه

بر مینا هد که منظور از فرما نروای کوشانی عبارت از کجولا کا د فیزس است که در سال ۱۲۲ پادشاه بود. و بعد از ۱۴ سال سلطنتی راهی ریزی کرده بود که تا به تاگسیلا رسعت داشت و از همین رهگذر او با چنین القاب پرتنطنه و بلند بالا یاد شده است.

مسکو کاتی را که کجولا کاد فیزس گاهی همراه با هرماوس (Hermaeus) (۱۰) و گاهی هم بطور مستقل انتشار داده و بر روی آنها بعضاً چهره های از یگان امپراتور روم غا لیباً اگوست (Augustus) گرچه آلن (Allan) (۱۱) آنرا نزد يك به کلودئوس (Claudius) میدانند نهی بسته ، در راه روشن شدن و نگارش تاریخ کجولا کاد فیزس کوشانی خصوصاً در قسمت فتح کابل (کاو-فو (Kae-Fu) در تاریخچه های چینائی) و بیرون ریختن قدرت و تسلط یونانی ها توسط او کمک قابل ملاحظه مینماید. منجمه مسکوکات در راه احیاء و نگارش تاریخ سیاسی آن دوره از اسناد خیلی مهم و غنی بشمار میرود.

سنه کجولا کاد فیزس و عهد قدیم ساکا :

سنه کجولا کاد فیزس را تنها میتوان در صورت تعیین سال نخستین دوره ساکا که در سه کتیبه خروشتی ذکر شده تعیین نمود. قبلاً اشاره شد که این اسناد تنها متعلق به خود اوست و سند آخرین به پسر او تظابق میکنند نه بکدام فامیل دیگر.

اکنون بطور عموم پذیرفته شده تمام اسنادیکه برسم الخط خروشتی نگاشته شده تاریخ آن حدود سال ۸۵ ق م بوده است. (۱۷) و این تاریخ سنه کجولا کاد فیزس را در حدود سالهای بین ۵۴۸ تا ۷۸۵ م میدهد.

این سنوات با سنوات اسنادچینائی و دست آوردهای ارکیالوجیکی نیز توافق میکنند. قبلاً آخاطرنشان شد که تاریخچه دودمان دومهان (هو - هان - شو) واقعاتی را در بر میگیرد که در طی و بعد از دوره کین - وو (Kien-Wa ۲۵ - ۵۵ م) بر وقوع پیوسته اند. در مورد کا پشا Kapsha که در کتیبه بشقاب مسی سال ۱۰۳ تاگسیلا ذکر شده بحیث کجولا کادفیزس پذیرفته شد، و همچنان کتیبه ۲۴ گدواها را (Guduvhara) (گاندو فرنس) نیز از لحاظ طرح و سنه گذاری با هم توافق میکنند. از روی این اسناد کجولا کاد فیزس درین وقت تنها یک شهزاده یا کو مارا (Kumara) بوده اگرما اشتقاق ستین کنورا در مورد و کلمات ابر جو نایلی سانای (Erjhuna alysan) پسانها ایسانای Eysanaal یعنی الزانای Alzanai ایزانای Ezanai که در زبان ساکی قدیم به کشور ختن بکار برده میشود بهد یریم (۱۸).

در ۱۲۷ عهد قدیم - ۳۴ م کجولا کاد فیزس بحیث سلطان (مهارجا) قدم در سرزمین شمال غربی هند قدم میگذازد (+) و در طی مدت ۱۰ سال دیگرویی موقعیت خود را استحکام و قلمرو خود را توسعه میدهد. و این واقعیت از کتیبه سال ۱۳۴ تا کسیلا آشکار میشود که در طی آن کجولا کاد فیزس القاب بزرگ و شاندار چو مهارجا را جارتی

x منظور نویسنده سرزمین افغانستان بوده ولی از ذکر نام آن خود داری میکند و اصطلاح انگلیس ما بانه (ولایت شمال غرب) را بکار میبرد.

(مترجم)

را جا دیو ابو ترارا برای خود بکار میبرد. هنوز نام خود او بنظر نمی خورد و همان لقب خاندانی او چون کوشانا یا خوشانا (Khushana) دیده میشود که در کتیبه های قبلی به ا لقب مهاراجاسا - کوشی ناسا راجعی (۱۹) در آن ذکر شده است. آن عده از داندانشمندان نیکه می انگارند که نیشکا موسس عهد ساکا در ۷۸ م بوده است این اسناد را متعلق به ویما کاد فیزس میدانند که پیوسته بعد از کاد نیشکا به میان آمده است.

باین ترتیب در طی مدت ۳۳ سال یعنی بین سالهای ۵۳ م و ۷۸ م زندگانی کجولا کاد فیزس هشتاد ساله بحیث یک شهزاده و بحیث یک فاتح يك فرمانروا و همچنان عهد زمامداری پسرش و تمام واقعات شمول فتح هند (تین چین) (Tien-Chian) را در بر میگیرد البته ما بعد از جای خودش این معضله را مورد بحث مفصل و تحلیل قرار خواهیم داد. و تنها چیزیکه در اینجا باید خاطر نشان کنیم اینست که چنین سنه گذاری ناممکن نیست ولی نا بجا هست. کتیبه خلا تیس Khalates (۲۰) که باز ویما کاد فیزس سال ۱۸۷ می از تماط نیست اگر مطمح نظر قرار گیرد دوره زمامداری ویما کاد فیزس را تا سال ۱۲۹ م میرساند و به عقیب آن کتیبه ظرف نقره ئی جیهو نی کا (Jihonika) تاگیلا (۲۱) سال ۱۹۱ - ۱۳۳ م آنرا تأیید میکند.

فتوحات کجولا کاد فیزس

در مورد فتوحات کجولا کاد فیزس تاریخچه دردمان بعدی هان (هو-هان-شو) مذکراتی دارد. و مسکوکات بدست آمده او و همچنان دو کتیبه خروشتی ۱۲۲ و ۱۳۶ وروا بطاین فرمانروا باهرما یوس بما کمک

میکنند بعد از آنکه کجولا کاد فیزس سایدھی - هو-اوسارا تابع خود ساخت گفته میشود که به برآن سی (An-Si) (نام مسروج برای پاریتا) حمله برد و به تعقیب آن سرزمین کاء-فورا بدست آورد و به سلطنت های پو تاو-کی-پن موفقانه تاخت و آنها را تصاحب نموده آن سی بقرار نظریه ستین کنو (۲۲) باد و دمان پاریتها در شرقی که گاندو فرنس از آنجمله است مطابقت میکنند. قبلا تذکار داده شد که کجولا کاد فیزس در سال ۱۰۳ و در سال ۲۴ زمامداری گاندو فرنس یک شهزاده یا کومار از وی نام برده شده است. گاندو فرنس آخرین سلطان پار تی نبود.

در مسکو کات ابدا گاسیمس (Abdagases) که در عقب سکه او را بعنوان گوو و هارا بهر ادا پو ترا ماهورا جاسا او ادر گاسا (ترا داراسا) Guduvharabhradaputra Mahurajasa Avadaqasasa (Tradarasa) نام میبرد از جنوب غربی بدست آمده است (۲۳) بر روی یک سکه دیگر سلطان القاب مهابا را جاسا را جاتی را جاسا Maharagasa Rajatiragasa شهرت شده است (۲۴) مسکو کات سلطان پاکورس (Pacores) از کند هار و از نواحی غربی بھاکر (Bhakar) بدست آمده اند (۲۵) مسکو کات پاکورس و ویمما کاد فیزس کوشانی و بعضی از مسکو کاتیکه تصویر سمبول گاندو فرنس و رسم الخط یونانی و خروشتی داشت توسط مارشال از مقام سر کب (Sirkap) که در یک مرتجان گلی جای داده شده بود کشف گردید (۲۶) مطابق نظریه اسپن (Apsen) حتی در دوره زمامداری گاندو فرنس اطاعت والیهها از فرمانروای شان محض بنام بوده است.

وجود هیچ يك زمامدار مستقل پارتنی بعد از گاندو فرانس در نواحی شمال غربی هند از روی مسکو کاتیکه تا کنون بدست آمده تا ئید نمی گردد.

از روی این وقایع برمی آید که کجولا کا د فیزس امپراتوری گاندو فرانس را سقوط داده و نواحی کا بیل (Kao-Fo) راجا ئیکه مسکو کات پا کورس یا آبا دا گامیس از آنجا تا کنون بدست نیامده اشغال کرده است. این واقعات از روی کتیبه تخت با هی (Bahi) در سال ۳۳ م و از روی کتیبه پنجم در سال ۳۴ م با دست بو قوع پیوسته باشند.

گنجی را که مارشال از خرابه های سرکپ پیرون آورده دارای مسکوکات گاندو فرانس پا کورس و کجولا کا د فیزس میباشد و از آن برمی آید که کجولا کا د فیزس ناحیه تا گسیلارا از جا نشین ضعیف پا کورس گرفته است.

کتیبه طومار نقره ای سال ۱۳۶-۷۸ م ناگسیلا کا القاب (مهراجا راجا تنی راجا دیوا پوترا اکوشانا) بران نگاشته شده است از آن بر می آید که مراد از ان کجولا کا د فیزس بوده است. بنا استنباط میشود که کجولا کا د فیزس عملاً با اذو- پادپتازور آزمایی کرده است.

نواحی غربی امپراتوری اذو- پادپتای گاندو فرانس نخست توسط کجولا کا د فیزس اشغال شد و این غالباً قبل از سال ۱۳۲-۱ انفاق افتاده است. ممکن است به جا نشینان گاندو فرانس يك کمی حق موجودیت مثلاً بحیث تیولدار کجولا کا د فیزس داده شده باشد.

ولی وقتی ابتدا گاسیس با بکار بردن القاب شانرداری برای خود از قبیل (مهارجا راجا تی راجا) ابراز کمی استقلال نمود به از دست رفتن تاج و تخت او تمام شد و امپراتوری کوشانیها با این ترتیب تا به تاگسیلا توسعه یافت. این واقعات قبل از سال ۱۳۶ - ۷۸ م بود و قوع پیوسته اند.

مرحله دوم فتوحات کجولا کا دفییزس طوریکه در (هو-هان-تو) تذکار یافته یعنی غلبه او بر پو-تا (Pu-ta) و کی-پن (Ki-Pin) میرساند که او تاگسیلا و ناحی شرقی رود اذوس غالباً نواحی شمال شرقی را فتح کرده است.

و نسبت سمت (۲۸) که به سیلوین لیوی (Sylvain Levi) و ستین کنو حواله داده نظر به سابق خردا که این نواحی را عبارت از کشمیر میدانست ترک داده و حالا آنرا عبارت از گندهارا را بشمول تاگسیلا و تخت باهی میداند.

کجولا کا دفییزس و هرما یوس (Hermaeus):

روایات این دوران دانشمندان بطریقه های مختلفی ارزیابی و بررسی نموده اند.

چون نامهای هرما یوس و سلطان کوشانی کجولا کا دفییزس بروی یک عده سکه ها یکجا ذکر شده (۲۹) این موضوع در بین دانشمندان مورد جرو بحث طولانی قرار گرفته است.

همچو مسکو کات مشترکی که قبلا بدست آمده بوده از خلال مطالعه و تحلیل آنها پس چنین انگاشت که هرما یوس زمامدار قبلی بوده که چهره نیم تنه و نام او بر رسم الخط یونانی بر روی اول سکه و

از کجولا کاد فیزس یا یاووگای Yavuga کوشان برسم الخط خروشتی در عقب سکه نقش بسته و بعد از هر مایوس متصلا کجولا کاد فیزس زمام امور را بدست گرفته است (۳۰)

از طرف دیگر توماس می انگارد که بین آن دو يك فاصله و يك خلای وجود دارد که توسط خود پهلوانها که کابل را در طی این فاصله عملا در دست داشتند بر می شود (۳۱) که این نظر به پسانها مورد تأیید اسپن نیز قرار گرفته (۳۲) و مارشال (۳۳) و کتو (۳۴) و نارن (۳۵) نیز آنرا پذیرفته اند و تارن میگوید که کجولا کاد فیزس از اخلاف میوز Miaois یاووگای کوشانی (یا « هیروز » (Heraos) این نام حیثیت یقینی ندارد) که وی بر روی مسکوکات خویش خود را کوشان نامیده است بشمار میرود (۳۶) وی (میوز) یکی از خویشاوندان هر مایوس را به عقد ازدواج خود در آورده است و وقتی او پارو یا میزاد را مورد هجوم خود قرار داد به یونانی ها اعلام داشت که وی متعجب يك بیگانه برای فتوحات این سرزمین نیامده بلکه بحیث يك زمانه ار مستحق و قانونی که این حق را بموجب خویشاوندی با هر مایوس آخرین سلطان یونانی به ارث برده آمده است . مسکوکات تیکه چنین مطالب بر آن نقش بسته چیز دیگری نبود جز پروپاگند محض و دلجویی یونانیها که هنوز قدرت بزرگی در کابل بشمار میرفتند . (۳۷) این نظر به پیشین اسپن که سخن از روابط نزد يك هر مایوس با کجولا کاد فیزس میزد و میگفت کجولا بلا فاصله و بلا وقفه جانشین هر مایوس گردیده است مورد تأیید و تأکید میرمن لیوو (Lohuizen-de-Leeuw) قرار

گرفته (۳۸) و میرمن مذکور که جولاکاد فیزس را به قرن اول ق م به عقب میبرد.

جولا تذکار داده شد که کجولا کاد فیزس طوریکه تارن فکر میکند از روی عرق و نژاد نبوده و نه هم چنین تصور شده میتواند که کجولا کاد فیزس متصلا جانشین هرما یوس بوده باشد. بیکهو فر (Bachhofer) می انگارد (۳۹) که هرما یوس شاید هنوز در دهه دوم قرن اول میلادی حکومت میکرده است. دانشمند مذکور این موضوع را که کجولا کاد فیزس را با ین - مو - فو (Yen-mo-fo) که در شن - هان - شو (Chien-Han-Shu) از آن ذکر شده یکی میداندو شواهدیکه جلوس او را قبل از ۸ ق م نشیبت میکنند مردود میشمارد. مطابق کروئو لوجی ایکه وی طرح کرده است کجولا کاد فیزس در دهه دوم جلوس خود نه تنها ایتهکه و نیس (Vones) سهالا هورس (Spalahores) و سهالا گادامیس (Spalagadames) را بلکه سهالا ایراهزس (Spalirises) و از ینس (Azes) دوم را نیز بیرون ریخته و قسمتی از مدت زمامداری هرما یوس را نیز در برگرفته است و مارشال بر این لست نام از یلا یسیس (Aziliess) را که بر ازیس دوم سبقت دارد می افزاید (۴۰)

کجولا کاد فیزس و جهان غرب :

فتح آن - سی - (پاریتا) و کاو - فو (کابل) این فرما نروای کوشانی را ضرور بارو من ها و جهان غرب در تماس نزدیک قرار داده است. اگر او بر روی یک عده از مسکوکات خود مجسمه نیم تنه هرما یوس را باز بان و رسم الخط پیونانی نقش بسته بروی یک عده مسکوکات مشهور دیگر خود (۴۱) مجسمه نیم تنه امورا تور

دوم را تقلید کرده است. شناخت این امهراتور دوم نیز در این دانشمندان مورد جرو بحث های زیبا دی گردیده است. مشا جره برسر این است که گفته میشود طرح این نوع مسکوکات کجولا کاد فیزس از مسکوکات اوگوست (Augustus) (۴۳ م) تقلید شده است. ان (Allan) به استناد شکلیات عقب سکه با این نظریه است که کجولا کاد فیزس از کلودئوس (Claudius) (۴۳ م) امهراتور روم (جلوس در ۴۱ م) تقلید کرده است.

پرو فیسور با شام (Basham) اظهار نظر میکنند (۴۳ م) که مسکوکات کجولا کاد فیزس یقیناً با بعضی از دینارهای (denarii) اوگوست شباهت زیبا دی دارد. گرچه پشت و روی مسکوکات کلو دیوس با پشت و روی مسکوکات کجولا در شباهت خود مقدمتر از دیگرانست ولی این به هیچ وجه ناممکن نیست که سکه ما زان کجولا در ضرب سکه ها از عناصر انواع مختلف سکه ها استفاده کرده اند. بهر حال چیزیکه در اینجا بیشتر مورد علاقه ما قرار میگیرد همانا ناز و ابسط بین کوشانی ها و رومین ها است که غالباً در سطح تجارت و قیادلات برقرار گردیده بود.

مسکوکات رومین پول رایج و قانونی تجاران غربی بوده اند و این نیز در مورد تقلید معیار طلای سکه های اوگوست (۴۳ م) از طرف وهما کاد فیزس بی تا ثیر نبوده است.

کجولا کاد فیزس :

ما نامه ها و تاریخچه های دودمان آخرین هان برای کجولا کاد فیزس عمر درازی را نسبت میدهند. او تا به سن (۸۰) سالگی زندگی

کرد و بعد از مرگ او متصل به شریون کوچن (Yen-Kao-Chen) بجایش نشست و در این بدو پسر کدام شخص دیگری بهیث فرمانروا جود ندارد. ولی بکنوع جدید مسکوکات توسط سر جان مار شال (۴۳) آشف گردیده که بروی آن مجسمه نیم تنه يك پادشاه که شباهت تام با ویما کاد فیزس دارد بر رسم الخط فاسد شده یونانی نقش شده و در عقب مسکه يك نایک (Nike) را نشان میدهد و بر رسم الخط خروشتی القابی از قبیل «مهارجاساراجا جساتی راجاشا کههوشا ناسا یا و وگاسا» Maharajasa rajatirajasa Khushanasa Yavugasa بر آن نگاشته شده است.

يك عده دیگری از مسکوکات (۴۷) بروی خود نقش يك زرگاو کوها ندارد و رسم الخط غیرخوانای یونانی و بر عقب خود نقش دوا شتر با ختری دو کوها نه دارد و بر رسم الخط خر و شتی کلماتی با کمی تغییر با یکدیگر بر آن نگاشته شده است از قبیل «مهارجاساراجاتی راجاسا کویولا کاپاسا» (Maharajasa rajatirajasa Kuyula Kupusa) و یا مهارجاساسا کوشا ناسا کویولا کاپاسا (Maharajasa Mahatasa Kushana Kuyula Kaphasa) سارا جازاها ساد یوا پوتراسا کویولا کرا کاپاسا Maharajasa Rajarayasa devaputras Kauraula Kara Kaphasasa و یا مهارجا جاسا رایتیاسا کرا کاپاسا Maharaja Rayatiyasa Kuyala Kara Kaphasa بر روی همچو مسکوکات (۴۸) از جمله نامهای متعدد و مکرر خصوصا نامهای کویولا کاپاسا

Kuyulu kara Kaphasa کویولا کرا کا پاسا Kuyolakara kapasa
در بین دانشمندان در مورد اینکه آیا این هر دو نام متعلق بیک شخص
استو آیا به اشخاص جدا گانه تعلق میگیرد، ایجاد شک و تردید فراوانی
نموده است. (۹م-)

ایسن آنها را اشخاص جدا گانه میداند و می انگارد که کجولا
کرا کاد فیزس و غوره نام شخصی است که جاس نشین زین و نیزس
(Zeionises) سا تراپ، در سلطنت پش کلاواتی (Pushkalavati) گردیده
وشاید که معاصروهما کاد فیزس بوده باشد. ولی مارشال چنین میبندارد
(۵۰) که این مسکوکات از طرف وهما کاد فیزس انتشار یافته است.
بی کلمه کرا (Kara) را با کلمه کلا Kala تعجب و معنی میکنند
و میگویند که این کلمه کلا پاسا آنها در ترکستان به معنی شهزاده
معمول شده بود و مسکوکا تیکه بر روی خود شکل فرگا و کوهاندارسیوا
(Siva) و بر پشت خود یک اشتر با ختری دارند و کلمات مها را یا
سارایا را سا دیوا هو ترا سا کویولا کرا کا پاسا سا .

Maharayasa rayaruy asa devuputrasa kuyula Kara Kaphasasa
و اشکال مختلف آن بر آن نقش بسته غا لسا از طرف
ویما کاد فیزس که هنوز پدرش زنده و وی هنوز یک شهزاده و ولیعهد
او بود انتشار یافته است .

ستین کنو (۱۵) میگوید که بکار بردن القاب شاندار امپراتوری
این فکر را که انتشار دهنده همچو مسکوکات را زیر دست یک فرمانروا
میبندارد میزداید و از این میبرد .

کلمه اضا فی کرا که معنی اش بسیار هم واضح نیست نمیتواند

مارا ازین باز دارد که چنین مسکوکات را از کاد فیزس اول ندانیم يك
 سکه از کاد فیزس اول که بر روی آن مجسمه نیم تنه هر مایوس نقش بسته
 با رسم الخط خردشتی کلمات جوتا کرادهار ماتى Juta Kara dharmati
 دیده میشود (۵۲) این نمیتواند بجز کجولا کاد فیزس شخص
 دیگری باشد بعضی اوقات همین کلمه کرا Kara در مسکوکات مورد
 بحث دیده نمیشود. (۵۳) ممکن است کسی با مارشال درین مورد
 موافقه کند که میگوید کجولا کاد فیزس شاید دست از فعالیت های
 جدی مملکت داری کشیده باشد و آذرا بعد از سال (۶۴ م) در سن
 شصت و یا هفتاد سالگی به پسر خود واگذار شد، باشد ولی این برای
 يك ولیعهد غیر معمول است که سکه ها را بنام خود انتشار دهد.
 مارشال خود میبندد که در آن صورت سکه های دارای مجسمه های
 نیم تنه هر مایوس و هر قل Heracles و عبارات کجولا کرا د
 هار ماتى داسا Kajula Kara dharmatidasa بران شاپور از
 طرف ویما کاد فیزس نیز انتشار یافته باشد (۵۵)
 این شاهسته نمیت که يك عده خاص سکه ها را محض بخاطر تعبیر
 کلمه کرا Kara که هنوز معنی اش روشن نشده است به ویما کاد
 فیزس نسبت دهیم و نه هم ما میتوانیم علمی لرغم تاریخچه های چینائی
 که تنها دو کاد فیزس فرمانروا را جدأ تأیید میکنند وجود يك کاد فیزس
 دیگر را بپذیریم بنا بران ما در این مورد باستین کنوهنتوا میبایسیم
 که او کجول کاد فیزس را با کجولا کرا کاد فیزس یکی وعین شخص
 میداند.

ویما کاد فیزس (Wima Kadphises)

کاد فیزس دوم بحیث یکک امپراتور، جانشین پدر هشتاد ساله خود
گر دید. تاریخچه های دودمان آخرین هان (هو-هان - شو) میگویند
(۵۵) که وی هند را بار دیگر فتح نمود و برای اداره امور، جنرال
را برآن سر زمین تعیین و مقرر نمود.

میرمن لو هو یزن - دی - لیوو به استناد گنجینه ای که از مقام سرکپ
کشف شده و شامل مسکوکات گاندو فرنس (پاکوایس پوکوارا
(Pukura) و کجولا کاد فیزس میباشد می انگارد (۵۶) که سرزمین های
مفتوحه هندی کجولادر شرق اندولس از دست رفته بود و پسان بدست
ویما کاد فیزس بار دیگر اشغال گردید.

مطابق نظریه ستین کنو (۵۷) از آنجا تیکه در هو-هان - شو از
اشغال قبلی این سر زمین (شرق اندولس) که پسان توسطین - کاو-
چن - (Yen-Kao- Chen) ویما کاد فیزس) بار دیگر اشغال گردید
ذکری نشده است. بنا بر این کلمات «اشغال دوباره» درین عبارت باید
به «توسعه مزید» در دوران ویما کاد فیزس تعبیر و ترجمه شود.

راجع به فتوحاتیکه در تاریخچه های چینائی از آن ذکر شده
و آنرا به ویما کاد فیزس نسبت میدهند طوی معلوم میشود که این فتوحات
اشغال دوباره سرزمین های از دست رفته در شمال غرب نبوده و درین
مورد شواهدی نیز موجود نیست بلکه یکک توسعه مزید بوده که ویما-
کاد فیزس به قلمرو امپراتوری پدر خود افزوده است.

از توصیفی که در هو-هان - شو ازین سرزمین شده است برمیآید
که این سر زمین عبارت بوده از حوزه اندولس و منظور از سلطنت

تین - شی (Tien-Chi) که شین - تو (Shen-tu) نیز نامیده شده است . همین سرزمین سند (Sindh) بوده که یکک وقتی مرکز امپراتوری ساکا در هند نبود (۵۸) موضوع اشغال دو باره ناحیه اند ولس که در کالاکا چاریاکا تاناکا (۹۵) (Kalakacharya Kathanaka) نیز از آن بحث شده اگر لفظ به لفظ ترجمه گردد از آن برمیاید که اشغال دوباره این ناحیه توسط ساکا صورت گرفته است . مطابق این منبع ساکاهای سرزمین اندولس کمی قبل از شروع عهد ویکراما (Vikrama) سوراشرترا (Surashtra) و ملاوا (Malava) را اشغال کردند اما کمی بعد از طرف ویکرامادیتیا (Vikramaditya) بتراک این سرزمین مجبور ساخته شدند . ولی بعد از مرور مدت (۱۳۵) سال ساکاهای دیگری آمدند و حکمرانی ساکاها را درین سرزمین بار دیگر مستقر ساختند . اگر ماسنوات و روابط ویماکا د فیزس را با ساکاکشا ترا پهاهای (Ks hatrapas) هند غربی مطمح نظر قرار دهیم خواهیم دید که دوران مدت ۷۸ م از آن ویماکا د فیزس میباشد .

در اینجا باید خاطر نشان نمود که اصطلاح ساکا (Saka) بطور غیر جدی بکار برده نشده است و ما قبلاً تذکار دادیم که کوشا نیها شاید از اخلاف یکی از ساکاهای هندو بود و آن ذکر نموده باشند .

ویماکا د فیزس و جلوس او :

در مورد تاریخ جلوس ویماکا د فیزس متأسفانه هیچ سند معتبری نا هنوز بدست نیآمده ، گر چه بعضی از دانشمندان (۹۰) کتیبیه سال ۱۳۴ تا کسیرا را با و نسبت میدهند . در حالیکه ستین کنومی انگارد

که کتیبه کلا تسی (Khalutse) که تاریخ آن سال ۱۸۷ بوده است از سهارا جا یو وېما کاوتی سا - (Mahraja Uvima Kavthisa) یعنی وېما کاد فیزس میباشد.

اپس که خود این کتیبه را مطالعه کرده (۴۱) نظریه ستین کنورا بی بنیاد و یک حدسی که کدام نتیجه درستی بر آن مرتب نمیشود می پندارد، و نیز غیر محتمل پنداشته شده است، که کدام سندی از وېما کاد فیزس از ناحیه خلا تسی Khalatse که یک دهکده ایست در لداخ ۵۲ میل در پایان لیه (Leh) بر راه تجار تی یافت شود.

مرگ کجولا کاد فیزس و جلوس وېما کاد فیزس در سال ۱۳۶-۱۷۸ م پنداشته میشود. ولی آنانیکه کانیشکارا موسس عهد سا کا می شمارند درین صورت هر دو کاد فیزس ها را بین سالهای ۳۵ م و ۷۸ م جای میدهند و تنها مدت ۱ سال را به وېما کاد فیزس باقی میگذارند.

این دانشمندان چنین استنباط میکنند که فرما نروای کوشانی در کتیبه پنجمتر کجولا کاد فیزس و در کتیبه تا کسبلا عبارت از وېما کاد فیزس میباشد که متصل بعد از او کانیشکارا رویکار آمده است این نظریه مبنی بر این است که میگویند چون کجولا کاد فیزس بعمر هشاد سالگی مرده است نمیشود که یک پسر و جانشین جوانی از خود باقی مانده باشد و از همین جا است که پسر او نیز سردسار لخورده بوده و البته که نمیتوانست برای مدت درازی زنده بماند. این شاید واقعیت داشته باشد و یا خیر ولی یک چیز یقینی است و آن یک فاصله مدت زمانی است بین وېما کاد فیزس و کانیشکارا. این موضوع را بعد تر موقعی مورد بحث مفصل قرار خواهیم داد که در باره معضله مربوط به سوتر میگاس

جیهونیکا (Jihonika) پوردازیم اگر کانشکا بتاریخ ۷۸ م جانشین ویماکاد فیزس شده باشد پس چنانچه است و ویماکاد فیزس را در عوض کانشکا موسس عهد ساکا بشماریم و این امتیاز را با وید هییم و جلوس او را در آن سنه بدانیم .

هو-هان- شوکه تنها واقعات سالهای بین ۲۵- و ۱۲۵ م را احتوا میکنند در باره واقعات غرب معلومات ارزنده را ارائه میدارد و بصراحت تام راجع به دوره های سلطنت کجولا کاد فیزس و ویماکاد فیزس گپ میزند و ای راجع به کانشکا مشهورترین فرمانروای کوشانی چیزی نمیگوید . (۶۲)

وقتی ما فتوحات وسیع ویماکاد فیزس را در نظر بگیریم و به فراوانی و انتشار وسیع مسکوکات سوتر میگاس نگاه کنیم و مسکوکات کجولا کاد فیزس که بعد از فتح پنجاب هنوز برای چندین سال در چاش و دوران بوده باندیشیم تعداد سالها نیکه برای ویماکاد فیزس داده شده خیلی کم است و بگفته سر جان مارشال برای وی کدام جایی خالی باقی نمی ماند . (۶۳)

روابط با ساکا کاشا ترا پاه:

روابط ویماکاد فیزس را با دو خاندان ساکا کاشا ترا یای هند غربی یعنی نهاپنه (Nahapana) و چشتنه (Chashtana) که اسناد آنها در عهد ساکا سنه گذاری شده است میتوان در پرتو دو منبع از قریب هو-هان-شووکلا کاشا ترا یا کانا کا (Kalakacharya Kathanaka) و نیز از اسناد خود کاشا ترا پاها بطور یقینی دریافت نمود. قبلا خاطر نشان کرده که تاریخچه های چینائی از نتح تین-چی (Tien-chi) یا شین-تو

Shen-tu یعنی سند هو یا سند (Sindh) بدست ین - کو - چین
(-ویما کاد فیزس) گپ میزنند .

و این ممکن است طوریکه در کلا کاجاریا کاتا نا کا ذکر شده فتح
دوم سا کا بود، باشد که منجر به تاسیس عهد سا کا گردید .
انتقاد بزرگی که بر ضد ویما کاد فیزس بحیث موسس عهد سا کا
وارد میگردد عبارت است از بکار بردن عهد قدیم در اسناد خود او .
چنین استدلال چندان وارد بنظر نمی رسد . ماستیقن نیستیم که فرما
نروای کوشانی که در اسناد تاگسیلا از آن ذکر شده ویما کاد فیزس
بوده باشد . وغالباً این فرمانروای کوشانی کجولا کاد فیزس است که
وی گندهارا را رافتح نموده بود و گذارشات هو - هان - شو و کشف
مسکوکات و افر او از تاگسیلا سویدا این واقعیت است (م ۴) و در مرحله
دوم این یک امر طبیعی است که مهاراجای کیشانی کتیبه پنجهتر بائیت
القاب شانداری چون مهاراجا راجاتی را جادویا پو ترا) را بعد از
فتوحات وسیع در شرق اندولس برای خود بکار برد . مطابق یک
کتیبه دیگر موسوم به کهلا تسی (واقع در لواخ) بقول اوسن
که یکی از طرفداران جدی نظر به ایست که کانیشکا را موسس عهد
سا کاسیداند خیلی ایجاد شک و تردید نموده است . بنا بر این آن
استدلال ها به ناکامی رو بر و میشوند و جانب ویما کاد فیزس کمی
تقویه میگردد .

کتیبه ها راجع به دو خاندان هند غربی ایکه عهد سا کارا در
اسناد خود بکار میبرند از قبیل نها پنه و چشتمه سخن میگویند .
اخلاف خاندان دوم یعنی چشتمه را چند واگو پتای دوم از سال (۳۸۸ م)

تحت تسلط خود درآورد و سرزمین‌ها را اشغال نمود .
 آخرین ساکا کشتا ترا پای این خاندان عبارت بود از رود را
 سیمهای سوم (Rudrasimha III) که مسکوکات او دارای سنه . ۳۱ -
 ۳۸/۸ م میباشند . (۴۴) دودمان دیگر کشتا ترا پای هند غربی شامل
 نهای پنه و داماد او او شوا داتا (Ushavadata) که او خود را ساکانا سیده
 بود (۴۷) و در مسکوکات و کتیبه های خود عهد ساکارا بکار برده
 است . شامل میگردد .

در اینجا سوالیکه وارد میگردد اینست که آیا اینها تابع یک
 فرمانروای مشترکی که موسس عهد ساکا پنداشته میشد بودند و یا
 یکی از آنها تابع دیگری بوده اند ؟

اینکه یکی از آنها تابع دیگری بوده باشد وارد و منطقی نیست
 زیرا هر دو نهای پنه و چشتمنه کشتا تراهای استند که بعداً و به مرور
 زمان بر تبه مهاکشا ترا با ارتقاء جسته اند و مادرین مورد آئینه
 به تفصیل سخن خواهیم راند .

نخست خاندان چشتمنه را مورد بحث قرار میدهم ، مسکوکات
 او تاریخ گذاری ندارد و اسناد دیگر او نیز عاری از سنوات میباشند .
 مسکوکات او نخست او را کشتا ترا پا و بعداً مهاکشا ترا پا نشان
 میدهند (۴۸) پس او جایادامن (Jayadaman) که تنها یک کشتا ترا پا
 بود (۴۹) معلوم میشود که پیش از پدر خود باید برده باشد و شخص
 دیگریکه همراه با او یاد گردیده عبارت است از فوامسه او رود رادامن
 (Rudradaman) گذارش کتیبه اندهو (Andhau) (۷۰) و کتیبه جونناگر
 (Junagarh) (۷۱) که دارای سنه (۷۲-۱۵۰ م میباشند بر تاریخ سیاسی

این حکمروایان ویشنی قابل ملاحظه میاندازند. وودرادامن که بر فتوحات وسیع خود میبالد در مسکوکات و کتیبه ها بحدیث مها کاشا تراها از او ذکر شده است. او این مقام را خود بدست آورده است.

نہا پنہ (Nahapana) نیز مثل چشتنده در اول یک کشا تراها بوده و پسان به مها کشا تراها ارتقا جسته است. اختیار کردن القاب شاهان در در طی زمان مهم و قابل اعتنا است. زیرا حاکی از آنست که یا خود تمایل به استقلال کرده، و یا از طریق فرمانروای بزرگک با این مقام بلند تر تر (مها کشا تراها) سرافراز گردیده است. و درین هر دو صورت فرمانروای بزرگک از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

وقتی، اکتیبه ها و مسکوکات متعلق به نہا پنہ را ملاحظه کنیم بر یکی از آنها دو کلمه بیشتر جلب توجه میکنند از قبیل کوسا نامولا (Kusanamula) و سوارنا (Suvarna) (۷۲).

سینارت (Senart) کلمه اول را در ارتقا با کتیبه کانهری (Kanheri) که بر آن چنین نگاشته شده. (۷۳) چه-وا ره-کا سولا سا کا و ارا سا کا پادیکو-چا-مسا سی او تکالی (Chivarika Solasaka Varasaka Padiko Cha mase utkale) چنین تعبیر میکنند که مدد معاش ما هانه یک سلا برای ما شده او در طی یک زمان معین سال داده شده است.

د. ر. بھندر کار (Bhandarkar) (۷۴) کلمه کوسانا (Kusana) را مثل پادیکو آرا یک سکه خاص میدانند او تکرر میکنند که این نوع سکه نقره ای متعلق به نہا پنہ بوده است که خصوصاً تحت هدایت کسی که ممکن است با نامیل کوسانا - کوشانا (Kushana) یکی

بوده بضر ب رساننده است. این نیز در آرمند گزارش یافته که ۳۵ کارشا پانا (Karshapana) یا سکه نقره این معادل است. یک سوهارنا (Suvarna) یا مسکول طلا که برای نخستین بار از طرف ویما کاد فیوس انتشار یافته است (۷۵) تعیین ارزش و نرخ بین سکه های طلائی و نقره ای در صورتی ممکن است که این هر دو نوع در یک وقت و همزمان و در یک ناحیه در جریان و چلش بوده باشند. بگمان اغلب که نهان پنه یک تولیداری از فرمانروای کوشانی بوده که سکه های طلائی او در قلمرو تحت حکومت نهان پنه در چلش و جریان بوده و خود نیز آنقدر صلاحیت و قدرت داشته که بنا م خود سکه های نقره انتشار دهد. اختصار کردن القاب شاند اروپر طنطنه شایده که بمعنی از دیاد قدرت حکمرواوی تغییر در وضع سیاسی بوده باشد. درین جایک نکته قابل ملاحظه هم هست کتیبه ایکه از مقام ناسیک (Nasik) بدست آمده و متعلق به او شوا داتا است بر آن نوشته شده که او بر اثر امر فرمانروا بها تاراکا (Bhattaraka) (۷۶) ملاوا هارا فتح میکند. استعمال این کلمه (فرمانروا) برای نهان پنه بحیث یک لقب نمیتواند باشد. در صورتیکه از خود وی بنا م کثرتاً یاد کرده است در اینجا منظور از فرمانروا طبعاً کسی است که بر نهان پنه از لحاظ مقام و منصب برتری دارد. بهایم بر سرچشتمنه بنا بقول بهگوان لال اندراجی (۷۷) وی معاصر نهان پنه میباشد و تحت اثر نهان پنه نبوده است. نلیت (۷۸) معتقد است که وی در بوجین (Ujjain) مثلیکه بهوماکا (Bhamaka) و در کاپتاوار بود همراه با نهان پنه یکجا نایب السلطنه بوده است.

اولد نیبورگک (Oldenburg) (۷۹) و برگریس (Burgess) (۸۰) چشتمه را کشاترا یا ی گو تا سی هو تر اساتدا کسا ر نسی (Gautami Putra Satakarni) میداند تا جانیکه بنظریه اند راجی تعلق می گیرد بر آن چیزی گفتنی نداریم برای اینکه در باره روا بط آن دو (نهاینه وچشتمه) اصلا چیزی نگفته است. و نظریه فلیت به هیچ وجه قانع کننده نیست. این از احتمال دور است که يك نا یب السلطنه عین القابی را خود بکار برد که سلطان و فرمانروای او آنرا بکار میبرد.

هر دو نهاینه وچشتمه در اول کشاترا پاها و بعد تر مها کشاترا پاها بوده اند. اینکه هر دو یکنوع القاب را برگزیده اند مشکل است یکی را بدیگری از لحاظ مقام و منزلت برتر بد انیم و تا جانیکه بنظریه سوم یعنی از اولد نیبورگک و با گریس تعلق می گیرد، نوشته های یونانی و خروشتی چشتمه بر روی مسکوکات او نمایا نگر قلمرو حکمرانی او در نواحی شمال که چنین رسم الخطها در انجسام معمول و مروج بوده میباشند.

اپسن (۸۱) و سمت (۸۲) خاطر نشان میکنند که او (چشتمه) يك کشاترا پای کدام سلطان کوشانی که از آن نام نمی برد بوده است. روابط بین چشتمه و نهاینه یعنی فرمانروای مشترک آنها غالباً ویماکاد فیوس را میتوان تا به اسلاف آنها رسانید.

یهوسا کاپدر نهاینه القاب کشاها را تا کشاترا پا (۸۳) را بکار میبرد حال آنکه بر روی مسکوکات نهاینه به القاب راجان کشاها را تا و بر روی کتوبه سال ۲م به القاب (راجان کشاها را

تا کشا ترا پا) و در کتیبه سال ۳۶ م (۸۶) به القاب راجان بها - کشا ترا پا سوامی (Svami) نامیده شده است. چنین استنباط می‌گردد که نهاینه نسبت به پدر خود بهومالی که وی شخصی نخستین از آن دودمان تا کنون شناخته شده کمی مستقل تر بوده است و از طرف دیگر چشتمه پسر یسا موتیکا (Ysamotika) می‌باشد کلمه یسا موریشه ساکی دارد و بمعنی زمین است. ستین کنو (۸۵) با سیلون یوی (۸۶) که روی یسامر نیسکارا با بهوما کا یکی مید اند همنو است چنین پنداشته میشود که یسا موتیکا بهوما کا نخستین کشا ترا پا است که بعد از فتح مجدد توسط ویما کاد فیزس گماشته شده است.

ما برین مورد با ستین کنو و سیلون یوی موافق نیستیم که آنها موتیکا را با بهوما کا یکی مید اند زیرا کتیبه بالاسری (Balasri) (۸۷) از سا کا یا وانا پهلوا Saka-Yavana-Pahlavac گپ میزند و کشاها را تارا چهار واحد جداگانه سیاسی مید اند و غالباً چنین استنباط می‌گردد که چشتمه و نهاینه تحت اثر کدام فرما نروای کوشانی غالباً ویما کاد فیزس بوده باشد (۸۸) یک نکته دیگری هم هست که ایجاب تو ضیح می‌دهد مینماید اگر نهاینه چشتمه که اسناد آنها بترتیب ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ تاریخ گذاری شده اند تیو ادا رن ویما کاد فیزس بوده اند آیا ما میتوانیم که سال اول این اسناد را به تاریخ فتح سند (Shen—ten) توسط ویما کاد فیزس به عقب ببریم .

و نیز اگر کجولا کاد فیزس بعمر (۸۰) سالگی مرده باشد این غیر ممکن نیست که او پسر و جانشین خود را یعنی ویما کاد فیزس را یک

جوانی بعمر ۳۰ سالگی پشت سر گذاشته و اوزیر در حدود کمی بیشتر از ۳۰ سال فرمانروائی کرده باشد .

قدرت و نفوذ فرما نروا روی به کاهش بود این واقعیت ازین استنباط میشود که این هردو کشا تراپاها (نایب الحکومه ها) القاب شا نداری چون (راجان) را برای خود بکار برده اند . بگمان غالب چنین بوده که ویما کاد فیزس در ابتدا بر سرزمین های مفتوحه بکنفر نایب الحکومه و یا نایب السلطنه را گماشته بود چون پسا نها سرزمین های وسیعتر و بیشتری در حیطه قدرت اود را مد و امهرا توری اوخیلی وسیع گردید ازین رهگذر ضرورت احساس شد که یک نایب دیگر و یا نایب السلطنه دیگری نیز گماشته شود . و در حقیقت نایب دیگر عبارت بود از همین سوتر - مهگاس که بعداً اود را خواهیم شناخت .

امپرا توری ویما کاد فیزس و سوتر مهگاس :

چنین معلوم میشود که ویما کاد فیزس برای یک مدت درازی سلطنت کرده است آن دا نشمنند انیکه کانیشکا را موسس عهد ساکا مهاندند میکوشند ویما کاد فیزس را بین سالهای ۴ م و ۷۸ م قرار دهند . ولی واقعیت امر اینست که حکومت وی از سال ۷۸ م آغاز و تا به سال ۱۲۵ م یعنی برای یک مدت کمی بیشتر از ۵۰ سال دوام نموده است . و نهاپنه وچشتنه البته بقدرت بیشتر بحیث نا بیان اود در قلمرو جنوب غربی هند و سوتر مهگاس بحیث نایب اود در قسمت های هند شمالی امپراتوری بوده اند .

توسعه امپراتوری ویما کاد فیزس تا به مدیا دهسا (Madhyadesa)

از مسکوکاتی پیدا است که به اندازه فراوان از نقاط بسار (Basarh) بهیتا (Bhita) و کاشیا (Kasia) (۸۹) کشف گردیده است .

مجسمه نشسته امپراتور کوشانی (کوشا ناپوترا) در ما تهورا (Mathura) که واماتا کشا ما (Vamatakshama) نامیده شده بقرار نظریه جایا سوال (Jayaswal) (۹۰) متعلق به ویما کاد فیزس میباشد وی (جایا سوال) کلمه کوشا ناپوترا را رسم خاص برای سلطان اولی کوشانی (کجولا کاد فیزس) پنداشته است . گرچه ما شاید با نظر دانشمند نقید (جایا سوال) موافق نباشیم ولی توسعه امپراتوری ویما کاد فیزس را تا متهورا و حتی تا به سرنات می پذیریم با وجود اینکه مسکوکات از ناحیه بسار (Basarh) در مظفر پور هم کشف شده اند .

بگمان غالب او بر این قسمتی از امپراتوری خود نا اطمینان مقرر کرده است . نام این نایب در هیچ جایی ذکر نشده است و ممکن است سوتر میگاس بوده باشد که مسکوکات او به پیما نه وسیع از پنجاب و گندهارا و نواحی کابل و در شرق تا به ما تهورا پیدا شده است (۹۱) بقرار نظریه اسپن (۹۲) این مسکوکات یک سمپوای دارند که از خصوصیت های مسکوکات ویما کاد فیزس میباشد و بدون شك در یک وقتی اینها با هم ارتباط داشته اند .

وایت هید (Whitehead) (۹۳) نیز با این واقعیت متوجه شده است که میگوید این مسکوکات بتعداد خیلی زیاد و از یک ناحیه بی خیلی وسیع که از پشاور تا ما تهورا امتداد داشته بدست آمده اند و حاکی از یک دوره طولانی و پر قدرت فرمانروا بوده است . بقرار نظریه وایت هید طرح مسکوکات و آنهم تنها بر روی مس و نداشتهن شکل

چهار گوشه دلالت بدوران فتوحات کوشا می‌کند و سوتر می‌گاس را معاصر یکی از گاه فیزس‌های فرمانروا می‌سازد دانشمند مذکور خاطر نشان می‌کند که این مسکوکات از طرف بیش از يك فرمانروا انتشار یافته و انواع مختلف آنها از نواحی مختلف نمایندگان می‌کنند. و شاید که چنین حکمرانان تابع يك فرمانروای بزرگ بوده باشند. ستین کتو (۹۵) نظریه وایت‌هید را تأیید می‌کند و با کنگهم درین مورد که او حرف وی را برای بعضی مسکوکات حروف اولی نام حکمران میداند موافق است و بنا برین حرف VI غالباً نمایانگر نام ویماکاد فیزس است. مارشال (۹۶) معتقد است آن مسکوکات تیکه حروف VI دارند دلالت بر این می‌کنند که در دوران فرمانروائی ویماکاد فیزس انتشار یافته اند.

روابط بین این کاد فیزس دوم امپراتور و آن حکمران بی نام از طرف دانشمندان (۹۷) بر اساس نزدیکی با همی مسکوکات آنها و از طبقاً تیکه آنها بدست آمده اند پذیرفته شده است. خصوصیات مشترک بین هر دو نوع مسکوکات دیده میشود و آن عبارت از استعمال لقب بر روی سکه به یونانی.

در يك نمونه دیگر متعصب بر فرد که مورد توجه کنگهم قرار گرفته (۹۸) عبارت است از دوسر بر يك تنه با علائم مخصوصه ویماکاد فیزس و پادشاه بی نام و از آن چنین برمیآید که آن دو نفر ضرور با هم معاصر هم‌دیگر بوده، باشند و به نحوی از انجا با یکدیگر روابط داشته اند. مثلاً یکی از آنها ممکن فرمانروا بوده و دیگری نایب

او ویا یکی از آنها ناتج و دیگری مغلوب بوده اند و همین شخصی مغلوب پس از آنها بحیث و بسته و ما دون او قرار گرفته باشد در ارتباط با این موضوع دو کتیبه برهنی که از مقام متهورا بدست آمده قابل ملاحظه پنداشته میشود.

لو درز (Luders. H.) در يك مقاله خود بنام «عهد مهرا راجا و راجا تی راجا» که در د. ر. بهندر کار طبع گردیده به دو کتیبه اشاره میکند که سنه آنها ۲۷۰ و ۲۹۲ و ۲۹۹ تاریخ گذاری شده و اولی از مقام کردها رهپور (Girdharpur) و دومی از مقام کتکالی تیل (Kankali Tila) بدست آمده اند.

مطابق نظریه همین پروفیسور فقید جرمنی (لو درز) در متهورا پارتها میزیستند و در عهد زمان ماری کشا تراها از آنجا مهاجرت کردند گرچه به مذهب جاینیزم (Jainism) گرائیدند ولی عنعنات وطن اصلی خود را حفظ کردند. این حکمرانی بی نام او کتیبه متهورا معلوم میشود که جا نشین و پما کاد فیزس در يك وقتی شده باشد درها لیکاسوتر میکاس طوریکه از مسکوکات او بر میآید ممکن حتی بعد از پما کاد فیزس نیز زنده بوده است. بنا بر این مشکل خواهد بود که آن دو یعنی حکمرانی کتیبه و از مسکوکات یکی پنداشته شود.

بگر بگمان غالب حکمرانی دومی پسروجا نشین حکمرانی اولی است که مطابق عنعنات فاهیلی بطوریکه از دو سند خر و شتی بر میآید ناشناس مانده است موافقه کرده که به سلطان کوشانی بعد از فتوحات

او درهند شما لی مطیع وفر ما نپردار بهاند .

سو ترمیکاس حکمروای بی نام برای اینککه مسکوکات انتشاردهد
از آزادی تا می بر خوردار بوده است .

وی در طرح مسکوکات از مطاع خود پیروی کرده و حرف vi که
در مسکوکات اودیده میشود حاکی از اینست که از ویما کا د فیزس
فر ما نپرداری میکرده است . و این وضع تا به اخیر زندگی مطاع اودوام
کرد و بعد از مرگ او آهنگک استقلال تام نموده است . و این
واقعیت از یک عده مسکوکات او که عاری از حرف (وی - vi) اند
بر میآید . چنین معلوم میگردد که بین ویما کا د فیزس و کا نیشکا یک
خلای به ناصله چندین سال حتما وجود داشته است . که در طی آن حکمر
انان محلی در نقاط مختلف امپراتوری کوشانی آهنگک استقلال تام
نموده و غالباً که هر کدام آنها کوشیده است موقعیت و موقف خود را
در ناحیه ایکه قبلاً بر آن حکمروائی میکرده مضبوط و مستحکم نموده و در
پهلوی آن بر نو احی دیگر امپراتوری فر ما نروای شان دست یابند
و قلمرو خود را توسعه دهند .

ویما کا د فیزس و روابطه او با چین و روم :

امپراتوری کوشانی در عهد ویما کا د فیزس خیلی وسیع بوده
و از بنارس در شرق تا به سرحدات پارمات در غرب امتداد داشته و بنا
بقول ونست ای سم (۱۰۰) تمام افغانستان ، ترکستان بخارا و قسمتی
از ترکستان روسی را دربر میگرفت . و بنا بر این یک امر طبیعی بود که
این فرمانروای کوشانی بایست با رومی ها و چینائی ها روابطه سیاسی

و تجارتی داشته باشد بقرار قول دیون کاسیوس (Dion Cassius) ۱۰۱ سفیران زیبا دی بدر با راگوست (Augurtus) می آمدند و هندیهها که قبلاً خواستار یک قرار داد دوستی و همبستگی شده بودند حالا توسط تحفه های خود که شامل پلنگک حیوان نیکه رومن ها برای نخستین بار بچشم سر مشا هده دیگر دند جا مه عمل پوشانیدند.

فلوروس (Florus) که در عهد ترا جان (Trojan ۹۸-۱۱۷ م) مینوشت در باره تعداد سفیران بزرگیکه به روم وارد میشدند خصراً از ورود سفارت هندیهها صحبت میکنند (۱۰۲) روابط تجارتی بر روابط سیاسی علاوه گردیده بود. و یما کاد فیزس نخستین فرمانروای کوشانی است که مسکوکات طلائی را بمنظور سهولت در درمبادلات تجارتی انتشار داده است. و وزن معیار رومی (اورس - AUREI که ۱۲ نخود میشد) (۱۰۳) اتخاذ نموده بود پلیتی (Pliny) (۱۰۴) نیز در طول سالهای متمادی از ریختن و سرازیر شدن مسکوکات رومی در هند صحبت میکنند و در مورد روابط هند و روم بیشتر از بن چیزی نمیدانیم.

باچنین روابط و یما کاد فیزس چندان خوش آیند نبود است. تنها جم مؤفقانه جنرال پان-چاو (Pan-Chao) در آسیای مرکزی و موفقیت های و یما کاد فیزس در هند شمالی بر اشتیاق و خواسته های آنها افزود و دو احتمال تصادم بین کوشانیها و چینایها غالباً قویتر میشد جنرال پان-چاو لشکر خود را از یک جای دیگر

فاتحه زه رهبری میگرد و بقول د و گلاس (Dogulas) (۱۰۵) بیرق کشور خود را تا بسو اهل کسپین پیش برد .

پادشاه ختن در سال (۷۳ م) مطیح ساخته شد و به تعقیب آن چندین شهزاده دیگر تسلیم گردیدند. و کناره‌های جنوبی دشت را بر روی قوای نظامی و تجارتهای چین باز نمود و با اشغال کوجه (Kucha) و قره شهر (Karashahr) سرک شمالی افتتاح گردید. این طبعاً موجبات تشویش کاد فیزس فرمانروای کوشانی را که میخواست شهزاده خانم چینائی را به عقد نکاح خود در آورد و سرانجام از طرف جنرال پان-چاوسفیری که برای خواستگاری فرستاده شده بود بازداشت گردید فراهم میگرد .

فرمانروای کوشانی یک لشکر بزرگی را مرکب از هفتاد هزار سوار تحت رهبری سی (= Si) نایب السلطنه خود به ماوراء کوه های خوشونک لنگ (Tsong—Ling) یا هامیر تا شد و مباحث (Taghdumbash) برای حمله بر خاک چین فرستاده لشکر کوشانی در اثنای عبور از کوه های صعب العبور متحمل خسارات زیاد جانی و مالی شده و از هم متلاشی گردید و میدان نبرد را به نفع جنرال پان-چا و باخت و سرانجام فرمانروای کوشانی (ویما کاد فیزس) مجبور به پرداخت باج و خراج گردید. (۱۰۶)

تاریخچه های دودمان بعدی هان از و رو دیات ها نیکه برای تقدیم باج و خراج در آن عهد آمد بود نثبت کرده است. این اها نت در حق فرمانروای کوشانی از طرف کاشکا جبران

گرددند که او یکی از حکمرانان تحت اثر امپراتور چین را در آسیای مرکزی شکست داده و طو ریکه هیون تسنگ گزارش میدهد پسران او را بطور یر عمل گرفت و نزد خود نگهداشت (۱۰۷). شواهد یرکه بر روابط هندو چین روشنی می اندازند گرچه یکجا نپه بوده ولی قابل تذکر است.

نو وارد هادر سلسله دودمان کوشا نیها :

در گک و ویماکاد فیزس غالباً چیزی بیشتر و یا کمتر از سال ۱۲۵ م اتفاق افتاده است. اگر کتیبه کپلاتسی (در لداخ) با و نسبت داده شود پس او برای هم یا سال دیگر بز ندگی خود ادامه داده است. و گمان نمی رود که او جانشینی از خود باقی گذاشته باشد. تحلیل کتیبه شناسی و سکه شناسی شواهد تاریخیچه های چینائی را تأیید میکنند پروفیسور لو هو یزدی (۱۰۸) اظهار عقیده میکنند آن جهونیکا (بعضی مسکوکات او را زیونیزس (Zeionises) نوشته اند که کتیبه سال ۱۹۱ و مسکوکات او از تا کمیلا بدست آمده برادر زاده و جانشین او بود.

قسمت آخر بیان فوق شاید درست باشد ولی قسمت دیگران متکی به شواهد غیر قاطع بوده که ما پسان در باره موقعیت جهونیکا بتفصیل سخن خواهیم گفت.

چنین معلوم میشود که مرگک ویماکاد فیزس يك ا بلا غیه بود بر ای کشا تراپا هادر شمال و جنوب غربی و قسمت های مرکزی هند که استقلال خود را اعلان کنند در جنوب غرب همین کار شاید قبلا انجام

بگدام حکمرانان را اهدا گردیده است. و حکمرانان عبارت از همان (مهاران - جارا جاتی راجا) بوده است و ستین کنوان حکمرانان را شخصی میداند که بعد از مرگ ویما کاد فیزس عرض وجود نموده است. (۱۱۲) و مقام و موقعیت آن شبیهه موقعیت کسی بود که بعد از مرگ موگا (Moga) بمیان آمد و ولی کامیا بیهای زیاده نصیب او نشده بود.

بقرار نظریه اسپن (۱۱۳) که جولاکره کاد فیزس معلوم میشود که بعد از ساتراپ زیور نیزس در سلطنت پشکلاواتی (Pushkalavati) یعنی پشاور جانشین او گردیده است. و آن حکمرانان شاید که معاصر ویما کاد فیزس بوده باشد.

وایت هید (۱۱۴) جهونیکا را متعلق به دودمان گاند و فرانس میبندارد و بنا بر این یک پاتی است میرمن لوهویزن-دی یور (۱۱۵) جهونیکارا پسرمانیگولا (Manigula) که برادرش راجاراجاتی را چا بود میداند و بدین نحو جهونیکا وارث احتمالی ویما کاد فیزس پنداشته میشود. میرمن سند کور میگوید که محمد قاسم فرشته در مقدمه تاریخ خود (۱۱۶) و همچنان مجمع التواریخ نیز این موضوع را تأیید نموده اند.

ولی ما متن کتیبیه راخیلی مشکوک و مغشوش یا فتمیم و تنها چیزیکه میتوانیم بگوئیم اینست که جهونیکا بگدام دودمان سلطنتی ای تعلق داشته است.

کلمه اول در (مهاران) واضح است و این منطقی نخواهد بود که

ما بروی این اسناد یک‌هزار و پانصد سال بعد به‌میان آمده‌اند نظریه
ایکه غیر قطعی است قایلیم نمائیم و باید بگوئیم که یک‌خلای
چندین ساله شاید یک‌دهه و یا بیشتر از آن وجود داشته که در طی
آن کدام حکمران مقتدری که بر صحنه سیاسی هندرولی بازی کرده
باشد نبوده است .

عوامل تضعیف قدرت سیاسی به پیمانۀ وسیع دست‌اندرکار بوده
است. ساتراپهایکه یک وقت فرما نیردار ویما کاد فیوزس بودند بعد
از اومستقل گردیده بودند. زیوینزس از تا کسسیلا غا نمآ شیوا سینا
(Sivasena) ی ابھی سارا (Abhisara) (۱۱۸) و سوتر میگاس در متر او
کشا تراپا های ساکا در هند غربی از فامیل های چشتمنه ورودرادامن
هر کدام به‌رای وراه خود میرفتند و چنین پنداشته میشود که
کوشا نیها در تا کسسیلا منتظر ورود خویشاوندان خود از تر کستان به-
رهبری کانیشکا بوده‌اند. و بدین نحو یک بار دیگر تمایلات تجزیه
طلبانه و استقلال خواهانه در هند عرض وجود میکنند و آهنگ اوج
میگیرد و بنا برین مرحله اول از تاریخ کوشا نیها چنین بسر
میرسد و فصل دیگر ما به تاسیس امپراتوری جدید کوشا نیها به رهبری
کانیشکا وقف گردیده است .



یادداشت‌های این فصل

۱ - نظریات این هردودا نشمنند در جوانان « رایل ایشیاتیک سوسیا یتی » (۱۹۱۳م) بمشاهده میرسد . فلیت طوریکه يك وقت کنگهم نیز معتقد بوده میگوید که کانشکا سلطنت خود را در (۵۸) . قم آغاز وعهدی بنام (ویکرا ما) را افتتاح کرده است (Ibid P. 914)

نظریه کنیدی که در اثر خود بنام « مطالعه هیلمینیزم در شرق » ارائه نموده درین مورد که کانشکا بایست در قرن اول ق . م قرار داده شود موجب قناعت ما گردید . ماعموماً درین مورد که ویما کاد فیزس در حدود سالهای (۷۵۰) در اوج قدرت خود بود . و بعد از فاصله سه صد ساله کانشکا ضرور باید روی کار آمده باشد موافق دیپاشم (۱۹۱۳ . ۹۳۲ . JRAS) .

نظریه سابق و فراموش شده که کانشکا را مؤسس عهد ویکرا ما - ما موات میدانست کنیدی و فلیت آنرا تائید میکرد باردیگر آزادی محاسبه استرو نو میکی توسط موکرجی (D. N. Mukherji) احیا گردید . (I.C.I. 1935 p. 477) ما این نکته را در فصل دیگر تحت

هنوان گانیشکا بررسی خواهیم کرد.

۲- طبقه بندی آرکیالوژیکی در تا کسپلا نشان میدهد که کوشانیها متصلا جانشین دودمان گوداواراها (Gudavharas) شده اند و این يك واقعتی است که کتیبه های خروشتی نیز با آنها همخوانی دارد و آنها را تأیید میکند. سهری شدن حکمروائی پهلواها در گندهارا ای شرقی نکشاسیلا (Takhsila) توسط ۲۱ سکه کوچک نقره‌ئی که در يك مرتبان گلین جا داده شده بود و سرجان مارشال آنها از مقام سرکپ از توده های خاک بیرون آورده خوبتر درك شده میتواند سکه ها به چهار دسته بی از هم متمایز تقسیم میشود که روی آن به عهد پکاروس و ویماکا دلفیزس تعلق میگیرد (C.H.T. Vol. I p. ۵۸۰). سرجان مارشال نتایج تمام مسکوکات یافت شده را فهرست وار میدهد (ASI An. 1928 P. 64).

۳- هو-هان - شو یا تار یخچه های هانهای بعدی توسط فان-یی (Fan—Ye) (وفات ۵۱۳ م) نوشته شده است او میگوید «نوتها یکه بان که (Pan—ku) بر طرز و ترکیب مما لك مختلفه غربی نگاشته در کتاب هان های قدیم خیلی مفصل است حال این چیزی را که انتخاب نموده ام واقعاتیست که در عهد کین-وو (Kien—wu) (۲۱۵-۲۰۵ م) و یا بعد تر بوقوع پیوسته اند و با آنچه که قبلا گفته شده فرق دارد و من فصلها یکه بر سمالك غربی نوشته شده اند و یا تمام واقعت ها یکه در اخیر عهد امپراطوری نگام (Nagam) از طرف بان ینگک (Pan—Yung) (۱۰۷ - ۱۰۵ م) نقل گردیده است

کرده ام.»

این تاریخچه ها و یا سالنامه ها توسط چاوا اینس (M. Chavaunes)

ترجمه شده اند.

(Tourg — Pao. 11, Viii, pp. 187 ff. quoted
from carpus Vol. II (1) P. L.r).

۳- کتیبه (نخت باهن) که در سال ۱۰۳ تا ریخ گذاری شده است
از ایر جهونا کا پا (Erijhunakapa) ذکر میکنند (p ۶۷۰ ۱۵ c)
بقرار نظریه اسپن هر سیلاب این نوشته ایجاب سوالی راه میکنند و در
چنین حالات این مشکل است که شهزاده کا پارا یک موجود خیالی
ندانیم. بدین نحو درین سند گندو فرنس در مورد کجولا کا د فیزس
هر نوع اشاره از بین میرود (JRAS. Jan. 1935 p. 195) اسناد دیگر
عبارت اند از کتیبه پنجر (CII pp. 67 ff) و کتیبه طومار نقره ن
تا کسیلا (Ibid. pp. 70 ff) که بترتیب سال ۱۲۲ و ۱۳۶ تا ریخ
گذاری شده اند.

۵- وایت هید (کتلاک مسکوکات در موزیم پنجاب) جلد اول و

گار انر «کتلاک سلاطین یونانی و سیتی در برتیش موزیم»

۶- بقرار نظریه هرت (Hirth) (ان-سی) از لقطه نظر فیلا-

لوجی درست است اگر با انتی اوش Antioch یعنی درویکی بنداشته

شود.

(An. Si) (Dikshit, ABORI. XXVIII P. 134) اینکه نام آن-سی

انتیوش بود یا ار سوک Arsok خیلی مورد بحث قرار گرفته است.

بقرار نظریه تارن تمام مالک درین راپور عبارت از نام مردمانی

بوده است و کدام دایلی وجود ندارد که فرض شود در یک مورد نام یک پادشاه استعمال شده است خصوصا که راپوز راجع به ارستو کراسی پارتیها چیزی نمیداند.

در نزد پان-کوان = سی اصلا عبارت بود از انتی اوس = مرو و پارتین معنی ایست که آزان منشاء گرفته است و این توسط مرو تا ئید میشود. لو Mou—Lou در هو-هان شوان-سی کوچک پنداشته شده. (Tarn P. 281. Chavannes, Toung Pao, VIII P. 177) پوتا pu-ta به شکل پوک-دات Puk-d-at تلفظ شده است. در عهد تا نگک Tang نوتهای کارلگرن (Karlgrén ۹۶۵-۷۶۰) تا هنوز شناخته نشده است. تا جایکه به کی-پن تعلق میگیرد این سخن میگوید این اصطلاح جغرافیائی از طرف نویسندگان چینایی به مفاهیم مختلف بکار برده شده است (Chip p. 565) لیوی خیلی پیش چنین نتیجه‌ی را استنباط نموده است JA 1915, P. 162 که چینائی هادر کی-پن خودشان کاپیسا و کشمیر را با هم خلط کرده اند. تارن اظهار عقیده میکند که شامل کاپیسا و کشمیر میشد ولی چینائی‌ها این کلمه را خیلی پیشتر از دوره کوشانی میشناخته اند و برای خود پان-کو (کی-پن) به معنی قلمرو ساکا در هند بوده است. مراجعه شود به «ساکتان» از هرزفیلد Herzfeld صفحه ۳۲

پان-کوانم کی-پن کابل زمین را به سلطنت ساکا Saca انتقال داده و برای کابل نام کاو-فوک Kao—fu, Kau—Phou, Ko-ha را بکار برده و به غلط این ناحیه را یکی از قلمروها یا به فوهای پنجگانه

یوچہا ہنداشتہ است ہو ہاں۔ شو باہن اشتہاہ او امارہ کردہ است

(Tarn. Op. cit p. 473 n)

۷۔ تعلق کہہ Kapa یا کجولا کا دفیزس با گاندو و فرنس پر
ہمین سند است کہ بیانات آن طوریکہ قبلا بان اشارہ شد مورد سوال
قرار گرفته است (Rapson—JRAS) (1932, pp. 188—190)

بقرار قول سن۔ک۔ د کشت (S. K. Dikshit) دو کتبہ ساہی
۱۰۳ و ۱۲۲ (چون ہرد و از مہا راپا (Maharaya) ذکر میکنند
این را ممکن میسازد کہ گو دووہا را (Guduvhara) و گوشا نا
(Gushana) متعلق بیکوہہ ہمان د و د مان ہنداشتہ شود (۱۲۸
ABORI. xxxiii P. 128) این نظریہ جا نشین ہای گاندو فرنس را طوریکہ
از تاریخچہ ہای چوناٹی ہم پر میآید نا د یدہ میگردد۔ بنا بر آن این
مشکل است کہ حضور کجولا کا دفیزس در د ر بار گاندو فرنس
تشریح و توضیح گردد۔

اگرما تعبیر کلمہ ای اہر جونا کہہ (Erjhuna Kapa) را از زبان
کنوہذیر فتنہ ہاشیم۔

سال ۲۴ شاید کہ سال سلطنت مہا راجا گودو و ہا را ہا بعضی
از دورہ ہای شناختہ نا شدہ ہودہ باشد۔

۸۔ (CII. P. 67) این کتبہ برای نہستین با رازطری کنتگہم بھاب

رسید (JASB. XXiii, 1854, P. 705)۔ بار دیگر ازطری دا سن (Dowson)

نشر شد و مورد بحث و مطالعہ قرار گرفت۔ (۲۴۳-۲۴۴) (JRAS. XX 1868 PP.)

و ازطری تو ما سن E. Thomas مورد توجہ قرار گرفته و ارائه شدہ

است (JRAS, new series, IX, 1877. P. 9)

و نیز این کتیبه طبری مراجه سمت و سمتا رت (Senart)
و بوهار (Buhler) و با نرجی و لیت و هولسین (Holsein)
و کنو رقرار گرفته است.

کلمه «کوشا ناسا» را بهیثها لت اضافی مفرد کوشا نا پندا شتن
خیلی دلچسپ است. این کلمه در سنگ نوشته مانیکیا رسال ۸ رسها
راجا کانیسکا نیز تذکار یافته است.

داندانایا کالالا (Dandanayaka Lala) به کوشا نا و
موادها کا (Gushanvusas mvardhaka) «ازد یاد پششا پندها
خاندان کوشا نا با کوشان» تعبیر شده است و (لالا) غالباً کدیك
شاخه بی از نژاد کوشا نیها بوده باشد.

سطوما رنقره ای که این کتیبه خروشتی را در بردارد بر اثر کا و
شهای مارشال در تا کسبیلان: ته چیر (Chir) متعلق به یکی از دهلیزهای
خر بی ستوبه بی دهارمار جیکا (Dharmarajika) کشف شده است.
این کتیبه از طرف مارشال بهاب رسیده است. و از طرف توماس - فلایت
بهندر کارولنر (Woolner) چند ادب (Deb) اهن و اوواتعبرهای
مختلفی از آن شده است.

موقعیت جائیکه این کتیبه از آنجا پیدا شده و تاریخ گذاری
ایکه بر آن نقش بسته اینککه به حکمروا کا د فیزس ها لیا کجولا نسبت
داده شده بطور قطع پذیرفته شده است گرچه بعضی ها آنرا به ویما کا د

فیزس نسبت داده اند .

۱- يك مطا اعه جاسعی از مسكو كات هرمايوس - كجولا كاد فيزس ها كه خيلى به سوييه پائين بوده بدو حصه طبقه بندي ميشود . دسته اول بر اى خود مجسمه نيم تنه هرمايوس و تاج شاهى دارد و با خطوط يونانى كه اكثر اغشوش گردیده كلمات بازيلیوس سوتیروس هرمايوس (Basileos Soterios Hermaeus) نگاشته شده است .

و عقب سكه داراى چهره هر كويس بوده كه در دقا بلش كرز و پوست شير قرار دارد و بخط خروشتى كجولا كاسا سا كوشا نا يا ووگا سا (Kujula Kasasa Kushana Yavugasa) نوشته شده است . اين دسته از مسكو كات شكل چهار گوشه دارند . . .

دسته دوم بروى خود مجسمه نيم تنه هرمايوس و تاج شاهى دارد و كلمات كجولا - كاد فيزس كوشان (Kujula Kadphises Kushan) با رسم الخط يونانى معمولاً از هم گسيخته و قطع شده و غير خوانا بر آن نوشته شده است و در عقب اين دسته از مسكو كات عين آن چيزى نوشته شده كه در دسته اول مسكو كات نديده ميشود و دسته سوم شامل مسكو كات مسى عجيب و غريب ديگر دد . اين نوع مسكو كات بر اى خود مجسمه نيم تنه هرمايوس را با خطوط يونانى دارد و شبيه دسته اول نيما شد و بر عقب آن نايك (Nike) با حلقه گل در دست او بخط خروشتى كلمات مهارا جاس (Maharajas Rajarajasa) هرمايا سا - مهارا جاسا (Maharajas Rajarajasa) نقش بسته است .

مسکوکات هر ما یوس که از مقام سرکپ بدست آمده
 مارشال آنرا به سه دسته تقسیم میکنند از قبیل:

(۱) ۲۸ عدد آن از نوعیست که مجسمه نیم تنه پادشاه
 و زیوس (Zeus) بر تخت نشسته دارد.

(۲) دو عدد آن تقلید خشمی است از نوع قبلی.

(۳) ۲۶۳ عدد آن از نوعیست که مجسمه نیم تنه پادشاه
 و ناپیک را دارد.

مارشال میگوید که دسته اول بدون شک از طرف خود
 هر ما یوس انتشار یافته اند. دسته دوم شاید که از طرف کدام
 قلب کاری ساخته شده باشد. و تا جائیکه به دسته سوم ارتباط
 میگیرد تارن آنرا به کجولا کاد فیزس نسبت میدهد و آنها را از
 نوعی مسکوکات پرو پاگندی میپندارد.

بچهو فر (Bachhofer) میگوید که این نوع متعلق به روز
 های آخر هر ما یوس بوده که وی را به شکل یک مرد سالخورده
 نشان میدهد (JAOS. Dec. 1941) قرار نظر به مارشال هیچ
 کدام از این نظریات درست نیست. زیرا طرح و ساختمان و نقاط
 دریا فت و متعلقات این مسکوکات همه نما یا نگرایتمست که آنها
 از طرف زمامدار یکه یا ساکن ویا پارتی بوده و در پاروپاندیزاد
 از هر ما یوس رو یکار آمده انتشار یافته است.

(JRAS April, 1947, P. 25)

Cambridge Shorter History of India, 1934, P. 47.

(The Scythian Period PP.FF)

۱۲ - برابلم های دوره ها در تالیف و بطور مفصل مورد بحث قرار گرفته است و ما قبلاً بان اشاره کرده ایم و اکنون بطور عمومی پذیرفته شده که اسناد خروشتی در سنه ۸۰۵ (م) تا ریخ گذاری شده و بنام ههد ویکرا ما شناخته شده است.

Tarn Op. cit P. 348

Konow JRAS. 1932, PP.1950—2;

JIH. Xii, 1933th, pp. IFF.

مارشال واپسن معتقد اند که این عهد عبارت است از ههدازیس (Azes)
(CII. PP. 70—1)

۱۳ - این مفکوره نخست از بایر (Boyer) طرح و مورد بحث و مداقه قرار گرفته است و از طرف بهندر کار تعقیب شده .

The Aya months. JBORS, Vol. 23, 1937, PP. 261 FF. ۱۴

۱۵ - (CII. P. Xi) درباره تعبیرهای مختلف به ایسا (Ayasa)

حالت اضافی از یس (Azes) مارشال مراجعه شود .

ASIAR. 1912—13 PP. 23ff

JRAS 1914. PP. 973FF

ر، پ، چندا (R.P. Chanda) وستون کنوهر دو نظریه مارشال را پذیرفته اند .

و فلجت این کلمه را به آسیا (Asya) معنی میکند .

قبلاً او اظهار نموده بود که آها سا یک شکلی از اشا دها (Ashadha) که نام یک ماه است میباشد دیو (Deo) اظهار عقیده میکنند که این کلمه عبارت است از ادبا فتا (Amanta) (IHQ. XIV P.411 FF)

۱۶ - (Op. Cit. P. 50) خانم اوهوین معتقد است، عهدیکه در کتیبه‌های قبیل ازکا نیشکا در شمال غرب هند کار برده شده در آنها فتح با ختر ثبت گردیده است .

• (Re. No. 12) - ۱۷

۱۸ - تعبیر آن که از طرف ستین کنو صورت گرفته از طرف اسپن

بود سوان واقع شده است (OP. Cit. ref. 7) .

۱۹ - سنگ نوشته ما نیکیا لاکلمه لالا (Lala) و عبارت از گوشا نا

و اساسا مورد ها کا (Gushana Vasa Samvardhaka) دید اند

• (CII P. 145 FF)

۲۰ - CII, 79FF تعبیر و تفسیر کنوا زین سند نیز از طرف اسپن

دورسوال قرار گرفته است یگانگی چیزیکه فعلا باید گفته شود این

است که تعبیر و تفسیر و استنباط پروفیسور کنوا زین یقین خیلی دور بود،

و اینکه او این مهاراجا را عبارت از ویما کتا د نیزس دید اند از واقعیت

خیلی فاصله دارد (JRAS. Jan. 1930, P. 191) .

(CLL PP. 81 FF) ۲۱

۲۲ - مراجعه کنید به نوت نمبر (۶) .

۲۳ - گاردنر (BMC. P. XIV (Gardner) .

۲۴ - وایت هیل (CPMP. 154 (Whitehead) .

۲۵ - کنگهم (Cunningham) .

۲۶ - (Asi. An. Rep. 1912-13 P.144) .

۲۷ - بقرار نظریه هرزفیلد نام اراو من Phraotes

کلمه اهراتی ها تا (Apratihata) بوده باشد که بروی سسکوکات گاندوفرنس آمده است و عاقبت الادرانراونس که در اردان فیلاستراتوس (Philostratus) ذکر شده عبارت از همان گاندوفرنس است.

تارن درین مورد با هرزفیلد هم عقیده است. . . حال آنکه خانم لوهویزن از نگاه زبان شناسی آن را مورد سوال قرار داده و اظهار عقیده میکند که نام فراونس یکی از همان نام های کثیر الاستعمال پارتی است.

(EHI P. 267) - ۲۸

(Ref. note, 150) - ۲۹

• (Indian Coins, P. 16) - ۳۰

در بین موارد مشترک شمال بهتر از همه عبارت اند از ازیس (Azes) و ازلیسس Azilises و ازیس روم. چندین حکمران در سسکوکات خود از حکمرانان خیلی پیشین تقلید کرده اند. بطور مثال سسکوکات دیمتریوس (Demetrius) توسط بویس (Maues) و از ایوکراتید (Eucratid) توسط ایامی کوسولاکا (Liaka Kusulaka) و از سترانوس (Stratos) توسط رانجیوولا (Ranjuvula).

(JRAS, 1966, P. 1948) - ۳۱

(CHI P. 561-2) - ۳۲

(Tanila P. 52) - ۳۳

(JIH P. 29) - ۳۴

(OP vit. P. 338) - ۳۵

۳۶- تارن به افسانه ین-مو-فو (Yen-mo-fu) که در چین - هان شو Chien-Han-Shu آمده به کمال وجود و خوشی اشاره میکند.

که این باطرح وی کاملاً سازگاری دارد. او (تارن) فکر میکند که هرمایوس تحت اثر وین-چونگک (Wen Chung) بود که ساکا های کابل را به کمک میاوس (Miaos) رئیس کوشان زارجا بیجا کرده است. و همین هرمایوس به کوشانیها یکی از خویشتاران غا لباً خواهر نه دختر خود را نیز بعقد ازدواج از او آورد و هرمایوس بدین ترتیب در حالیکه تحت انرچینا ئی ها بوده که پان خرد را مستقل ساخت تمام پاروپامیزاد را تصاحب نمود حکمرانای کوشانی کادفیزس اول خلف میاوس Miaos که بعیث و ارث خردنی هرمایوس بر پاروپامیزادادها را فتح کرد. (Op. cit P. 343)

فرا این فکر میکند که غا لباً هرمایوس در سالهای اول سلطنت خود سرزمین شمال هندوکش را بمنفع یوچیها شاید به یکی از اجداد کجولاکا دفیزس و شاید هم هرماوس (Heraus) از دست داده باشد. و قتیکه کجولا وادی کابل را از دست پهلواها گرفت از مسکو کاتی مانند تیپ مسکو کات هراکلس (Hercles) را که قبلاً از طرف پادشاهان پهلوا نقلید و اقتبا من شده بود نقلید و ضرب زد دست. بکهور (Bachhofer) معتقد است که کجولا آن مسکو کاتی را نقلید نموده که خیلی رایج و مشهور بوده و بنا بر این بزودی سکه های را انتشار داد که بر آن آگوست (Augustus) نقش بسته بود (JAOS, 1941, P. 240)

(Tarn Op. Cit. P. 507) - ۳۷

(op. Cit P. 364) - ۳۸

(JAOS, 1941, P.34) - ۳۹

(JRAS, April, 1947, P. 24) - ۴۰

(Whitehead PMC Pl. XVII 24) - ۴۱

۴۲- Whitehead op. cit. نظریه کرشمن تبادلات مونسو نی در عهد اوگوست کشف گردید. (Begram, P. 123) این نظریه مورد سوال پ-ری فیسری خانم لوهویزن قرار گرفته است. او به حواله تیل (Thiel) میگوید که کشفیات مهم یک قرن بیشتر صورت گرفته است (Op. cit. P. 366 note 155)

(Whitehead, PMC Pl. XVII 24, ref. No 11) - ۴۳

نظریه این (Allan) که میگوید تاجائیکه به نوع سکه ارتباط دارد مدیون یک سکه از کلود یوس میباشد (op. cit. P. 160 note 7)

BSOAS, 1953, XVI, P. 89 - ۴۴

۴۵- عیار طلای ویما که د فیزس و پادشاهان بعد از اوزاریوس (aureus) رومی که از طرف اوگوست تعیین و مقرون شد، بود تقلید گردیده است.

کنیدی قبلا تردید داشت که اگر عیار طلای مسکوکات هندی واقعاً از اوگوست بوده باشد (JRAS, 1912. pp 665 ff) خدا ندم لوهویزن میگوید که این یک امر واضح است. انگیزه اینکه در دوره فرمانروایی ویما که د فیزس مسکوکات طلایی را بوجود آورده ازدیاد و وفور مسکوکات طلایی رومین بوده که این سالهای ه ۴۰ م تا به ۸۴ م سرازیر شده است (غالباً از عهد اوگوست به بعد بشمول نیرو (Nero)

- يك سكه مسی كجولا كاد فیوزس با نمایش يك كلمه از پادشاه بر روی
 آن نشان میدهد که در عهد همین پادشاه جریان طلای رومن سرا زیر
 شده بود (Seythian Period, pp. 365—66)
- ۳۶ - (ASI, An. Rep. 1912—43)
- ۳۷ - (Whitehead PMC. P. 180 No 5. 16. 23)
- ۳۸ - (CII P. IXV)
- ۳۹ - (CHI P. 582; Indian Coins, P 17 of Gardner BMC, P.XLIX)
- ۵۰ - (JRAS. April, 1947, P. 48)
- ۵۱ - (CII P. LXV)
- ۵۲ - (ASIAN Rep. 1912—13 P. 52, No 49)
- ۵۳ - (Cunningham N. C. 3rd Series Xii)
- ۵۴ - (OP. cit P. 28)
- ۵۵ - (Hou—han—shu, chap. 118, Chavannes)
- ۵۶ - (OP. cit P. 375—6)
- ۵۷ - op. cit. p Lxvii
- ۵۸ - تلفظ تا نگ (Tang) سین - دوک (Sien—duuk)
- (Karlgam No. 864, 645) تعریفی که از این ناحیه (کشور) در هو -
 هان شوداده شده چنین است :
- سلطنت تین - چو (Tien—Chu) بنام شین - تو (Shen—tu) نامیده
 میشود .
- این سلطنت در کنار يك رودخانه بزرگ واقع است . باشندگان

آن در هنگام جنگ بر قیلها سوار میشوند. آنها نسبت به یوچی ها ضعیف تراند. آنها مذهب بودا را میپرستند. این عادت آنها گردید، که چیزی را نکشند و به جنگ دست نیازند. کسی اگر از کاو - فو (Kao—Fu) که متعلق به یوچیها است عزیمت کند و بطرف جنوب غرب دور بخورد به بحیره غرب و اگر بطرف شرق برود به سلطنت پان - کی (Pan—Ki) میرسد.

تمام آن سرزمین ها قسمتین از شین - تو را تشکیل میدهند. شین تو چندین صد شهر ها و قصبهات دیگری هم دارد. (به غیر از پایتخت) در هر شهر یک والی گماشته شده است در آنجا ده ها سلطنت دیگر نیز قرار دارند. (بغیر از سلطنت اصلی) و در هر سلطنت یک پادشاه حکم میراند. گرچه تفاوت های جزئی در بین آن سلطنت ها وجود دارد ولی با آنها اینهمه بنام شین - تو نامیده میشود. در آن زمان (غالباً زمانیکه پان - ینگ (Pan—Young)) مینوشته است و یا در حدود سال ۱۲۵ م) اینها همه متعلق به یوچیها بودند. یوچی پادشاه را بکشت و برای اداره مردم یک جنرال گماشت (Konow; op cit. P. LXVII).

Jacobi-Das Kalakacharya—Kathanakam. - ۵۹

ZDMG, 34, PP 247 ff; Bhaudaji; The inroad of the Scythians into India and the story of the Kalakacharya, JBBORS, IX 1872, pp. 139 ff; Jayaswal: JBORS, XVI, 1930

PP. 233 FF; Raychaudhari Vikrama Volum, Ujjain, 1948, pp. 483 ff.

CHI p. 481; Comprehensive History of India - ۶۰

(Co. Hl. P. 231)

- ۶۱ - (JRAS, Jan. 1930, p. 198)
- ۶۲ (Konow: op. cit. P. LXXV.) قرار نظر یه ستین کنو که میگو یه
این يك امر مسلم است که از ک نیشکا در مناع تاریخی چنین ذکر ی
نشده است . ا آنکه چینائی ها از واقعات و حالات تا به سنه ۱۲۵ م
خبر می دهند ولی نه بعد از آن .
(Chavannes: Toung—Pao.II. Viii P. 150 ff)
- ۶۳ - JRAS. April, 1947 p. 30)
- ۶۴ - (ASI: An Rep. 1912—13 pp.42. 44,52; 1914—15 pp. 22
27 etc. 1915 -16, p. 20-34 Ancient India, No 4. p. 83)
- قرار نظر یه مارشان که میگیر یه مسکوکات کچولا کا دیزس که از
مقام سر کپ به اندازه خیلی زیاد بدست آمده (دش از ۴۰۰) عدد
بشمول (۱۲۳) از سلسله ناد فیزس) این يك امر طبیعی است که
گوییم او گندها را و نا کسیرا را بر سا بر فتوحات خود افزوده است .
(JRAS, April, 1947, p. 27)
- ۶۵ - (Flect: Corpus Inscription um. Indicarum. Vol. III pp.
65 ff).
- ۶۶ - (Catalogue of Coins of the Western Kshatrapas) P. 192
(EI. Vii. P. 86)
- ۶۷ -
- ۶۸ - (Rapson, op. cit. pp. 65, 72 73; Luder's No. 1099, 1131
1134, 1174).
- جاییکه از نها بته بحیث مها کشا تراپا ذکر شده است .
(Rajan mahkhatapa) Sami (Svami) Nahapana Ibid.
Nos. 963. 965. 967

وچشتمه نیز بهیث يك مها کشا تراها ذکر یافته است.
 ودر کتیبه اژدها (Andhau) از او تنها بنام را جان ذکر شده
 است .

(E.I Xvi, pp. 10 ff) - ۶۹

(Rapson—Catalogue, op cit P. 76 Luder's List Nos. 963, - ۷۰

964, 966, 967)

(E.I. Vol. VIII, P. 36 ff. Luder's List Nos 965). - ۷۱

(E. I. Viii, P. 82) . - ۷۲

(A.S.W.I. iv, P. 79). - ۷۳

(A 1918 P. 69) بهندر کار اظهار نظر میکنند که کلمه

کوسانا (Kusana) شاید با کلمه کوشاناسا (Khushanasa) که در

کتیبه طومار نقره ای تا کسیرا آمده یکی باشد و نه اینکه نخست نامبلسلطنه

کجولا کادفیزس و بعدتر از ویما کادفیزس بوده است . این مشکل

است اگر کجولا کادفیزس را در اینجا بپذیریم زیرا که امپراتوری

او هیچگاه با منظر گسترش نیافته است . در اینجا يك نکته دیگری

هم هست و آن اینکه اسناد نهانیه در عهد ساکا تاریخ گذاری شده و

بعد از او بهوما (Bhumoka) رویکار آمده است. هر دو آنها بهیث

کشاهارا تا (Kshaharata) کشا تراپ (Kshatrap) ذکر شده اند و

چنین برمیآید که هر دو تحت اثر و تابع ویما کادفیزس بوده اند

بقرار نظریه ستین کوشاندانس (Sandanes) متعلق به مقام پیری

پلس (Periplus) طو. یکله لیوی پنجاه و شش ممکن است با چین تان

(Chen-tan) یکی بوده باشد این را او میبندد و لی سنگک - چا و
 (Seng—Chao) شاگرد کوما راجیوا (Kumarajiva) او را با وانگ
 (Wang) پادشاه یوجی یا شهزاده ای که عبارت از ویما کا د فیزس بوده
 تعویض میکنند (CIHQ. Xiv P. 150) .
 . (Whitehead: PMC p. 183) - ۷۵

۷۶ - او شاوا داتا (Ushavadata) و اما در نها پنه هیچگاه اصطلاح
 بها تارکا (Bhatarka) را برای خسر خود بکار نبرده است و این
 مخالف روایت خویشاوندی میسر ساختمان اجتماع - مذ هین و سلسله
 مراتب برهمی ها که او به آن خیلی اعتنا میکرد و او قاف به زیادتی را برای
 شان بوجود آورد و اما بصورت یقین مقام و منزلت محترمی داشت و
 گفت که بکار بردن این اصطلاح به فرمانروایی خسرش قابل قبول
 است .

Bombay Gazetteer, I, p. 32 - ۷۷

JRAS, 1913, P. 993, Notei - ۷۸

I. A. X, P. 226 - ۷۹

ASWI; iv P. 37, ny - ۸۰

Catalogue—P. cvi - ۸۱

EHI. P. 222 - ۸۲

Rapson: Catalogue, P. 96 - ۸۳

Ref. 68 - ۸۴

CII P. IXXX; EL, xvi ff. 19ff - ۸۵

JAXi. V. 1915, P. 191 - ۸۶

El, Vol Vill, pp. 60ff, Luder's List o 1123 - ۸۷

۸۸ - در طی يك مقا له خیلی د لچسپ در با ره نها پنه ، چشتمه
وکانیشکا توماس اظهار عقید، میکنند که چیزی وجود ندارد که ویما
کادفیزس را با هند شرقی ویا با دوره ساکا ارتباط دهد. بقرار نظریه
اومسکوات دودمان نها پنه در شکل (S) نمایانگر سه مرحله نکاملی
خود میباشد و مدت زمان طولانی را در بر میگردد. مرحله نخستین کم
و بیش معاصر و نوین (Vonones) و ازیس (Azes) میباشد .

اومسگر به که هوما کا و نها پنه اول متعلق به همان عهدی میباشد که
سا ترا بهای تا کسیلا متهورا بان تعلق میگردد (Neo India AnNtiguary
(NIA, Vol Nos 5 and 6pp 85—86) مادرین مورد با پروفیسور فقید
که بر اساس خطوط عتیقه شناسی نها پنه را بیش از يك نفر میداند و يك
دوره طولانی زمامداری را بری انها قایل است و بلاخره با انکار از
معاصر بودن گوگامی پوترا سا تا کارنی با نها پنه همخوانی میباشیم .
درین مورد کتیبه های بالاسری (Balasri) ناسک (Nasik)
بسیار قاطع است .

Cunningham, ASR, 11. P. P. 186— -۸۹

JBORS, Vi, PP. 12ff -۹۰

Cunningham, NC. X. 1890 ff 115 ff -۹۱

Indian Coins, pp. 16 ff -۹۲

PMC. P. 160ff -۹۳

- ۹۳ Ibid
- ۹۵ CII, P.Lxix
- ۹۶ ASI. An. Rep. 1912-13P.8
- ۹۷- بقرار نظریه ای بکهور فرسکه ها بیکه از یک سو ترمیکاس واقع
ذکر میکنند در عهد زمانداری ویماد کاد فیزیس بضرب رسیده اند. وی
سوتر میگاس را با خود ویماد کاد فیزیس یکی میداند.
- (OZ IV 1927-28 P. 21.ff) لو هو یزسا - (دی - لیوو با ستین کنو
(SII P. Ixix) درین مورد که سوتر میگاس قرار بیکه در (هو - هان
شو) تذکار یافته و ایسرای ویماد کاد فیزیس در هند بوده موافق است
(OPCIP. P. 375)
- ۹۸ - سک - منحصر به فرد بیکه از طرف کنگه هم تشریح شده
(NC. 1892 P. 77 pl. xv, Fig.14) یک جسمه نیم تنه را بادوروی
نشان میدهد که روی چپ دارای بیش ودر مقابل ان سمبول ویماد کاد
دیزس بوده در حالیکه روی راست بی سویی و لشم ودر مقابل سمبول یک
پادشاه بی نام قرار داده شده و صورت قاطع و واضح حاکی ازین است
که دوشهزاده معاصر همایگر خود بوده اند. کنگه هم مواردی را که با
هم دیگر موافق اند تعیین نموده است (Smith. JRAS. Jan 1903.p13)
- ۹۹ P. 288 او هو یزن دی نیو و - د و ۲۹۲ اطلو یقین و میداند خانم نامبرده
مهارجا را جانی این کتیبه را یا ویماد کاد فیزیس یکی وجا نشین
او میداند. (op. C.t. P. 373)
- ۱۰۰ - (JRAS. Jan, 1903 P. 13) کاوشهای اخیر بامتانشناسان روسی
این را که کوشانیها برتر کستان چینی حکم میراندند اندک روشن ساخته است.

۱۰۱ - (Mc. Crindle. Ancient India P. 212) دیون کا سیوس
 (Dion Cassius) در حدود سال ۱۵۰ م از مقام نیکاسا (Nicasa)
 در بیتلی نیا (Bithynia) با بعرضه ای وجود گذاشته است هنوز در حدود
 ۲۵ سال داشت که بروم آمد دو مرتبه بمقام کنسولگری ناپل شد.
 بزرگترین اثر او (تاریخ روم) است که شامل ۸۰ جلد بوده و تمام
 تاریخ را به سال ۲۲۹ م در برمیگیرد.

Ibid P. 213.

۱۰۲

۱۰۳ - برای اوزان وعیارگیری مسکوکات کوشا نیهاه مراجعه
 کنید به کنگهم (Coins of Medieval India P.16)
 واپسن : (Indian Coins. P. 14,69, 123) و سمت از صفحه
 ۲۷ به بعد.

برای مطالعه مسکوکات یافت شده از هند به سی ویل (Sewell)
 مراجعه کنید . (JRAS. 1904 P. 591)

((Hist. Not XII.C. 10 (14) MC. Crindle, op. cit. P. 125.
 and Cunningham, "Coins of Ancien India " P. 50))

اگرین را بپندوریم که ویما کادفیزس بعد از ۷۸ م سلطنت کرده
 است دیگرین مشکل نیست که این واقعیت را دریا ایم که مسکوکات
 طلائی او از لحاظ وزن عیناً با (Araura) امپراطوری پیشین روم مطابقت
 داشته است . که بقراو گذارش پلیینی (Plyni) و شواهدیها دی
 که بدست آمده تعداد زیادی از آنها برای یک مدت زمان طولانی در
 خاک هند سرا زهر شده است .

Smith, TRAS, Jan. 1903 P. 34

۱۰۰ - (China Story of Nations, p.18) به قرار نظر به لیوی

شکر هان- چاو تا به سرحدات امپراتوری روم رسیده بود-

(JA. IX 1897, P. 50 Smith. EHI PP. 268—89)

۱۰۶ - اینک در راه پوریان - یونگ گفته شده که ویما کاد فیزس شاید که تا به سال ۱۲۷ م زنده بوده است و همچنان که میگویند مهاجم یوچی ترکستان چینی که در سال ۹۰ م از طرف هان - چا و شکست داده شده عیارت بود از ویما کاد فیزس - توماس آنرا غیر ممکن میدانند و میگویند چطور - تاریخچه ها و دودمان قبلی هان میتوانند راجع به کجولا کاد فیزس و ویما کاد فیزس و همپورم - سال ۹۰ م بدون اینک که به یکی از آنها نسبت داده شود گزارش دهند .

NIA. August—spt. 1944, P.100)

(Beali "Budhist Records" I P. 57

۱۰۷ - بعد از مرگ هان - جاو کا نیشکا هند و کشمیر را به اطمنان و در کمال امنیت بدست آورده و بخاطر آسوده و موقعیت مستحکم با دشوارها غالب آمد و توانست لشکری را به ماورا تاغد و مپاش - (Taghdumbash) و پامیر سوق دهد در نتیجه اسلاف او در انجام آن ناکام ماندند و تنها اینک خود را از پرداخت باج و خراج به چین آزاد و مستقل سازد بلکه از شهزادگان امپراتوری چین در تحمل هم گرفت

(Smith. EHI P. 278)

(Op. Cit. P. 379)

-۱۰۸

(Whitehead, PMC, P. 95)

-۱۰۹

- (CII, P. 81 FF) - ۱۱۰
- (Op. Cit. P. 377) - ۱۱۱
- (CII, P. 82) - ۱۱۲
- (CHI, P. 582) - ۱۱۳
- (PMC. P. 95) - ۱۱۴
- (OP. Cit P. 379) - ۱۱۵
- Eliot: The History of India, I, PP. 106—110 - ۱۱۶
- و به جایا سوال نیز مراجعه کنید. (JBORS, XVIII, 1932, PP7—16)
- ۱۱۷ - بقرار نظریه مارشال دوره فرمانروایی ویما کادافیزس شاید که تا به سال‌های نخست قرن دوم میلادی دوام کرد، باشد که بعد از ویک و قفه تقریباً برای مدت دود هه تا اینکه کانیسکا روی کار می‌آید دیده میشود. در طی این و قفه چنین بر می‌آید که قدرت - کوشانیها ضعیف و تجزیه رخته کرده ولی این یقینی است که یک و ها بیشتر نایب السلطنه‌های بنام سوترمیگاس بوده اند که در غیاب فرمانروای کوشانی پنجاب و شمال غرب هند را اداره میکردند گذشته از سایر ملاحظات تغییر در رسم الخط و زبان و تغییر در طرح مسکوکات فرمانروا (ویما و کانیسکا) در بین شان دلالت بر یک و قفه میکند (JRAS, April, 1974, P.32)
- ۱۱۸ - نام کشا تراسیوانسینا (Sivansena) در خط یک مهرا نگشتری مسی که از طرف بیلان (Baylal) از پنجاب بدست آمده تذکار یافته و از طرف کنگهم نیز تشریح شده است. ولی بعد از آن تا کنون اثری از آن در دست نیست و مفقود الاثر گردیده است. (CII. No, XXXVIII. P.103)

فصل سوم

کانیشکا و جانشینان او

با آمدن کانیشکا به مرحله دیگری در تاریخ کوشانیها آغاز یافت. او جانشینان او که نامهایشان با آهنگ کلمات شکا (Shka) — Eshka — ishka انجام میابد متعلق به قوم کوشانیها بوده و اینها نیز چون اسلاف خود لقب دیوایی ترارا بکار برده اند (۱)

۱ - در فصل گذشته توضیح گردید که بین ویما کاد فیزس و کانیشکا یک فاصله زمانی وجود داشته است. و این یک جانشین محض نبوده طو بلکه طرفداران نظریه کانیشکا و عهد سا کامی پندارند.

(۲) آمدن این دسته از فرمانروایان کوشانی توسط یک سلسله سمیزات و مشخصات جدیدی تشخیص و تمیز میگردد. مثلا کتیبه ها از شروع عهدی تاریخ گذاری شد، که سال اول آن از (ز) (؟) ها ۳ آغاز گردیده ازین اسناد توسعه فرمانروای آنها نمودار میگردد.

ضرب مسکوکات طلائی تازه آغاز و با صورت خدایان مختلف یکجا متقوش گردیده و رسم الخط خروشتی و هونانی بطور قابل ملاحظه نقل یافته است. مشا بهت خیلی نزدیکی که از لحاظ چهره و لباس در بین وهما کساد فیزس و کسانیشکا دیده میشود همخوانی و هم‌نژادی آنها را ثابت میسازد. متأسفانه تاریخچه‌های چینی و قتی سخن از وهما کاد فیزس میزنند در باره کسانیشکا چیزی نمیگویند و لی‌شواهد بعدی از منابع ثبت و چین که بعضی از آنها مبنی بر عنعنات قدیمه بوده و قرن‌ها بعد ثبت گردیده اند در مورد قدامت کسانیشکا و روابط با حکمرانان معاصر ختن و سایر نقاط در آسیای مرکزی و بالاخره در باره فتوحات او در هند شمالی چیزی از آنها استنباط شده میتواند.

کسانیشکا بهیث یک یوچی خورد:

مطابق یک منبع تبتی بنام لی - یول - گی (li-yul-gye) لورگیاس پا (lo-rgyas-pa) دختر پادشاه گا - هجای (Ga-hjay) که ملکه و هجایا سمها (Vijayasimha) پادشاه ختن بود در انتشار بودیزم در شو لیک (Shu-lik) یعنی کاشغر سهم قابل ملاحظه داشت. منابع تبتی راجع به و هجایا کرتی (Vijayakirti) پسر و هجایا اسمها میگویند که در جمله برهند او با کانیکا (Kanika) پادشاه و پادشاه گوزان (Gozan) پیوست و از هن گبرودار شهر ساکیدا (Soked) ساکیتا (Saketa) سقوط نمود.

م - از ترجمه چینی کالپاناماندا هتیکا (Kalpanamanditika) اثر کومارالتا که بعد از دوره فرما نرواهی کسانیشکا تالیف شد، در یک

عبارت چنین خوانده میشود . (درخاندان کیوشا (Kiu-sha) يك پادشاهی بود که چین تان کیانی چا (Chen-tan-kia-ni-cha) نامیده میشود وی تونگک-تن - چو (Tung-Tien-chu) بقول هوبر (Huber) و لیوی (Levi) هند شرقی را گشود و کشور را مطیع و تابع خود ساخت . قدرت او ترس و خوف را بد لها انداخت و او تماما خوش بخت و خوش اقبال بود . او برای بازگشت به - سلطنت خود رهسپار گردید . راه از يك سرزمین فراخ و هموار میگذاشت . بقرار نظریه هری چین تان عبارت است :

از چاندا نا (chandana) بنا بقول (scdas) (۶) گفته میشود که این يك تسمیه قدیم بود برای ختن چین - تان (chin-than) اصلی هاید که کاشغریه (Kashgaria) و چین تان کیانی (chen-tan-kia-ni-cha) ممکن کاشیکاشکا پادشاه ختن بوده باشد .

ستین کنو باقلیت همنوا است که (۷) کاشیکاشکا متعلق به يك تیره و قبیله و یایک خاندان حکمرانی جداگانه از قوم کوشانیها بوده که راه خود را از ختن به کشمیر و بعد از آن به هند باز نموده است .

(۸) - وی (کنو) پیش میرود و میگردد اگرمانند هریم که کاشیکاشکا از ختن آمده در آنصورت لازم است نظر به هو لستین (holstein) (Baron. H. de stuel) را که میگردد کاشیکاشکا به بخش بزرگ یوچی (تا یوچی) متعلق نیست بلکه به بخش کوچک سهایوچی (siao) یوچی متعلق میباشد نیز باین هریم .

و این واقعیت از مانتنگ-هیرما - چون (Ma-ming-pu-sa-chuan)

۱ - که يك تاریخچه است از حیات اسوا گوشا (Asvaghosha) و

قبل از سال ۱۲۰۰م بزرگان چینائی ترجمه شده بخوبی آشکار میگردد در آنجا گفته شده که کائیشکا حامی و ولی نعمت اسوا کهوشا يك پادشاهی بوده از یوچی های کوچک سیاه و یوچی (siao-yach-chi) در باره تشریح سلطنت یوچیهای کوچک در وقت وزمان خود وی شو (Wei-shu) اطلاع میدهد که پایتخت آن پوروشاپورا (Purhapura) یعنی پیشاور بوده و بهمین سبب آنها بنام یوچیهای کوچک نامیده شده اند. بقرار نظر به ستین کنو (۱۱) که میگویند وی بطور یقین کائیشکا بوده که نخست پیشاور را پایتخت امپراتوری یوچی قرار داد و در این مورد گزارشی وی شونزه این نظریه را که کائیشکا متعلق به یوچیهای کوچک بوده است تأیید و تقویه مینماید.

ازمنابع تیمی وچینائی در مورد ختن آشکار میگردد که کائیشکا برای حمله خود بر هند شما لی از وهجایا کیرتی پسر وهجایا سیمها کمک خواسته و بعد از مدت نموده است.

و بهو گرافی رسوا گوشا او را پادشاه یوچیهای کوچک وانمود میکنند.

در برابر این مشاجره با گچی (P.C Bagchi) اظهار نظر میکنند و میگویند ۱۲ دلیل وجود ندارد که بموجب آن کائیشکا را از یوچیهای کوچک بدانیم یوچیهای کوچک هویت خود را در میان بربرهان جنوب شرقی چین از دست دادند همانطوریکه یوچیهای بزرگ هویت خود را در بین تخارها از دست دادند. بودده علاوه بر اینها یوچیهای کوچک تهها (Ta-hia) (تخارها) و نه با کوشانگ (کوشانیها) کدام تعلق وارتباطی دارند.

۱۳- ولی باید گفت که این يك امر مشکل است که کانیشکا را یکی از تاجوچی ها یا سیا ویر چها بشماریم .
 واقع طوریکه ما قبلا بان اشاره کردیم کوشا نیها (کوی شوآننگ)
 و تاجوچی ها در هر کدام شان نمایندگی از يك قبیله نژاد دای مختلف می
 کنند اولی یعنی کوشا نیها از آریا های ساکی و دومی یعنی تاجوچی ها
 از نژاد متگولی شمار میروند . تمام این معضله بدور تعبیر و تغییر
 لفظی دور میخورد که در نارینه خچه های چینائی ثبت شده است چنین بر
 می آید که کوا بارا (Kwabara) درین مورد بخطا نرفته است .
 ۱۴- وما قبلا آنرا تذکار داده و تأیید نموده ایم .

تعلقات کانیشکا با ختم قدرت های معاصر او قبیل از کشودن هند
 شمالی و رواب بعدی او را نباید از چشم دور داشت از روی استناد و شواهد
 موجود فعلا یگانه چیزی را که میتوان گفت اینست که کانیشکا
 به همان نژادی متعلق است که کاد فیزس ها بودند و او از فرصت مساعدی
 که از مرگ ویما کاد فیزس تا به اخیر زمانمداری مشخص مایینی
 (سوتر میگاس) بوجود آمد استفاده عظمی کرد .

فتح هند شمالی او تا به پوتالی پرتوادر طی يك زمان کوتاه و
 معدودی صورت گرفت زهرادرین وقت کدام قوت نیرومندی و نه هم بهر
 خود از کدام وارثی برای امپراتوری کوشانی در مقابل او وجود داشت .

طرح ها برای فتوحات :

فتوحات کانیشکا يك واقعه پیوسته و پلان شده یکنواخت نبوده
 است کتیبه ها نیکه از نقاط مختلف بدست آمده و در سال های متفاوت

تاریخ گذاری شده اند مثلا در سال ۲ کتیبه کوسام (Kosam)
 ۱۵ - دراله آباد در سال ۳ کتیبه سرنات (sarnath) از سال ۴ به
 بعد کتیبه های ما تورا (۱۷) در سال ۱۱ کتیبه های سووهار (Suivihar)
 (۱۸) بهاولپور و (زهیدا) (zeda) (und) ۱۹ و در سال ۱۸ کتیبه مانیکیلا
 (Manikiala) راولپندی (۲۰) این همه گواه بر اینست که فتوحات
 کانیشکا در شرق و تا به وارا ناسی (varanasi) بنارس در جنوب غربی
 تا به بهاولپور رسیده بود.

منابع ادبی راجا ترانگینی (Rajatrangini) (۲۱) و کلپناماندیتیکا
 (Kalpanamandi-tika) (۲۲) و تاریخچه های دودمان هندیان (۲۳)
 مؤید و گواه بر این اند که کانیشکای کوشانی بر سر زمین های ختن
 و کشمیر (تونگ-لی (Tung-Li) و پان-چی (Pan-chi) که بر او نظریه
 توماس بقا طی بودند در نواحی مرکزی و جنوب غرب هند فرمانروایی
 میکردند است

۲۴ - ساندانس (Sandanes) بخشی از پیری پلیس (Periplus) حاکی
 برانست که کنشکا بر جنوب غرب هند فرمانروایی داشته است.
 فرمانروایی کانیشکا بر جنوب غربی هند مبتنی بر شواهدیست که از
 شناسائی و هویت ساندانس (Sandanes) از ناهیه نئی پیری پلیس
 (Periplus) بر می آید.

۲۵ پهلوهایی مختلف فتوحات کانیشکا را به موجب بحث و مطالعه
 جداگانه را میکنند و همچنان تسلط کانیشکا بر بهار که غالباً از مسکوکات
 کشف شده است، منبسط میشود و نیز صفحه بوده گاهها (Badh-Gaya) هوو نیشکا

از پتینه و گزارش در سری دها رما - پی تا کا نی دا فاسوتر ا
(Sridharma—Pitaknidanasutra) (که دوسان ۷۷۲ م بزبان چینائی
ترجمه شده) مبنی بر شکست پادشاه پوتالی پو ترا بدست کازهل و تقاضای
(Chen- Tan- Kia- ni- Cha) کا نیشکا از وی خواستار غرامت
گردید و او حاضر شد در عوض این غرامت کاسه قربانی بودا (کهجکول
بودا) را باشواگوسا که یک راهب بزرگ بود ائی و در هین زمان
طبیعتاً یک رهبر دلسوز بود قبول نماید .

۴۷۰ هجری بر فتوحات کا نیشکا درین نقاط روشنی میآید از ند .
معاشرت اسوا گو شا با کا نیشکا یک واقعیت آشکار و شناخته شده
است این فتوحات کا نیشکا که در طی یک زمان طولانی شاید در حدود
۴۰ سال صورت گرفته مرحله به مرحله انجام شده است .

مرحله نخست عبارت است از کشودن هند و بر تخت نشستن او بحیث
یک فرمانروای قانونی کوشانی و این واقعه تاسیس یک دوره که بنام خود
اوشهرت یافته و از طرف جانشینان او ادامه یافته از لحاظ زمانی باهمدیگر
توافق و تطابق میکنند .

فتح هند مرکزی یا ماد هیما دیسا (Madhyadesa) معلوم میشود که
در اولین دم صورت گرفته است .

از مرحله دوم فتوحات امپراتوری کا نیشکا معلوم میشود که
بطرف پنجاب جنوبی و سند توسعه یافته در حالیکه مرحله سوم منحصر میشود
به فتح کشمیر و ختن آخرین نشان میدهد که به تمامیت و
استحکام قدرت او به آسیای مرکزی که قبلاً چند آن مستحکم نبود
آنجا میده است .

او برای فتح هند شاید از همکاری يك یا بیشتر چنان قدرتهائی استفاده کرده که منابع تبتی از آنها سخت گفته و ما نیز قبلا از آن تذکر داده ایم .

این واقعه يك طرح مشا به چندین قرن گذشته نمی چند را گو بست - سورن را به یاد میدهد که بروایت مدرا را الشاسا (Mudrarakshasa) وی از پارا واتا کا (Paravataka) برای فتوحات خود کمک گرفت و سرانجام متحدان و کمک دهندگان نیز جان سلامت نبردند . این مراحل فتوحات کانیشکا را بعد از آنکه معضله پیچیده تعیین آغاز سال عهد کانیشکا را بررسی کردیم مورد بحث قرار خواهد داد

عهد کانیشکا :

تعیین سنه آغاز فرمانروایی کانیشکا و تاسیس عهد يکه بنام خود او شهرت یافته موضوعیست که برای مدت سه ربع يك قرن در بین دانشمندان مورد بحث و دشاجره قرار گرفته است . در پیچ و خم گیج کننده حدسیات و گمان ها و امکانات و احتمالات جائی که يك نقطه مستحکم برای اتکا وجود نداشته انسان در اندیشه میبایستد . خصوصا وقتی دیده میشود که به عوض اینکه این فرضیات معدود گردد دامنه پیدا میکند نظریات متعددی یکی بعد از یکی بطر حمایت از فرضیات سایرین ارائه میگردد - تلاش بخرج داده میشود تا مثلا به کرونو لوژیکی برکتیبه شناسی استوار است و به شواهد يکه از مسکوکات و گنجینه های یافت شده مبتنی بوده و همچنین به برداشت

های که از انواع وتیب های گوناگون صورت گرفته و یا به (با لیو-گرافی) نقاط کاوش شده و آثار از خاک بیرون آورده شده هندو ماورای هند - منابع چینائی روایات و عنعنات شان با لآخره اطلاعات نجوم و هیئت و بسا مطالب و مدارك مشا به مراجعه و استفاد ه میگرد د لازم می افتد تا تمام این منابع و ماخذ را بدون اینکه قبلا چیزی را به ارتباط آن در کدام مورد خاص در ذهن خود پذیرفته باشیم بصورت بیطرفانه سر از نو همه را مورد تجدید نظر و ارزیابی قرار دهیم

مدارك گر و نولوژیکی و کتیبه شناسی :

مدارك ایپی گرافیک توسط اسنادیکه مر بوط و راجع به این نرمانروایی کوشانی و جانشان او یند تدارك و تهیه گردیده است . تاریخ گذاری این کتیبه ها در عهدی نشده که بنام خود کا نیشکا شهرت دارد .

نکته ایکه قابل ملاحظه است اینست که ماه ها و سنوات شکل همگون دارند تقسیم سال بر اساس موسم ها و همچنان سنوات به نصف روشن و یا تاریک ماه نسبت داده نشده بلکه در حالات تمدن و استقامت میباش که این خیلی حایز اهمیت است .

۷-۲- طرقداران نظر به عهد سا کاد رحالیکه ادعای منجی بر کا نیشکا بحیث موسم يك دوره را می پذیرند نظریه مید هند که این همان عهد مشهور سال ۷۸ م بوده است به تاسی از ان نظریه خود آنها نرمانروایی کوشانیها ئیکه در کتیبه سال ۱۳۶ مشهور - تا کسیلا از ان ذکر شده با کا نیشکا یکی میداند . ناحیه یکه این کتیبه از ان جا بدست آمده

و طرح سینه گذاری آن خصوصا قابل ملاحظه است .

طومار نقره ای که دارای کتیبه خروشتی است از طرف مار شال در یکی از دهلیز های سمت غربی ستوپه Dharmmarajika زنه چور بدست آمده است . بر روی آن طرف (کتیبه طومار نقره ای) سمبولی بنظر می خورد که بر روی مسکوکات - کچولا کره کاد فیلس وهما کاد فیلس وزهونیوس Zeionises دیده شده اند .

۲۸ - سینه گذاری این کتیبه در عهد قدیم صورت گرفته و اگر کانیسکا موسس یک عهدی باشد که از سال یکم تخت نشینی او آغاز یافته پس دلیلی وجود ندارد که کتیبه تا کسیلا و چندین اسناد دیگریکه بعد از کتیبه سال ۱۶۸ در موزیم پشاور وجود آمده اند چون در (۲۹) کتیبه ئی سال ۱۸۷ (؟) خلاتیس (Khalatse) (۳۰) کتیبه ظری نقره ئی سال ۱۹۱ تا کسیلا (۳۱) و کتیبه ئی سال ۲۰۰ دیوای Dewai (۳۲) از عهد قدیم بشمارسی آیند و در آنها بر عکس اسناد و کتیبه ها ئیکه به کانیسکا و خاندان او تعلق میگیرند نامهای هر ماه بصورت جداگانه داده شده است . هیچ متدیکه در عهد قدیم سینه گذاری شده باشد بین سال ۲۰۰ کتیبه دیوای و سال ۳۱۸ کتیبه لوریان تنگی Loriyan—Tangai بدست نیامده است و بقرار نظریه خانم لوهو - یزن ووی - لیو (۳۳) این دوره بود که کتیبه های عهد کانیسکا و جانشینان او راد بر میگرفت .

این شاید قابل قبول باشد ولی در باره اینکه این عهد قدیم باست با عهد مشهور ۶-۷-۵-۴-۳م که ایشان بنام عهد ویکراما یا کریتا

Krita شهرت یافت توائق کنندگان دشمنان هم‌نواپی دارند .
 اگرما فرمانروایی کوشانی کتیبه طوماری تا کسیرا را با کانیسکا
 یکی وعهد او را با عهد ۷۸ میلادی ساکا یکی بدانیم مشکلات کرو نولو-
 جیکی به حدی خواهد رسید که از ارائه آن غیر ممکن خواهد شد کتیبه
 مورخه ۹۱ (۳۵) ۱۳۳ جیهونیکا Jihanika که از تا کسیرا بدست آمده
 بذات خود درباره اینکه او یک فرمانروای مستقل و پر قدرت بوده
 و با لقب راجان از او نام برده شد و سکو کاتی را بنام انتشار داد
 تمام حمایت و تأیید میکند - بنا بر این این سوالیکه او (کانیسکا)
 بر تا کسیرا و نواحی دور و بر آن حکومت رانده تمام محل گردیده است .
 از طرف دیگر کتیبه مورخه سال ۱۰۵ هوویشکا (۳۶) از وردک دال
 بر اینست که این فرمانروای کوشانی حتی تا به (۳۰) میلی غرب کابل
 نیز حکومت کرده است و اگر این را بتاريخ ۷۸ م عهد ساکا بدانیم پس
 امپراتوری هوویشکا در سال ۱۲۹ تا به انغا نستان توسعه یافته بود
 بنا بر این جیهونیکا بحیث ما دون کوشا نیها حکومت میکرد
 و قسمت های غربی امپراتوری کوشا نیها را خود تصاحب کرده بود .
 متأسفانه هیچ یکی از این دو احتمالات قابل قبول نیست از
 عهد کانیسکا و جانشینان او ما چندین نفر کشا ترا پاها
 و مها کشا ترا پا های کوشانی را میشناسیم
 که نامهای آنها عبارت اند از خراپالانا (Khrapallana)
 و اناشپارا (Vanash para) از کتیبه سرنات (Sarnoth) ۳۷ لایکا
 (Liaka) در کتیبه زیادا (Zade) (۳۸) و پسپاسی

(Vespassi) در کتیبه مانیکیالا (Manikiala) (۲۳۹) کشا تراپای کاپیسا (۳۰۰) پسر کشا تراپاواناوپا کا (G (r) anavhryaka) که نام او در کتیبه می هندو قچه برنجی زیورات مانیکیا لا ذکر شده است . اینها هیچکدام سکه انتشار داده اند گرچه در دو دور نام فرما نیز ذکر شده است .

علاوه بر این مسکوکات زینوس (Zeionises) (۳۱۰) که بدست ما رسیده موقعیت او را بعد از ویما کادفیزس پیش از کانیشکا قرار میدهند . و برای اینکه از سر هم افتادن ها (تیرویر) جلوگیری شده باشد کانیشکا را بایست در قرن دوم میلادی جای دهیم يك مثالیه از سر هم افتادهای کرونو اوچیکنی (زمانی) از آنجا نشئت کرده است که کانیشکا را درحالیکه در قرن دوم میلادی جای داده اند آنرا معاصرو درادمان (Rudradaman) هم دانسته اند . کتیبه بزرگ که از مقام جرنار (Girnar) بدست آمده (۲۰۴) و در سال (۷۲) (۱۵۰ م) تاریخ گذاری شده در آنجا نه نامی از کدام حکمران مافوق برده شده و نه عهدی را که بکار برده به قرن دوم نطق میکند بلکه به عهد ساکا در ۷۸ م .

گرچه لقب راجان مهاکشا تراپا را که او خود این مقام را بدست آورده بود بکار نمیرد . ساوایام ادهی گانادها کشا تراپانامنا (Svayam—adhigata Mahakshatrapanamna) ولی اوتحت اثر و یا تیولدار کدام فردا نروای بزرگ دیگر نبوده بلکه خودیک پادشاه کاملا مستقل و خیل مقتدر بود . او نیز ادعا میکند که بریهو دیها

(Yahudheyes) که بر سواحل جنوب رود ستلج می زیستند و این ناحیه تقریباً در مرکز قلمرو وسیع کا نیشکا واقعیت داشت پیروز گشته است علا و نا در سال ۲۸ عهد کا نیشکا و اسیشکا (Vasishka) در یک کتیبه که از مقام سانچی (Sanchi) ۳۳ بدست آمده بحیث یک امپراتور ازو ذکر شده است. درین صورت برای بدست آوردن یوجن (Ujjain) ضرورتاً مبادیاتی با ساکاها صورت گرفته است .

برای اینکه مشکلات را از سر راه بر طرف کرده باشیم بایدست بپردازیم که کا نیشکا بعد از ورود ادا من آمده است کتیبه سوی و یهار (Sui—Vihar) در سال یازدهم عهد سلطنت او تاریخ گذاری شاه است . اگر بخت نشینی کا نیشکا را در سال ۳۳ ام بدانیم گمان غالب او باید ناحیه بها و پور را در وقتیکه رود را دامن زده نبوده و جا نشینان او یارای مقاومت را در برابر او نداشته اند کشوده باشد . عین مسئله را میتوان در تصرف سانچی بدست و اسیشکا درست پنداشت که چنانچه معتقدیم که او و جیشکا و Vajheshka پدر کا نیشکای کتیبه آرا بدود مان کوشا نیهای بعدی تعلق بگیرد . گزارش کتیبه سانچی سال ۲۲ در باره اسکوشا نا Vaskushana (۳۳) که او یک راجان و نیز قابل ملاحظه است مادر باره این مشکل بعد از جای خود شرح صحت خواهیم کرد

شواهد سکه شناسی :

این شواهد اکثرآ منحصراًست به گنجینه مسکوات حکمروایان کوشا نی که بدست آمده اند (۵۳) و نیز یک عدد مسکوات تیکه

سنوات آنها یا روشن و یا نزدیک به روشن شدن است. تیپ طرح سکه ها نیکه از طرف حکمران یا ن انتشار یافته و تقلید هائیکه در آن صورت گرفته و ارزش و وزن آنها که تا کدام اندازه در تجارت و تبادلات رول داشته و استعمال خط شکسته یونانی در سی مسکوکات این همه مهم قابل ملاحظه است.

گنجینه ای که استوپه آهن پوش Ahinposh (۶م) بدست آمده گر چه آنقدر بزرگ نیست ولی در مورد تعیین سنوات دوره کانیسکا کمک شایانی مینماید. این سکه ها شامل ۴ عدد از ویما کاد فیزس (۱۵) عدد از کانیسکا و یک عدد از هوویشکا میگردد که وضع خیلی ها خوب دارند و ۳۶ عدد سکه های رومن که یک یک آن باین سه نفر استاتور از قبیل دو دیتین Domitian (۹۶-۸۱) م ترا جان Trajan (۱۱۷-۹۸) و سابینا Sabina (۱۳۸-۱۳۷) تعلق میگردند نیز قابل ذکر اند.

این سکه ها غالباً توسط تجاران با اینجا آورده شده اند و چنین پنداشته میشود که بعد از سال ۳۷ م در زمان هوویشکا دفن شده باشند. این مسکوکات قبل از آنکه دفن گردند برای یک مدت زمانی شایده بین ۲۵ و ۵۰ سال و یا کمتر از آن را در بر گرفته که تا با اینجا رسیده اند. این موضوع کانیسکا پدر و سلف هوویشکارا در قرن دوم میلادی چیزی بعد از سال ۱۲۰ قرار میدهد و از طرف دیگر کنیدی میبندارد (۷م) که این یک تضاد محض است که هوویشکا در ستوپه آهن پوش دیده میشود این مسکوکات مانند مسکوکات رومن ها یا جواهرات

یادگارها و سایر اشیای قیمتی و یک مجموعه از تحفه ها در ستوپه جای داده شده اند. این استدلال کنیدی از طرف توماس (۸/۴) چنین تعبیر شد که او خواسته است واقعات روشن را در ابهام و تاریکی بگذارد وجود سه عدد نسه رومن با سکه های هوویشکا و اسلاف او در ستوپه آهن پوش خواه بطور تحفه و یا غیر از آن بوده این را یقینی میسازد که ستوپه مذکورها در وقت حیات و یا بعد از مرگ هوویشکا تعمیر گردیده است.

عوامل دیگر یکه از مطالبه مسکوکات کانیسکا و جانشینان او استنباط کرده اند عبارت اند از القا بیکه بر سم الخط یونانی نگاشته شده اند وزن مسکوکات و نفوذ خارجی بر آنها این عوامل از طرف کسانیکه از تیوری عهد ساکا و ویکراما جا نبداری میکنند به تفصیل مورد ملاحظه قرار گرفته است وزن مسکوکات طلایی گروپ کانیسکا به معیاری تطابق میکنند که در روم پذیرفته نشد بود در مسکوکات هوویشکا که حرف (H) دیده نمیشود گرچه در دیگر مسکوکات او وجود دارد هر دو نوع آن تحت تاثیر رومن ها قرار گرفته اند.

۹۴ - استعمال خط والقبای یونانی از طرف کانیسکا و اخلاف او بر روی مسکوکات نیز از طرف این عده از دانشمندان مورد توجه و ملاحظه قرار گرفته است.

۹۵ - برای تعیین سنوات کانیسکا به استدلال مبنی بر مطالبه مسکوکات آندوره اکنون کهنه شده و از مورد افتاده است. از

لحاظ سکه شناسی درین مورد نکات دیگری وجود دارد که با یست بدان اعتناء گردد مثلا تقلید مسکوکات کوشانیها از طرف ساسانیها و از حکمرایان گوپتا های پیشین و از طرف دیگر میتوانیم فرض کنیم که فاصله زمان بین کوشانیها و گوپتاها آنقدر وسیع نبوده طوری که آنه از مورخان نیکه فکر میکنند که آن دوره یک دوره تاریکی از تاریخ قدیم هند بوده است .

در مورد شواهد سکه شناسی لازم است به تفصیل سخن گویم جی تا تیل G. Botaila در یکی از مقاله های خود (۵۲) دوره مسکوکات واسو دیوارا در حدود ۴۲۰ م میهندا رد (۵۳) و علاوه میکند که این سهل است گفته شود که این مسکوکات واسو دیوارا و ساسانیها تفاوت زیادی و بود ندارد و در نتیجه مشکل است که این دو نوع مسکوکات را به دو گروه تقسیم کنیم . فرق این آنها در خصوصیات عمومی است شاه طرف راست و شیوا Siva در عقب سکه قرار دارند و موهای مجعد از تیپ ایرانی ریش و موهای د راز سر افتاده برگردن و شاه با خود ویا تاج ساسانی بر سر نهاده است .

و تمام مسکوکات واسو دیوارا و شیوارا نشان میدهد که ویش دارند و بر پشت سر خود موی انبوه و افتاده ندارند .

مؤلف خاطر نشان میکند که سلسله مسکوکات واسو دیوارا همگونی خود را با مسکوکات کاشیچکا و هویشکا حفظ کرده اند . او یک سکه را مورد توجه قرار میدهد که به شکل فرق میکند با سکه های واسو دیوارا خیلی با هم شبیه است به استثنای رسم الخطی که نشان میدهد باید از

هورمز دای اول بوده باشد که قبل از ۳۷۲ یعنی قبل از تاریخ جلوس او بر تخت ساسانی پادشاه خراسان بوده است. و این خراسان در اوایل سال ۲۳۰ به است اردشیر انتح گردیده بود سلطان اردشیر در مسکوکات خود ساخت آخرین سلطان این کشور بوده که اردشیر در مسکوکات خود چهره واسودی و او را بطور آشکارا تقلید کرده است. هرزفیلد (Herzfeld) که مسکوکات اندوساسانی را خصوصاً بدقت مطالعه کرده است میگوید که شهزاده گاناقب (کوشانا - شاهنشاه) را از تاریخ ۲۳۰ تا به ۲۳۸ م در مسکوکات خود بکار برده اند (م.ه) نایب السلطنه های ساسانی در خراسان که مسکوکات کوشانی را تقلید و کاپی نموده اند شامل پرویز برادرشاه هپور اول دیگر داد که او مسکوکات نقره ای و برنجی نوع ساسانی را ضرب نموده در بعضی از آنها چهره بودارا نقش بسته است.

از سال ۳۰۴ تا به حدود سال ۳۷۳ هر دوازده نوع مختلف المرات سکه ضرب زده که قسمتی از آنها مخصوص نوع ساسانی و قسمت دیگر آنها از مسکوکات نوع کوشانیهای محلی بشمار میروند. ضرب چهره های کوشانیها بر مسکوکات بعد از ۳۷۳ توسط وهران (Varharan) اول دوم و سوم دوام نمود (م.ه) بقرار قول گرشمن (Ghrishman) مسکوکات واسودی و آخرین مسکوکاتی بود که از بگرام بدست آمدند (۳۶۰ م.ه) این شهر را شاه هپور اول بین سالهای ۳۰۴ و ۳۰۵ بار دیگر بدست آورد.

گرشمن میگوید که اگر واسودی و این سالهای ۳۰۷ و ۳۰۸ حکومت کرده تا سپس - عهد کاشمشکا در حد و د سال ۳۱۳ م واقع شده است

۱ و ادعا میکند که منابع تاریخی بکمال دقت و سهولت واقعیت های سکه شناسی و باستان شناسی را ناآید میکنند. یک متن چینی نامی سان-کود تی-چی (San-kouo-teche) از یک پادشاهی بنام پوتیو (Po-tio) ذکر میکند که شاید واسود یوا بوده باشد که او در سال ۳۰۰ سفیری را به چین فرستاد و اقبال لقب (پادشاه یو چیهای بزرگ) رادر یافت گاهی این پوتیو تصور میشود که با وهسا دان (Vehsadjon) یا ویهاد جن (Vehsadjan) یکی بوده باشد که وی بکا نقرانس خسروی اول ارمنی در مقابل اردشیر که برار با تان Arbatan پیروز گشته بود پیوسته است. این مبحث رادر طی صحبت از کاوشهای باستان شناسی کرشمن در بگرام دنبال خواهیم کرد شواهد سکه شناسی تا جائیکه به هندارتباط میگيرند اکثر مبنی بر مسکوکات حکمرانان دودمان گوپتا میباشد که آنها در مسکوکات معیاری خود از نوع سکه های کوشانی تقلید کرده اند. بقرار نظریه سمت (۷۵) مسکوکات طلایی پادشاهان اولین گوپتا مبنی بر مسکوکات کوشانیها و سرانجام مبنی بر پول رومن ها بوده است.

آنها به پیروی کوشانیها در وزن و معیار سکه های خود از Aurei رومن ها تقلید کرده اند.

این تقلید از شکل نمایان شاه که در يك قرن با نگاه هدیه تقدیم میکنند و بالا پوش و شلوار چسپ و دراز در بر دارد طوریکه در مسکوکات کوشانیها دیده میشود کله شاه با هاله احاطه شده و بطرف چپ هلال بنظر میخورد تعقیب و درك شده میتواند نام بشکل راست و

عمودی نوشته شده و در دست چپ شاه بیرقی قرار دارد که بایک فیتد و نوار طوری که در مسکوکات کوشانی دیده میشود بسته شده است و در عقب مسکوکات معیاری تقلید روشنی از نوع مسکوکات اردو کسو (Ardoxo) بنظر میخورد. (۵۸) پس اگر حکمروایان گوپتا در وزن و نوع سکه های خود از کوشانیها تقلید کرده باشند طبعاً خلافاً صلبه زمانانی بین حکمروایان آخرین دودمان پیشین و موسس دودمان بعدی بایست بسیار طولانی نباشد.

مانند نمونه های داریم که حکمر وایان جانشین بعدی حتی نام خود را بر مسکوکات سلف خود و یا بر مسکوکات کدام دودمان سلطنتی دیگر نقش بسته اند بطور مثال گو تامی پوترا سانا کانی (Gautamiputra Satakarni) که نام خود را بر مسکوکات آنها پنهان گاشته و درین صورت از احتمال بعید نیست که کسی از مسکوکات دودمان قدیم و کهنه تقلید کند که (۱۰۰) سال قبل حکومت میکردند است ما معتقدیم که شواهد سکه شناسی بکوشانیها و گوپتاها را طوری که تا کنون تصور میشد برعکس آنها با هم نزدیک میسازند.

سمودرا گوپتا (Samudragupta) اشاره میکند به دیوپوترا شاهها نو شاه (Daivaputra shahani shahi) لقبی که حکمروایان کوشانی خصوصاً بقایای کوشانیها آنرا برای خود نگار برد اند. ولی ما نمیتوانیم بگوئیم که دودمان سلطنتی بدون نام و نشانی برای مدت ۱۰۰ سال وجود داشته است.

بنا بر این خیلی محتمل است که خاندان کانیسکا از میان قرن

دوم تا میان قرن سوم میلادی حکومت کرده باشند و به تعقیب آن کوشا نیهای بعدی که آنها نیز در حدود ۷۰ سال حکمروایی نمود، اند و همچنین معاصر بودن حکمر وایان کوشانی با سود را گویند صرف نظر از اینکه سلطنت آنها چقدر خرد نیز بود تا آنکه میگردد.

باستان شناسی هندی و هنر گندها را:

باستان شناسی هندی خصوصاً کاوشهای مارشال در تا کسیرا (۷۰) عاقبت الامر مشاجره ای را که بر سر قدامت کاشیکا بر خاندان کاشیکان فیزس ها نخست از طرف کاشیکان و بعد از کاشیکان و قلمت بر اه انداخته شاه بود و آنها کاشیکا را در سال ۸۰۰ ق.م قرار میداد حل و فصل گردانید. گزارش سرجان مارشال شایستگی آنرا در مدار اعتبار قرار گیرد و منحصراً يك ایصه آخرین شناخته شود. سرجان مارشال میگوید مواد اولی و عمده ای که در تعمیر ستوپه پیشوا و متعلق به کاشیکا بکار برده شده همانند تا کسیرا میباشند در هر صورت در عهد سا کاشیکا پهلوانا آشنا بوده ولی در تعمیرات قرن دوم میلادی آنجا نمونه های همگون آن دیده میشود و علاوه بر این میکند در مانیکیا لاستوپه بزرگی که در عصر هو و شیکا بنا گردیده از هر لحاظ بان شباهت دارد.

ستون های چهار گوشه قد کوتاه و سرستونهای فاسد شده کورنتین corinthion و طبق هموار گچی در زیر ستونها و خشتهای دندانها در هندی و امشاهم که از تعمیرات قرن دوم و سوم میلادی در تا کسیرا نمایندگان (۷۱) مارشال میگوید که طبقه بندی

و نوع مصالح تعمیراتی گواهی بر اینست که این ستوپه‌ها را متعلق به قرن دوم میلادی به‌شماریم. روابط و تعلقات کانیسکا با هنرگندها (۲۲) نیز نمیتواند در تاریخ گذاری کانیسکا بما کمک قابل ملاحظه برساند.

قرار نظریه اشال یکبار دیگر جعبه جواهر یا دگاری با یک کتیبه از کانیسکا که از طرف کنتو (۳۳) در سال یک تاریخ گذاری شده گرچه یقینی است ولی بایست به زوال و یا حتی بدوره اخیر هنرگندها را ارتباط داد، شود.

ما اشال باین عقیده است که هنرگندها را تحت امپراتوری کوشانیانکشاف و توسعه نکرد. است بارنت (Barnett) ۳۴ معتقد است که کانیسکا با شروع هنرگندها را پیوستگی دارد.

در حالیکه سمت (۳۵) میگوید که هنرگندها را در عهد کانیسکا به اوج کمال خود رسید.

سپوئر (spooner) و وگل (Vogel) می‌انگازند که دوران شگوانانی این هنر پیش از اینکه کانیسکا روی کار میاید سپری شده بود فوچر (Foucher) (۳۶) میگوید که کانیسکا در میان دوره این هنر قرار داشت حال آنکه وادل (Waddel) ۳۷ بر این متیقن نیست و برای این شک دارد که اگر طرح نا پخته داشت و کار خام کار دیگر سکه‌ها و جعبه جواهرات کانیسکا قرار یک سمت دریا فته در نظر گرفته شود.

ما نمیتوانیم پایه ستون هشت نفرو پایه ستون لوریان

(Loriyan) و مجسمه هریتی (Hariti) را در شکر دره که این همه کتیبه های دارند که بترتیب در سالهای ۳۱۸-۳۸ م ۳۹۹ و عهد قدیم تاریخ گذاری شده در نظر بگیریم اینها همه در طرح و سبک خود خوب اند. ما میتوانیم فرض کنیم که براساس جواهرات یکبار از لحاظ هنر در سطح خیلی پائین قرار دارد و مسکوکات کوشانی که نسبت به دودمان های حاکمه یونانی و پارتی قبلی شمال غربی بدترانه این هنر در حال انحطاط و بعد از کوشا نیها بار دیگر احیا گردیده است. این مشکل است که سنه کانیسکا و تعلق او را با هنر گندها را بطور یقینی و صریح تعیین کنیم نمیتوانیم که راجع به جمعیه ای جوهرات یکبار از اشیا مختلف ساخته شده قضایوت نماییم. چنین برمی آید که کانیسکا در دوران شگوفانی هنر گندها را قرار داشته نه در دوران زوال و انحطاط آن

کاشها در بگرام و سایر نقاط :

کاشها در بگرام (۶۸) کاشهای قدیم در افغانستان در سال های ۱۹۳۷-۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ م توسط هاکن Hackin آغاز گردید و پسان در سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۲ حقایقیکند در نتیجه کاشهای گرشمن ghirshman بدست آمده برای تعیین سنه کانیسکا ارزش زیادی دارد. این دانشمند فرانسوی از سه طبقه گزارش میدهد. طبقه اول یا قدیمترین متعلق به دوره ای قبل از کوشا نیها میگردد زیرا مسکوکاتیکه درین مرحله بدست آمده شامل مسکوکات فرما نروایان شاخه سپالیسیس spalirises گریکو باختری دیگر دداز قبیل

یوکراتیڈ (Eucratides) دنا ندر (Menander) ہلیو کلس (Heliocls) اپوآودوٹس (Apollodotus) و ہرما یوس (Hermaeus) .

و نیز شامل مسکوکات شاہان از گروہ پستی پار تی Scytho—Parthion ازبس (Azes) گا ندو فرنس و اباد گامیس (Abadagasis) میشود و همچنان مسکوکات دو فرمانروای اول کوشان کجولا نداد آیزس و ویما کا د فیژس را نیز در بر میگیرد .

طبقه دوم حاوی مسکوکات کا نیشکا هوویشکار و اسود یو امیبا شد مسکوکات فرمانروای آخر این مرحله با فتوحات شاہپور کہ کتیبہ او بر دیوار کعبہ زردشت یا مقبره زردشت نزدیک پرسپولس در نقش رستم نقر شده همزمان میباشد .

این کتیبہ بقرار نظریه مؤلف اجازه میدهد کہ بدون شمعہ پایان شهر دوم - کا پسا بگرام دودمان دوم کوشانی تعیین گردد . شاہپور اول سلطنت کوشانیها را فتح کرد و شهر پشا ورو همچنان قلمرو کوشانیها را در گند و غیره اشغال نمود .

گرشمن دینویسد کہ بدون شبہ و بطور یقین استنباط شده میتواند کہ شهر دوم بگرام در این گیرودار تخریب گردیده و ستمه آنرا میتوان بین سال جلوس شاہپور اول (۲۴۱ م) جنگ دوم بر ضد رومن ها در (۲۵۲-۲۵۱ م) پناشته رشتہ سوم و آخرین مرحله مسکوکات کہ از شهر دوم بگرام بدست آمده اند متعلق به اسود یو آخرین فرمانروای خاندان کا نیشکا میباشد .

بقرار نظریه ساوانت (Sarvant) فرانسوی (۹) این موضوع را یک

متن چینائی بنام سان-کوتو-چی San-kouo-teche نیز نا‌ذیه می‌کند که نامی از یک سلطانی بنام پو-تیاو (Po-tiao) می‌برد که چینائی شناسان او را با واسودیوا - که در سال ۲۳۰ سفری به چین فرستاده بود یکی میدانند و این همان شخصی است که از طرف موسس Moses ارمنی بنام رهساجان Vehsadjan سلطان کوشانیها ذکر شده است. و درین جای شك و شبهه نمی‌ماند که نام این همه سه منبع از یک نفر یعنی از واسودیوا گپ می‌زنند بنا بر این انجام و پایان کار این خاندان کوشانی که نیشکارا میتوان بین ۲۴۰ و ۲۵۰ میلادی قرار داد. چون سند آخرین واسودیوا در سال ۹۸ سنه گذاری شاه پس جلوس نیشکارا میتوان بین سالهای ۱۰۲ و ۱۰۴ م دانست. در یک مقاله بعدی خود گرشمن درین مورد کمی به صراحت گپ می‌زند (۷۰) و می‌گوید که جلوس نیشکارا سال ۲۰۱ عهده دوم که از ۷۰ م ق م) آغاز یافته با یست شمرد. و اگر ایتطور شود پس این سنه به سال ۱۰۱ م تصادف و تطابق می‌کند.

گرشمن اظهار نظر می‌کند (۷۱) که اگر کسی از پاروپامیزاد به باختر و ناسغانه یا نه بر دازشش نقطه مهم تاریخی عبور می‌کند که بلا شك از لحاظ باستان‌شناسی و سکه‌شناسی يك وحدتی بین آنها محسوس خواهد کرد آن نقاط ازین قبیل اند.

بگرام سرخ کوتل قلعه مرکزی و بد kai-kobeed نامی قبایلی (ایر نام ترمز) Airtam-termez و تالی رزو (Tali-Barzoo) نزد يك سمرقند در هر یکی ازین نقاط تاریخی شهر (ها) کوشانیهای بزرگ

یا تخریب گردیده و یا در زیر توپ‌های خاکستر مرده و نا پذیر گشته اند. ولی بعد از شهری شدن مدت زمان کوتاهی شهر با رددیگر احیا گردیده و شهر دیگری برخرا به های آن (بجز در ایرتام ترمز که در عهد دودمان سوم و یا آخرین کوشانی ترک داد شد) سرافراشته اند اگر شکست و ریختن سقوط و بعد سرخ کوه تل و گرد و نواح آن در نتیجه فتوحات اردشیر اول پنداشته شود تخریب نقاط دیگر در جنوب هندوکش چون بگرام و در شمال (اکسوس - در سغدیان) با بست از درک واقعیات تاریخی ای که در کتیبه کعبه زردشت شاهپور اول داده شده است مطابقت نمود.

ادهراتوری کوشانیها بر اثر فشار ساسانیها که در دوران اردشیر اول آغا زودر زمان شاهپور اول پایان یافت یعنی در مدت (۲۰) سال سقوط نمود و جمع به سقوط ادهراتوری کوشانیها و توسعه نفوذ ساسانیها در اطلاعات و تاریخ کتیبه شناسی ایران نیز از طرف اسنادار کیا او جیکی در تمام ساحات نامید می گردد. بعضی از دانشمندان برگزارش گرشمن که میگوید بگرام از طرف شاهپور گشوده شده است انتقاد میکنند و می گویند که او شاهپور نبوده بلکه اردشیر بوده است (۷۲) و دوم اینکه پوتیو (Po-tiao) سال ۲۳۳ تا ۲۳۴ میلادی که با واسود یوای دوم از خاندان کوشانی های بعدی یکی بوده باشد.

اینها دو نکته مهم و شایسته است بین دانشمندان اگر نظر به گرشمن پذیرفته شود پس کاشیگا بتاریخ سال ۲۳۳ م بر تخت جلوس کرده است.

ما قبل از کرده ایم ۷۳ برای آنکه از يك تصادم بین کاشیکا و رو در امان جلوگیری کرده با شیم و رو در امان که سال ۷۴ عهدها کا ۱۰۰ میباشند یعنی بوده و در این صورت کاشیکا بعد از دو ربع دوم قرن دوم میلادی قرار میگیرد.

و موقعیت واسیشکا (Vasishka) که ما او را متعلق به خاندان بعدی کوشا نیان میدانیم نیز واضح خواهد شد بدون اینکه تصادم او با حکمرانان یا نیاکان ما که بر سر نواحی ملو امکن پنداشته شیبود. این نکته را ما بعداً بتفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد و برای فعلاً باید بگویم که دانشمندان غربی توافق نظر دارند که کاشیکا را در قرن دوم میلادی قرار دهند حال آنکه مورخان هندی بطور عموم درین مورد از احتیاط زیاد کار میگیرند. مشکل است کسی بتواند با صور خشک متکی و پابرجا باشد. ولی پهلوی هم قرار دادن حقایق و شواهد و ارزیابی آنها ممکن است انسان را درین مورد به حقایق بسامانند و یا نزدیک سازد. مساهنوز معلوم است نجومی دانشمندان را درین مورد و همچنان عنعنات چینائی و تذکرات منابع بعدی راجع به کاشیکا را قابل اعتنا و ملاحظه مینمایند.

اطلاعات نجومی:

اطلاعات نجومی از بعضی از اسناد زمان کاشیکا از طرف بعضی از دانشمندان چه هندی و چه غربی مورد مذاکره قرار گرفته است (۷۴) ولی بدون اینکه بکدام نتیجه برسند.

سن گوپتا P.C. Sengupta. هزس خود را باین محاسبات وقف نمود

بقرار نظریه او عهد کا نیشکا (۷۵) از ۲۵ دسامبر سال ۱۹۷۹ . و یا از سال دوم عهد ساکا آغاز گردیده که این نظریه تمام شرایط و حالا تمکه از اطلاعات کتیبه های خروشتی گروپ بیستون کتو بیر و ن آمده قانع کننده میباشند .

او علاوه میکند که کا نیشکا در آغاز عهد ساکا میزیست رامین و ارست که تمام مؤرخان خوب آنرا تأیید خواهند کرد . همان اطلاعات قبلا از طرف موکر جی D. N. Mukharjee (۷۴) نیز بکار رفته و با این نتیجه رسیده بود که عهد کوشانی با کا نیشکا آغاز یافته با یست با سال ۷۰ ق م عهد و یکر اما یکی پنداشته شود . طوریکه میبینیم این هر دو عین اطلاعات را بکار برده اند و درین صورت چگونگی میتوانیم این دو نظریه متفاوت و متضاد را با هم آشتی دهیم این شایسته نیست که کسی یک نظریه را بر روی اطلاعات محض نجومی ارائه دهد و همچنین این حادثه عجیب بعد از چندین سال دوزدن باردیگر بوقوع پیوسته است .

درین مورد بد نیست چندی از شوترا های Sutras پائینی را از اشتاده یائی Ashtadhayayi در اینجا نقل کنیم .

شوترا اول چنین میگوید: « سامین پورتا ماسی ایتی ۲ - ۲ - ۳ Sasmin Purnamasiti این جمله چنین شرح میدهد که ماه پوشا Pousha آنست که در آن پوشیا نا کشا ترا Pushya Nakshtra بر ما کامل حتما می افتد این حادثه هر سال بوقوع می پیوندد . نام گذاری ماه بر اباس تا کشا ترا بالای ماه کاهل نیز در مورد چیا ترا Chaitra

کاملاً صدق میکند ولی بهر حال اطلاعات نجومی به سختی میتوانند درین مورد اذک کمکی برسانند.

ستین کنوایه همکاری وان - و جک Vanwijk بهجاسمات نجومی پرداخت و کوشید که سال اول عهد قدیم ساکا را تعیین کند ولی نتیجه قانع کننده نگرفت و این کار در مورد تعیین سال اول کانشیکا براساس اطلاعات نجومی اسناد عهد کانشیکا نیز خیلی دشوار و بی نتیجه است زیرا شواهد غیر قابل اعتماد اند.

منابع چینائی :

دربار کانشیکا مستر لیوی M. Levi اطلاعات ارزشمندی را از متون
 چینائی جمع آوری کرده است (۷۷) کلهنا ما ندیتی کا Kalpanama nditika
 کومارا لقا (Kumaralata) در ترجمه چینائی آن که محتملاً بعد از فرما
 نروا هی کانشیکا تالیف شده باشد درخا ندان کیشا (Kiu—sha) اشاره
 میکند به چن تان نی چا (Chen—tan—ni—cha) که او تونگ تین چو
 (Tung—Tien—cho) را فتح کرده و مملکت را مطیع خود ساخته و
 بقرار نظریه هو بر (Huber) ولیوی این کشور عبارت بود از هندو شرقی
 شهرت فرمانروا به پیمانیه وسیع بهر طرف یعنی بود و عاقبت الامر او را
 را هیکه از سرزمین وسیع و هموار میگذاشت به کشور خود مراجعت نمود.
 ما قبلا راجع به یکی بودن چین تان (chen—tan) با چا ندا نا
 (chandana) که یک نام قدیمی است بر ای ختن براساس
 نظریات سارات چندنا س (sarat chand das) صحبت کردیم.
 ستین کنواین گذارش را با گذارش مهاراجا کانی کالی کا

کانیشکا را از نژاد کوسا (Kusa) می‌اند می‌نماید. مقایسه می‌کنند و اظهار نظر می‌نمایند که کانیشکا از ختن بر خاسته است (۷۸). بقرار نظریه پرو فیسور فقید ناروژی این مطلب از دو منبع استنباط شده است که گفته می‌شود کوشا نیهای هندی کمی بعد از مرگ ویما کاد فیزس تلاش کردند که برای استیلا و موقوف و موقعیت خود دست اتحاد پسران عموی خود را در مایرا با میر قشارندی در نتیجه قدرت کوشانی به پیمانان و سیح بزرگ و مستحکم گردیدند. و عهد جدیدی را بپیمان آوردند که ممکن در ترکستان و هند هر دو بکار برده شده باشد.

(۷۹) سیلویین لوی (sylvainlevi) یک ماخذ دیگری را را جمع به کانیشکا و امپراتوری و سیح اوار تاریکی بروشنی کشیدند. سنگهارا کشا (sangharaksha) یک ملا امام سلطان کوشانی که از باشندگان اصلی سورا شترا (surashtra) سولی یا سولی نا Sio—Lai (siu-lai-na) بود. ۷۰ سال بعد از بود زنگی میگردید که گدهارا (kien-to-yue) رفت کانیشکا را بد بختند. ولی دید که او (کانیشکا) به شمال غرب رفته و با امپراتوری چین در پیکار است. تصادم کوشا نیه با چینایی ها نیز از روی ماخذ فتوحات نمایان بان چاو (pan—chao) و بان یونگ (pan-young) استنباط شده است. پیشنها د از دواج سلطان کوشانی از شهزاده خانم چینایی تو سب یک سفیر و بازداشت سفیر و اینکه در قبایل آن (sei) با اقدامات جنگی پرداخت و عاقبت الامر شکست خورد و بالاخره پیشنها د باج و خراج بدر بار چین اینهمه واقعات از طرف بعضی از دانشمندان تصور میشود که این سلطان

کوشانی عبارت بوده از کانیشکا و تمام این واقعات در سال ۹۰ م
بوقوع پیوسته اند.

(۸۲) ولی ما این پهلوی از روابط کوشانی چینائی را به وینا
کادفیزس نسبت داده ایم و این باره از شواهد نه برسنوات کانیشکا
روشنی می‌اندازد و نه اها نمی‌به امپراتور کوشانی از آن استنباط
میشود اینکه همیشه هم (۸۳) که کانیشکا تمام ولایات همسایه خود
را تحت قهادت خود در آورد و مردمان ممالک دور را به اطاعت خود
و اداشت و از نقاطیکه او بر اثر توجه استثنائی و مهربانی و دلجوئی
خود آنها را بخود جلب کرده بود از آنجاها تحفه‌ها و برغمل‌ها
بدر بارش می‌رسید البته عکس آن گزارش‌ها نیست که قبلا شنیده بودیم
گزارش‌های هیرون تسنگ Hiven—Tsang در مورد قدرت و وسعت امپراتوری
کانیشکا نسبتا معتبر پنداشته میشود.

ولی حتی او هم نمیتواند در باره تعیین سنه کانیشکا بصراحت
چیزی بگوید و لوی از يك منبع چینائی بنام (Fa-tsang-yinyuan-chuan)
نقل قول میکند که در آن يك روایتی گزارش یافته که میگردد
کانیشکا در ضمن يك لشکر کشی بطرف شمال بقتل رسید.

۸۴ - پروفسور لوهو یزن - دی - لیوو (۸۵) میدهد که این لشکر
کشی همان است که از طرف پان - جاو گزارش داده شده و چنین يك
السانه از طرف هیون تسنگ نیز گزارش یافته است.

اچ سی گهوش (H.C.ghesh) توجه ما را به يك گزارش معطوف میدارد
که در متون دوازده گانه چینائی ثبت شده و توسط ماسپرو (Maspero)
ترجمه گردیده است در این گزارش گفته میشود که امپراتور مینگک

(Ming) بود او در خواب دید و متعاقباً سفیری به هند فرستاد که این واقعه ضرور باید بین سالهای ۱ و ۳ و ۷۵ رخ داده باشد. کانشیکا درین متون بنظر نمیخورد بقرار نظریه او منظور از پادشاهی تا - یوچی (Ta-yueh-Chi) یقیناً کانشیکا نیست :

متون بودائی هیچگاه این فرصت را از دست نداده بود که نام امپراتور بزرگ را در مورد ورود رسمی بودیزم در چین ذکر نکند یعنی آن متون حتماً نام آن امپراتور بزرگ را اثبات میکرد اشاره آخرین در سان - کوی - چی (san-kuo-chih) بخش وی - چی (wei-chi) فصل سوم صفحه سوم راجع به پوتیو (Fo-tiao) است که او سفیری را در سال ۲۳ به امپراتور چین فرستاد و در قبایل آن لقب پادشاه تا - یوچی را دریافت بقرار نظریه چاونیس (۸۷) پو - تیا او توجه احسن به واسودها - تعبیر شده میتواند و اگر چنین باشد این ممکن خواهد شد که شروع سنده همدکانشیکا در حدود سالهای ۱۳۰ و ۱۷۰ م یقین شود (۸۸) گرشن این پاره از شواهد را در تعیین همدکانشیکا در سال ۱۴۱۱ میلادی معتبر میشمارد (۸۹) آنها يك کانشیکا را با عهد ساکا در سال ۷۸ م مربوط میدانند این حکمروا را عبارت از واسودها دوم از خاندان بعدی کوشانی می پندارند .

۹ - با نکای این نکته ممکن است قدرت و شجاعت و وسعت امپراتوری

کوشانیهای بعدی تا تأیید گردد .

به استثنائی تا تأیید کرده مسکوکات موجودیت این حکمروا مورد شك و تردید قرار میگردد . بقرار نظریه گرشن آخرین سکه ها نیکه

از بگرام بدست آمده متعلق به واسو دیوای اول میباشد و ما معتقد هستیم که این حکمروا از سلسله حکمروایان کوشانی خاندان کانیشکا شخص سوم بوده که این ۹۷ و ۹۸ حکومت کرده است. ۹۲- اودرین منبع چیتائی بنام تانه یوجی ذکر شده زیرا تمام قبایل بشمول کوی شوانگ که خود از نژاد یوجی محسوب نمیگردید بعد از آنکه با اقوام تایوجی بطرف غرب شبیه همدیگر گردیدند باین اسم نامید، میشدند.

یک مرور مختصر :

ما اطلاعاتی را که به کوشانیها و خصوصا بدسنه کانیشکا ارتباط میگرفت از تمام منابع در دست داشته مورد بحث و توجه قرار دادیم دانشمندان نتوانستند بر این نکته بکدام تواریخی برسند. متاسفانه چیزی ناز به دست نیامد و این تنها یک ارزیابی و آزمایش مجددی بود که از منابع معلوم کردیم اکثر دانشمندان غربی به استثنای بعضی ها متمایل اند که کانیشکا را در قرن دوم میلادی قرار دهند.

و اکثر دانشمندان هندی البته به استثنای چند نفر، متمایل اند که درین مورد محتاط باشند و با (کانیشکا) که مدت بدهند بدین مفهوم که ۷۸ م را او تاسیس نموده است.

استدلال مهم آنها حاکی بر اینست که مادر قرن دوم میلادی کدام عهدی را سراغ نداریم و هکنذا تصادم کانیشکا با رودرادا من کد کتیبه جونا گاه (Junagah) ثبت شده یک حقیقتی بود که از آن چشم

پوشید، شودت

هرگاه چنین پنداشته شود که هر دوی شان کم و بیش معاصر هم دیگر بوده اند. وویما کاد فیزس که جا نیشن پدر هشتاد ساله خود شده ممکن نیست برای يك مدت درازی حکمروایی کرد، اشد ویک دوره یون سالهای ۷۸۹۶ م برای او کافیت و کانیشکا متصلانجا نشین او گردیده است (تا جانیکه به پو-تیا و Po-Tiao) از تباطمیگیرد توضیح داده شده که او از واسو دیوای دوم يك حکمروای بعدی کوشانی میا شد.

از طرف دیگر بخونی فرض شده میتواند که عهد کانیشکا شاید که تنها يك عهد سلطنتی بوده است و غالبا دیورت وجود صد ساله و این که از طرف حکمروایان بعدی کوشانی ادامه یافته است. ما کدام گزارشی از اسناد کانیشکا و جانشینان او درین سده رقم نیافتیم علاوه تا یک دوره ۱۰ سال برای وویما کاد فیزس خیلی ناچیز است. در حقیقت بجز گزارش غیر مستقیم کتیبه سال ۳۴ تا کسینا شواهد دیگری در دست نیست. که به موجب آن حکمروای کوشانی را با القاب مهاراجا - راجا - تی راجا - دیوا پوترا تنها عبارت از وویما بدانیم نه پدر او که جولارا گذشته از آن این غیر ممکن نیست که پسر این مرد هشتاد ساله يك مرد جوانی بین سنین ۳۰ و ۳۵ بوده باشد که او نیز مانند پدر خود مدت درازی عمر کرده است.

تصادم کانیشکا با رودرا دامن ضرور نیست يك واقعیت باشد اگر کانیشکا در حدود سال ۱۰۰ م قرار داده شود، در آن صورت اسناد علیا رایع از سرگ حکمروای ساکا فتح نموده است.

تسلط کوشانیها بر مالوا خصوصاً در پرتو کتیبه سال ۲۸۸ سانشچی متعلق به واسیشکا شاید يك واقعه باشد مربوط به کوشانیهای بعدی در منابع چینیائی اشاره به پوتیا و باواسود یوای اول که مسکوکات او از بگرام بدست آمده تطابق میکند حکمروایان بعدی کوشانی نه آنقدر مهم بودند و هم امپراتوری شان آنقدر وسیع بود که ارجاع يك اتحاد را به وي (Wei) کند. مادر موقعیت مصئونی قرار داریم که کانیسکا و خاندان او را از میانه قرن دوم میلادی به میانه قرن سوم میلادی قرار می دهیم که به تعقیب آنها کوشانیهای بعدی که با گوپتاهاى نخستین معاصر بودند و بکار می آیند. طوریکه از کتیبه ستون اله آباد متعلق به سمود را گوپتا از کلمات دیواپوترا - شاهى - شاهانو شاهى Daivaputra shahi Shanushahi که در آن بکار برفته پیدا است و این اسکا نات وجود يك دوره تاریک را بین کوشانیها و گوپتاها از بین خواهد برد.

کانیشکا و هند شرقی :

چنین برمی آید که امپراتوری کانیسکا تا به شرق سرنات (۳۹) جا نیکه از آن کتیبه ها می بدست آمده که در آن از هدایاى فرهر بلا (Friar Bala) گزارش داده شده توسعه یافته بود اشاره ای که به کشا تراپاواناسپاره Vanaspara و مها کشاتراپا کهراپالانا Kharapallana بعمل آمده از آن چنین استنباط میشود که سرنات -

و از اناسی با بیست مرکز ولایتی دول شرقی امپراتوری او بوده باشد و این طبیعی است که این مرکز اداری با بیست در محلی قرار می‌داشت تا به کنج و کنار امپراتوری او رسیدگی کرده می‌توانست امپراتوری کوشانی تحت اثر کانشیکا تا به بهار توسعه یافته بود و این واقعیت از مسکوکات مختلفی که ازین فرمانروا و جانشینان او درین ناحیه بدست آمد، آشکار می‌گردد. (۹۵) ما قبلا به ترجمه چینائی سری ده‌سار ما پیتا کائیداناسوترا Sridharmapitatanidanasuta که در سال ۷۲۲م صورت گرفته اشاره کردیم. (۹۶) که چین تان کیانسی چا (Chen-t'an-Kia-ni-Ch'a) پادشاه پوتالی پوترا را شکست می‌دهد و از او تقاضای غرامت کلانی را می‌کند ولی موافقه کرده که در بدل غرامت اسوا گرشا و کاسه خیرات بودا و خروسی را بپردازد و اظهار نظر کرده که فتوحات شرق در زندگانی کانشیکا يك نقطه عطف بود که توسط صاحب خود اسوا گوشا در بودیزم فرو رفت و آنرا نقویه و گسترش بیشتری بخشید. تسلط کوشانیها بر بهار که از طرف کانشیکا آغاز گردید از روی مسکوکاتی که بدست آمده تأیید می‌گردد. سپو نسر (Spouner) در ضمن کاوشهای خود در پوتالی پوترا مسکوکات زیادی را در یافت نمود. (۹۷) که اصل می‌داند آنها تا به اسورا Asura در ناحیه رانچی Ranchi گسترش یافته است. دو سکه از يك زمین زراعتی در حالی بدست آمد که زمین قلعه و شخم زده می‌شد (۹۸) سه عدد سکه کوشانی در بنگال نیز پیدا شده بود (۹۹) در حالیکه سکه های طلائی کانشیکا از تملوک Tamluk و مهاستانا Mahastana که نواحی این در تامرا لیپتی (Tamralipti) و پیوند راوار دهانده

(Pundravardhana) قدیم بدست آمد طوریکه از منحصه بودهگایا -
(Budhgaya) برمیآید تسلط کوشانیها بر بهار تا عهد هویشکا ادامه
داشته است. (۱۰۰)

اینکه پیش از تسلط کوشانیها کدام سلطان و یا کدام قوم بر این
سرزمین حکم میراند بطلموس (Ptolemy) به یک قومی اشاره میکند
(۱۰۱) که ماروندای (Maroundai) نامیده میشود که بطرف چپ رود
کنگا در ناحیه جنوبی گراودر قسمت بالایی دلتا زندگی میکردند.
سیلوین لوی این مردم را با مورونداها (Murundas) که آنها
یا مردمان سیقی و یا کوشانی بوده اند که چنانچه آنها را
Maolun میگویند یکی میداند.

بقرار نظریه آلن (Allen) (۱۰۳) که میگوید ما شواهد زیادی
در دست داریم که نشان میدهد در قرون اولی همد
مسیح سلطنت موروندا خیلی پر قدرت بود و قسمت بزرگ وادی کنگا
را احتوا میکرد و دودمان سلطنتی آن خارجی بود مورونداها شاه
خارجی بوده اند که وادی کنگا را احتوا میکرد ولی این مشکل است که
حکروای آنها را بشناسیم در کتیبه زدها (Zeda) لقب مرو داسا
مارجها کاسا (Murodasa Marjhakasa) برای کانیشکا بکار برده
شده است.

درین صورت ممکن است گفته شود که کانیشکا این لقب را بعد
از شکست دادن مورونداها و گشودن بهار بکار برده است این فرضیه
مطمینی و مطلق نخواهد بود ولی فتح بهار یک امر واقعی است، این مشکل

است که وسعت امپراتوری کوشا نیاها را در شرق و جنوب شرق تعیین و تشخیص نمود. بوس (Bose) در يك مقاله خود تحت عنوان مسكوكات كوشا فی ای پوری (Puri) مینویسد (م. ۱۰۰) این مسكوكات از طرف آن قباایلی از شعبات كوشانی مروند انتشار یافته که قبلاً حکمروای بهار بوده اند ولی در نتیجه ای توسعه حکمروایی گوپتا مجبور شدند که به چوتانا گپور (Chota Nagpur) و دیگر نواحی جنگلی مانند مانهوم (Mandhum) و اسورا (Asura) و غیره جاها نیکه این مسكوكات از آنجا بدست آمده اند پتاهنده شوند. یکی همین چیز پنداشتن مرونداها با کوشا نیاها مورد سوال واقع میگردد. ولی اینکه مرونداها بر اثر توسعه حکمروایی گوپتا به مهاجرت از وطن اصلی خود مجبور ساخته شده باشند شاهد راستی باشد. و احتمال دارد تا ثیر کوشا نیاها بر مسكوكات معلی در نتیجه نفوذ حکومت کوشانیها در آن نقاط بوده باشد.

کانیشکا و آسیای مرکزی:

ما قبلاً نقشه فتوحات کانیشکا را بر اساس اسنادیکه سنه گذاری شده و بدست آمده به آگاهی رساندیم متین کتب و اظهار عقیده میکنند (۱۰۵) که کانیشکا نخست بر زمین وادی گنگا رت و بعد در راه بازگشت بوطن اصلی خود غالباً ختن جایکه او و جانشین وی بهیثری بهیث فرمانروا بر تمام امپراتوری بر سمیت شفاخته شده بود بطرف غرب خط میر اولی خود را تعقیب نموده بقرار گزارش هیون تسانگه (۱۰۶) کانیشکا توسط لشکر بزرگه خود بر یک سرزمین وسیعی حتی تا به نواحی شرقی کوههای خونگه لینگ (Tsung Ling) حکمروایی

میگرد او (هیون تسانگ) از شهزادگان آسیای مرکزی امپراتوری کوشانی آنها را به حیث پرغمل نزد خود نگهداشته بود نیز سخن میگوید درین مورد پروفیسر بیلین (Bailey) روشنی تازه انداخته است و یک کتیبه ختن را بررسی نموده و در باره یک پادشاهی بنام چند را کانیشکا از سلطنت بهلاکا (Bahlaka) موادقاً بل ملاحظه بدست آورده است.

او گزارش میدهد که در آن وقت و در آن سلطنت در تخارستان درخاندان فرمانروایان امپراتوری یک پادشاه دلاور و مستوده و هوشیاری از جمیع دویها (Jambudvipa) بنام چند را کانیشکا با بعرضه وجود گذاشت (۱۰۷) گرچه مشکل است که براساس شواهد همنام بودن یک نظریه قطعی قایلیم گردد ولی اینکه امپراتوری کانیشکا تا به بلخ و ختن وسعت داشت جا بی برای شك و تردید باقی نمیگذارد (۱۰۸) گزارش دربار یک مالک الرقاب و اخان و کهراسالیرا (Kharasalera) در عهد هویکشا که از ماتهورا (Mathora) دیدن میکنند و قندهار و هندایای دایمی را در آنجا تاسیس میکنند دال بر اینست که کوشانیها در آن ناحیه مسلط بودند را جمع به فتوحات هویکشا معلوماتی در دست نیست گرچه امتداد او از وردک (۳۰ میل بطرف غرب کانیشکا) بافت شده و راجا ترا نیگینی (Rajatrangini) (۱۰۹) نیز تسلط او را بر کشمیر ذکر میکنند. و این نواحی را شاید که او به حیث وارث پدر تصاحب کرده باشد.

دکتر مجومدار (Dr. Majumder) چنتان کانیشکا (Chentar Kanishka)

را با چندار که در کتیبه ستوی مهرولی Mehrali از آن ذکر شده یکی

وعین شخصی میداند (۱۱۰) لیکن زیاده‌وارد نیست، ما براساس شواهد در دست داشته‌ها و نیم ادعا کنیم که چطور ممکن است که کانیشکا بعد از فتح کشمیر پس به سلطنت اصلی خود دختن عودت نموده باشد و یا آن ناحیه حتی ما وراء آنرا طوریکه هیون تسنگ فرض کرده فتح کرده باشد.

کانیشکا و هند غربی :

فتوحات کانیشکا در هند غربی بشمول قسمت‌های سند، از روی کتیبه سووینها را در سال ۱۱ این عهد مشهود است. کوزه‌های شکسته سفالی که از مقام توردر (Tordher) واقع در وادی تل و ناحیه لورلایی در بلوچستان بدست آمده بر روی آنها نوشته‌های از کانیشکا دیده میشود به استناد آن ستین کنواظها را علانده میکنند که قدرت کوشانیها تحت تسلط کانیشکا و یابکی از جا نشینان او بر این سرزمین گسترش یافته است و خطوط قدیمه کتیبه‌ها انسان را و میدارد که یولا میرا Yolamira که درین سنه از آن نام برده شده شاید که یک والی و یا رئیس محلی غالباً در تحت فرمانروایی کوشانیها بوده است. (۱۱۱).

اگر کانیشکا در قرن دوم میلادی در اوج قدرت خود بود چطور ممکن است که در نواحی سفلی اندوس همزمان با تسلط رودا دامن مسلط بوده باشد بعلاوه چنین یک معضله مشابیه راجع به اکارا (Akara) (دومالوای شرقی) نیز فرض وجود میکنند که این منطقه از طرف هر دو رود را دامن و حکمران کوشانی و کانیشکا اداره میشود (۱۱۲).

در حالیکه یک عده زهدی اردانشمندان با بن عقیده اند که امپراتوری کوشانی فرما نروای کشا تراها هاستد غربی بوده اند. (۱۱۳) هستند عده ای دیگری از دانشمندان که از انکار میورزند (۱۱۴) عبارت کتیبه جو ناگر (Junagarh) موافقت رود را دامن را بهیث یک سلطان مطلق

و مستقل باز گو میکنند. (Mahakshatrapanamana— admigata— Svayam— این مطلب راحتی آن عده از دانشمندانیکه او را با کاشیکا معاصر میدانند پذیرفته اند (۱۱۵) آنها میگویند که وی بکمال غرور ازین حرف میزند که مقامها کشتا تراها را خود بدست آورده است درین جا سوالی عرض و جو د میکند که از طرف چه کسی میتواند بکمال اطمینان خاطر توضیح نماید که او بر سمیت شناختن خود را از طرف کوشانی های بزرگ غافلها کاشیکا دریا فته است ؟ !

معاصر بودن کاشیکا با رود را دامن و اینکه رود را دامن از استقلال مطلق بر خوردار بوده سوالی را بمیان میآورد که چطور ممکن است قلمرو های هر دوی آنها در نقاط غربی و سندن با هم دیگر متداخل بوده باشند بقرار نظریه رای چودری H. C. Raychaudhary (۱۱۶) تسلط رود را دامن بر سندن هندو ساوورا (Sauvira) بصورت واضح آشتی ناپذیر است با تسلط همزمان کاشیکا بران منطقه سوی ووهارا این منطقه ضرور باید تحت کنترل رود را دامن بوده باشد اگر تسلط او را بر سندن هووسا رو (Maru) و تصادم او را با یودهیا های وار (Yaudheyas of Johiyawar) هر نظر گرفته شود.

در حالیکه رای چودری این واقعیت را بعینت يك شاهد قوی بر ضد قرار دادن کائیشکا در قرن دوم ق.م و معاصر رود را دا من میآورد این يك واقعیت آشکار است که تسلط کائیشکا بر سودها را تا به سندی زمانیکه رود را دا من نبود گسترش یافته بود این مسئله در همین زمان مسئله مربوط به تسلط واکیشکا را بر سال نهی در سال ۲۸ ق.م روی رود را دا من را در کارا Akara (در ما لوی شرقی) نیز حل و فصل میکنند.

صرف نظر از این گسترش امپراتوری کوشان در جنوب غربی به استفاد بعضی منابع که مورد توجه سلوینی سیوی قرار گرفته، تا نیدو توجیه میگردد (۱۱۷) او شواهدی را در باره توسعه نفوذ کوشانیها در جنوب اقامه میکند و تونگه لی Tung-li تا به پهنه بعدی چینائی را که مولف از آن در سال ۱۱۱۱ م نام برده ولی واقعات قبل از ۱۷۰ و ثابت نموده با سرزمین اورا ویدینها Oravidian یکی میداند بقرار نظریه تو مان (۱۱۸) در زمینه تشخیص و تعیین سرزمین تونگه لی اسناد و شواهدی در دست نیست این منطقه در جنوب هند واقع بوده و تعیین شده اشغال آن توسط کوشانیها نیز بطور یقینی ممکن نیست.

تاجائیکه بروابط کاشانیها با کونامی پوترا و رود را دا من (که بدون شك با کوشانیها معاصر بوده) تعلق میگردد، اسناد و شواهد کافی در دست نیست ولی گفته میشود کونامی پوترا خود خود یعنی کشا تراها را با مال نمود او که ساهاها واناها و پهاواها را به تباهی کشید او که خاندان خاها را تا Khaharata

را از بنیاد بر کند، از او که عظمت و دبد به نژاد ساتاواها نا Satavahana را برای شان برگردانید هیچگاه از کوشانیها و با تغارها خبری نداشت بنا بر این ماسمیتوانیم فرض کنیم که گو تامی پوترا از لحاظ نژادی بین کوشانیها و ساتاواها که او تنها بانها در حال زدو خورد بود تمیز و تفاو تی را قایل نبود در باره رودرادامن میتوان يك توضیح متمایزی را ارائه نمود برای او بحیث یک حکمران هندو شده خوش آیند نبود که راجع به آنها به اندازه ای که ترفیع خود را بمقام مها کشا ترا پالازم میدانست بوضاحت چیزی بگوید.

جاننشینان او که سرزمین تسلط شان کوشانیها و قدرتهای دکن را از همدا یگر جدا میساخت و حائل تصادم آنها میگرددید شاید که از طرف کوشانیها آنقدر تحت فشار نیامده، و از مداخلات کوشانیها تهر بیاتی نه اندوخته بودند.

بی علاقمنند بودن مداوم مردم هند غربی و جنوبی در مورد آنچه که در شمال رخ میداد ممکن است سبب اصلی کمبود و یا نبودن شواهد راجع به کوشانیها بوده باشد (۱۱۹) ما اظهار عقیده میکنیم که کانیسکا شاید معاصرو درادامن که قلمرو او تا به سندھ و ساویرا نمی رسید نبوده است و این تنها بعد از مرگ او بود که امپراتور کوشانی ناحیه سوویهار Suivihar را ضمیمه نموده و قلمرو خود را بطرف جنوب گسترش داده است.

بگمان غالب یولامیرا (Yola—Mira) مذکور در کتیبه توژد هیراچی Tordherai شاید که بحیث ساتراپ تحت اثر امپراتور

کوشانی بوده باشد طوریکه ستین کنواظهار عقیده کرده است . بنا بر این سوال تصادم کانیشکا با رودرادامن بر سر سند هوسوویرا در میان نمی آید . چنین استنباط میشود که انتخاب لقب مهاکشا تراپا نشانه ایست که او حیثیت یک سلطان مطلق و مستقل داشته که این حیثیت را مردم از هر گروه برای او داده بودند ، او ووده کرده بود که آنرا حفظ کند .

اعطای این قیمومیت از طرف مردم این احتمال را از بین میبرد که او (رود را دامن) تحت اثر کانیشکا بوده باشد . تعیین و تشخیص حدود قسمت های غربی و جنوب غربی امپراتوری کانیشکا مشکل است ولی این بکلی واضح است که او (کانیشکا) یک قسمت قابل ملاحظه ای از قلمرو سلطنت رودرادامن را در شمال غرب بعد از مرگ او تصاحب کرده باشد . این مسئله با چوکات کرونولوجیکی ما نیز تطابق میکند که جلوس کانیشکا را در حدود سال ۳۳۱ م قرار میدهد .

کانیشکا و کشا تراپاهای او:

اسناد کتیبه شناسی بر طرز اداره امپراتوری وسیع کانیشکا روشنی قابل ملاحظه می اندازد . در باره سیستم اداری و لایه های محلی کوشانیها در یک فصل دیگر بطور مفصل صحبت خواهیم کرد و در اینجا ما تنها از آن روسای ولایات صحبت می کنیم که در اسناد کوشانیها به بحث کشا تراپاها و مهاکشا تراپاها شناخته شده اند . کتیبه سرن (۱۲۰) که از اهدا و وقف فریه بالا (Friar Bala) گزارش میدهد از وانا ساپارا (Vanasapara) به بحث کشا تراپا و از خراپالانا

(Kharapallana) بحیث مها کشا تراپا ذکر میکند که هر دو دوسر نت بودند. این مشکل است که در یک واحد اداری قدرت هر دو را تشخیص و تعریف و توضیح کنیم چون در آنجا راجع به مها کشا تراپا کدام مأخذ دیگری وجود ندارد ممکن است پنداشته شود که خرپالانا (Kharapallana) متصلی اداره قلمروی شرقی امپراتوری کوشانی کانیسکا غالباً نایب اودرما تهورا بوده است. او خود شاه بود به آنجا رفته با شد و یا هدیه دهته تر جیح داده است که نام از آن نیز ذکر کند. در کتیبه های کوشانی عهد کانیسکا از نامهای چندین کشا تراپاها ذکر گرفته است.

مثلاً کتیبه زیدا (Zeda) (۱۲۱) از لیاکا (Liaka) و کتیبه مانیکیالا (Manikiala) (۱۲۲) از وِسا پاسی (Vesapasi) و کتیبه جعبه ای جواهرات مانیکیالا (۱۲۳) از نام کشا تراپای کاپیسا نام میبرد. کشا تراپای کاپیسا پسر کشا تراپا گرانانا و هراسا کسا (Granavhryaka) بود چنین برمیآید که تقریباً بر اساس حق مژروئی بوده است نقاطیکه این کتیبه ها و اسناد از آنجا بدست آمده نشان میدهد که کانیسکا و اربان خود را در مانیکیالا و اولهندی تحت اداره افغانستان و در کاپیسا و بگرام مستقر نموده است و این بدان معنی نیست که این نقاط یگانه واحد های اداری امپراتوری کانیسکا بوده اند و شاید چندین نقاط دیگر بحیث واحد های اداری نیز وجود داشته اند. و غالباً یکی هم در وادی اندوس دیگری در کشمیر بوده که در امپراتوری کوشانی داخل بودند.

کانیشکا و بودیزم:

گرچه کانیشکا شخصی بود که از هرجا عقیده خوبی بنظرش رسید اختیار کرد و این از تصویر خداوندان مختلف بر مسکوکات او پیداست و لی او شخصاً يك بودایی بود. او وعهد سلطنت او يك دوره شاندار پست در تاریخ بودیزم بود ایمان شما لی خاطر او را مثل آشو کا گر امی میداشتند در بین آنها شایع بود که این سلطان در ابتدا حامی و طرفدار مذہب شان نبود ولی سودا رسانی (Sudarsana) روحانی وسیله شد که او را به بودیزم برگرداند (۱۲۳) تنها يك تعداد بسیار کمی از مسکوکات کانیشکا دارای تصویر بوده اند و اکثریت مسکوکات او تصویر معبودان دیگری دارند.

در باره سکه هینی گرائیدن او به بودیزم شواهدی در دست نیست. ستوپه بزرگ پشاور که مورد توجه و ستایش خاص هیون تسانگ زایر مشهور چینائی قرار گرفته غالباً بدست کانیشکا بنیان گذاری شده است این ستوپه در مقامی بنام (شاهچی کی دهری) که نام دو تپه بزرگ است موقعیت دارد. موقعیت آنرا کتننگهم و فوشر (Foucher) تشخیص نموده و کاوشهای سپونر در سال ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ (۱۲۵) تأیید کرده است. از یکی از اتاق های این ستوپه کلان يك جعبه زهورات بدست آمد که با سه تصویر بودای نشسته منقش گردیده و بفواصل تصویرهای از نیایش گران بران دیده میشود. تصویر دسته ای بزرگی از نیایش گران کانیشکا را نشان میدهد که بین آفتاب و مهتاب ایستاده اند در مسکوکات کانیشکا کلمات

ماو (Mao) بمعنی ماه و میرو (Miuro) بمعنی آفتاب بکار برده شده نام کائیشکا دو مرتبه ذکر شده است. و غالباً نخست با مورخه (۱۲۶) و دوم با نام ویهارای (Vihara) کتیبه از هند به سرواستیوادین ها (Sarvastivadins) گزارش میدهد این یقینی نیست که کائیشکا به این مدرسه تیراودین ها (Theravadins) تعلق داشته است سلوین سوی به یک روایتی متوجه شده که در آن از ارتباط کائیشکا با سلاهای بودایی همزمان خود مطالبی دارد (۱۲۷) تماس او با اسواگوشا یک امر خیلی واضح است و، قبلاً به آن اشاره کرده ایم پارامارتا Paramartha یکی از اهتماهای برجسته قدیمی مذهبی بودایی وخت خود به یک (کونسل) شورای مذهبی اشاره میکند (۱۲۸) و از کائیشکا نام نمی برد (۱۲۹) راجع به ذکر نام کائیشکا در سائیره تون بودایی قبلاً اشاره کرده ایم. مکتوب ما تری چیتا (Matrichita) به کائیکا (Kanika) پادشاه که در متون مذهبی تبتی نگهداری شده (۱۳۰) و سوترا لاسکا رای (Sutra—Lamkara) اسواگوشا که قطعات اصلی سانسکریت آن توسط مودرز بچا پرسیده و کلهتا ما ندیتیکای (Kalpanamanditika)

کوما رالا تا (Kumaralata) و در یشتا نتا پانکی (Drishtantapankti)

اسواگوشا و دوگز ارشد دیگر که در (Notes Surles) ترجمه شده.

کائیشکارا برای ما می نما یا ند (۱۳۱) ما دو نظر نداریم که در

اینجا راجع به شورای چهارم مذهبی بودایی که در عهد کا نیشکا در کوانای (Kuvana) جلندروا در کندالوانا (Kundalavana) کشمیر دایر گردیده بود و از رول آن در انکشاف و توسعه انکار و ادبیات مذهبی بودایی سخن بگویم این کار را بعدا خواهیم کرد.

پایان فرما نروایی کا نیشکا و جانشینان او

بطور عمومی پنداشته شده است که کا نیشکا تا به سال ۳۳۳ عهده خودش حکومت کرده و بعد از وی پسر بزرگش واسیشکا بر تخت نشسته که برای چهار سال یعنی از ۳۳ تا ۳۸ (۱۳۲) حکم رانده و بعد از او هوویشکا بر جایش نشسته. بدبختانه تا کنون هیچ سکه از هوویشکا بدست نیآمده ولی موجودیت او بحیث یک فرما نروای کوشا نی یک حقیقت مسلم است. کا نیشا ی متذکره بی کتیبه ای سال ۱۳۳ آرا (Ara) (۱۳۳) که پدر او و اجیشکا (Vajeshka) بود در عهد فرما نروایی هوویشکا قرار میگیرد و این موضوع معضله کرونولوجی کوشانیها را بیش از پیش پیچیده تر میسازد.

شواهد کافی در دست نیست که بموجب آن پنداشته شود که امپراتوری کا نیشکا بین واسیشکا و هوویشکا تقسیم شده طوریکه لودرزمی پندارد و قسم آستین کنو آنرا تا نهد کرده است.

۲. سال پیشتر ما اظهار نظر کرده بودیم (۱۳۳) که چنین معلوم نمیشود که واسیشکا متصلا بعد از کا نیشکار وی کار آمده باشد

بلکه او از خاندان کوشا نیهای بعدی بشمار میرود و به کاشیکای
متذکره کتیبه آرا که پدر اوست تعلق میگیرد و او نیز با یست با
واسکوشانا (Vaskushana) متذکره کتیبه سا نچی سال ۲/۲ یکی پنداشته
شود. این غیر ممکن خواهد بود که يك شهزاده جوان در حیات
پدر خود حیثیت شاهانه را به خود اتخاذ نماید.
ما گفتیم که کاشیکا غا لبا تا به سال ۲۸ عهد خود حکومت
کرده (۱۳۵) و بعداً هوویشکا پسرش جا نشین او گردیده است.
بعضی از روایات که از طرف سیلویین سوی جمع آوری شده در
آنها از حادثاتی سخن گفته میشود مبنی بر اینکه . هوویشکا بدست
مردم خود از بین رفته است (۱۳۶) ولی ما ضرورت نداریم که به
چنین منابع از لحاظ تاریخی خیلی ارزش بدیم .

هوویشکا (Huviska)

دوره هوویشکا غا لبا از درخشا نترین دوره های تاریخ
کوشا نیها محسوب میگردد . کتیبه های سال ۲۸-۳۴ که بدست آمده
و مسکوکات او که از کاپیسا تا بهار پیدا شده اند دال بر آنست که او
يك امپراتوری خیلی وسیع را از پدر به ارث برده بود و یقیناً آنرا
به کمال تمامیت و درستی حفظ کرده توانسته بود مسکوکات مختلف
طلایی و مسی او نیز گواه بر اینست که دوران امپراتوری او از
صلاح و امنیت و شکوفائی اقتصادی برخوردار بوده است . قدیم ترین
کتیبه ای که نام این حکمران را ثبت کرده است (۱۳۷) همان
کتیبه مشهور ما تهورا بوده که تاریخ آن سال ۲۸ روز اول ماه

گور پیا (Gurpiya) ثبت گردیده است. (این نام ماه مقدونی و پروشیا بود که با ماه پروش تا پادا (Proshtapada) هندی مطابقت میکنند) و این یگانه مثال شناسایی شده است که در یک کتیبه خروشتی از نام یک ماه مقدونی ذکر میشود. اهمیت این سند از یک جهت دیگر نیز آشکار است و مثلاً ذکر شده است که فرما نروای واکانا (Vakana) (واخان) یا بدکشان (Badakshan) (بدخشان) از ما تهورادین گرفته است و ازین استنباط میشود که قلمرو نفوذ هوویشکا تا به این سرزمینها نیز گسترش داشته است.

و این موضوع این احتمال را نیز از این بی برد طور یگانه استین کنو و اودرز گفته اقدامهرا توری کانیشکا بین واسیشکا و هوویشکا تقسیم گردیده بود (۱۳۸) استین کنو میگوید که هوویشکا شاید که ناحی کشمیر بوده باشد. طوریکه نام نخست او در گزارش کلها نا (Kalhana) راجع به حکمرانان کوشانی در کشمیر دیده میشود.

هوویشکا شاید کشمیر را بحیثیت یک جنرال کانیشکای بزرگ گشوده باشد و بعد از مرگ کانیشکا او شاهد که والی و یا نائب - السلطنه در ولایت شرقی اقلادرا وایل سال ۳۳ بوده است و ازین سبب بود که ملقب به دها راجا دیواپوترا گردیده بود، نه راجانی راجا که یک لقب برتر و عالیتر است. انتخاب القاب کوچک در اسناد خصوصی به معنی این نیست که دادنده او مقام و حیثیت کوچک دارد اهدا کنندگان تنها نام حکمران را می شناسند.

در کتیبه سال ۱۱ زیدای کانیشکا بسا دگی مار جها کا کانیشکا (Marjhaka Kanishka) نامیده شده است و این بدین معنی نیست که کانیشکا از مقام عالیرتبه بهرتبه پائینتر تنزل داده شده است در بین اسنادیکه از عهد هوویشکا در ماتهورا برمیآمده یکی هم کتیبه سال ۱۰۰ تمثال چهارگون ناگا (Chharrgaon Naga) (۱۳۹) است که او (هوویشکا) را به القاب مهاراجا راجانی راجا-هوویشکا ذکر نموده است حال آنکه یک کتیبه دیگر متعلق به سال ۳۳ که از ماتهورا بدست آمده (۱۰۰) تنها لقب مهاراجا و یک کتیبه دیگر سال ۴۰ (۱۰۱) لقب دیوا پوترا بر نام او افزوده شده است. دو سال بعد تر در یک سند دیگر از ماتهورا (۱۰۲) چندین خواننده میشود: و قف روحانی جیواکا (Jivaka) با شنده اصلی او دیا نا (Udiyana) به ویهارای مهاراجا راجانی راجا دیوا پوترا هوویشکا اسناد عهد این فرما نروا بلاوقفه از سال ۲۸ بعد تا به ۶۰ سنه گذاری شده اند (۱۰۳) گرچه یک کتیبه دیگر که در سال ۶۲ (۱۰۴) سنه گذاری شده با ارتباط با کتیبه های دیگر هوویشکا بدست آمده است.

مذهب هوویشکا:

مانند پدر خود کانیشکا - هوویشکا نیز بر مسکوکات خود تصویرهای خداوندان مختلفی را نقش بسته است. و از روی تریسیم و نمایش زیاد از معبودان بر همینزم جدید براس مسکوکات و استنباط میشود که او به بر همینزم متمایل بوده است.

علاوه بر شیوا لاهه نا نا (Nana) که بر مسکوکات او کرار آدهده

میشود تصویر سکا زدا (Skanda) کومار راویسا کا (Kumara Visakha) و دها سینا (Mahasena) (۱۳۵) نیز نقش بسته اند. لهذا کارا ظهار عقیده میکنند که اینها شاید که چهار رسم بود جدا گانه (۱۳۶) و یاسه خداوند و یاسه پهلوی از یک خداوند از قبیل سکا زدا - کومار راویسا کها و دها سینا بوده اند. (۱۳۵) از روی عیارا تیکه بر مسکوکات هوسی هوه يشکا دیده میشود در روزیم کلمکتی هند وجود است چنین استنباط شده است که بر بعضی از مسکوکات فرما نروایان کوشا نی ذکر یا زویشنو رفته است. (۱۳۶) دب (Deb) میگوید (۱۳۷) که هوه يشکا صفت (لقب) کار تیکیا (Karttikia) را اتخاذ نموده بود. این طرز تلقی مذکور هوه يشکا در دهقا بل چیزیکه در یکی از اسنادات (تهورا) راجع به دیوا کولا (Devakula) ۱۳۸ اشاره شده قابل ملاحظه است.

درما تهورا مجسمه فرما نروای کوشا نی که پدر بزرگ (Pitamah)

هوه يشکا بوده گذاشته شده است.

ستین کنوینگا رد که درما تهورا جاتیکه این کتیبه ها یافت شده در آنجا یک تالاری بوده که تصویرها به نمایش گذاشته شده بود و این تصویرها از شاهان ویا کامدودمان سلطنتی نبوده بلکه یک صندوق دیوا کولاهاست که خاطرات فرما نروایانی مختلف کوشا نی را یادآوری میکنند.

در - بهندر کار میگوید (۱۳۹) که دیوا کولاها خیلی شبیه به دعا بد است و بخا طری تعمیر شده اند که یا در فرما نروایان گذاشته را محفوظ دارند و نگذارند به فرادوشی سپرده شوند. و ازین استنباط میشود که

این فرما نروای کوشا نی (هوویشکا) به بر همینزم خیلی خوشبین و علاقمند بوده است.

در یکی ویادوسکه ایکه مورد توجه کنتگهم قرار گرفته (۱۵۰) هوویشکا واقعا دیده میشود که در پیشگاه الهه (نا نا) زانوزده است. و او در مفا بل جینیزم (Jainism) و بر همینزم متحمل و فراخ دل بود اما نند پدر خود (کانیشکا) به تمام مذاهب رعا یا ی خود اعتنا و علاقه داشته است.

اکثر کتیبه های عهد او و قفچین و جینزم گردیده است.

یک کتیبه بودائی (۱۵۱) در زیر یک ستون که تا ریخ آن سنه ۷۷م نوشته شده از تقدیم هدایای یک روحا نی بنام جیوا کا (Jivaka) که اصل او دیانا (Udiyana) بوده به پیشکا و پهارای آنها راجا-راجا تی را جا دیواپوترا هوویشکا گزارش میدهد این کتیبه آنها را یاد کتیبه جعبه جواهر و پهارای مهاراجا کانیشکا را که از مقام شاه مجی کمی ویری (پشاور) بدست آمده سی اندازد (۱۵۲) در کتیبه سال (۵۱) وردک (۱۵۳) که تاسیس یادگار ساکیا موتی (بودا) را در یک ستوپه در واگراماریکای ویها را (Vagramarega Vihara) ثبت کرده است، سر چشمه برکت متوجه مهاراجا-راجا تی راجا هوویشکا بوده است.

بنا بر این واقعیت از مسکوکات و کتیبه های عهد او آشکار میگردد که تمایل شخصی او به بر همینزم مانع فراخ دلی و تحمل مذهبی و آراخ نظری او نشده است و به تمام پیروان مذاهب روح در این رعایای خود احتیام میکردند.

هوویشکا تا به سال ۴۲ ویا کمی بیشتر چون سال اول جا نشینی
اوسنه ۴۷ میباشد حکومت کرده است. (۱۵۳) چنین استنادی در
دست نیست که بموجب آنها گفته شود که در عهدزما مداری او بود
که ادورا توری کوشانیها به سقوط ویا به تجزیه مواجه شده است و
نه هم میتوانیم بوجودیت یک فرما نروای دیگر کوشانی را بنام
کانشیکا طوریکه در کتیبه سرخ کوتل (افغانستان) سال ۱۳۱ ذکر
شده (۱۵۵) ویا کانشیکای دیگری ویا همان کانشیکای کتیبه آرا ارا
در سال ۱۳۱ پذیریم (۱۵۶) و ما اینها را متعلق به کوشانیها بعدی
میشماریم. در مورد درک و شناخت این کانشیکا ویا کانشیکا
های دیگر مندرج در آن دو کتیبه متذکره بعداً در فصل دیگر راجع به
کوشانیهای بعدی سخن خواهیم گفت. ولی یک چیز یقینی است که در
عهدزما مداری پر امن و آرام و مترقی هوویشکا که مدت ها پیش ۳۵
سال دوام کرده است اخلال گران ویا نو واردان در حلقه دوردودمان
سلطنتی کانشیکا بوجود نیامده اند.

واسودیوا (Vasudava):

واسودیوا آخرین فرما نروای ادورا توری کوشانی خاندان
کانشیکا بوده که از سال ۴۱ تا به سال ۴۸ یا ۴۹ سلطنت کرده است.
از نام این فرما نروا استنباط میشود که او کاملاً هندی شده بود.
مسکوکات او که از یک ساحه یی بسبب وسیع بدست آمده است
از مقام ساهری بهلول (Sahri Bahlol) (۱۵۷) جمالیگیر هی (۱۵۸) و
از سرکپ و سایر نقاط تا گسهلا (۱۵۹) و نیز از بگرام (۱۶۰) دال

و آنست که او امپراتوری خیلی بزرگ را از سلطنت خود به ارث برده که از شرق از واراناسی و حتی دورتر از آن و در غرب تا به افغانستان و حتی ماوراء آن وسعت داشته است.

چنین معلوم میشود که او همان شخصی است که در سال ۲۳۰ سفیری به دربار امپراتور چین گسیل داشت و در قبال طو، یکه در سان - کوو - چی (San-Kau-tche) ذکر شده لقب سلطان تا - یو چی همراه با وی (Wei) را دریافت نمود. اینکه در سودیواو بو - تیو (Po-tiao) عین شخص بوده (۱۶۱) اکنون به حیث یک واقعیت پذیرفته شده است گرچه طرفداران نظریه کاشیکاکا و عهد سا کا او را اسود یوای دوم (۱۶۲) میدانند. آنکه قبلاً بین سالهای ۶۲-۹۸ عهد کاشیکاکا سلطنت کرده است.

گرمشمن که در بگرام کاشها و نموده و سکو کا تی بدست آورده است در باره آخرین سنه آن سکو کا که متعلق به واسودیوای اول میباشد میگوید (۱۶۳) که وی همان شخصی است که از طرف مؤسس Moses از دخی از کهورین (Khorene) بنام ویهسا دجان Vehsadjan پادشاه کوشانی ذکر شده که او در وخت جلوس اردشیر در جنگی که در مقابل ساسانیها از طرف خسرو اول ارمنی واقع شد به طرفداری از خسرو درین جنگ اشتراک کرد و بعد از دو سال عودت نمود.

کتیبه های عصر این زمانه در بین سالهای ۶۷-۶۸ یا ۶۹ عهد کوشانی تاریخ گذاری شده اند گرچه اکثر کتیبه ها وقف جین (Jain) گردیده اند ولی دو کتیبه بین آن توجه خاص را جلب میکنند. کتیبه

اول در سال ۴۷ در ماه دوم وسوم بارانی (۱۴) در عهد بها راجا - دیواپوترا - واسودیو اسنه گذاری شده است نسب بودا را گزارش میدهد کتیبه یی دوم نیز در کرکتر خود بودا نیست (۱۴۵) که جیواکا از اهل او دیا ناسنگک زیرستون را به ویها رای بها راجا - دیواپوترا هو ویشکا در روز ماه چهارم تا بستان سال ۱۷۷۷ بنا میکنند .

این روحانی (جیواکا) معلوم میشود که همان جیواکای روحا نیست که در سال ۴۷ در عصر هو ویشکا در روز چهارم ماه چهارم تا بستان تحفه را به ویها رای هو ویشکا تقدیم کرده بود .

ملاقات همان یک روحانی از ویها را آنهم بعد از هو ویشکا مدت سه سال بعد در همان روز خیلی قابل ملاحظه است .

شاید که این روز بخاطر تاسیس ویها رای تجلیل شده باشد و یارو زمین جشن مذهبی بودایی بوده باشد .

این کتیبه نیز گواه برین است که در بین ما تهورا و هندشما لی یک ترا فیک مداد و بلا و قه در جریان بوده است . یک کتیبه دیگر است (۱۴۶) از عهد هو ویشکا که از نقطه نظر اداری حائز اهمیت فراوان میباشد . این کتیبه از هدیه یی یک مها و ندانا یا کا - (Mahadandanayaka) در سال ۴۷ گزارش میدهد .

این فرمانر و آخرین کوشانی بریک قلمرو ویخیلی وسیع که از سلطنت خود به ارث برده بود بحال قدرت مطلق و صلاحات حکمروایی کرد بعضی از کتیبه ها القاب مکمل امپراتوری او را ثبت کرده اند چون :

رها را جا - راجا تی دیو اپوترا (۱۶۷) و اسود دیوا - رها راجا - راجا تی
 راجا تی دیوا (۱۶۸) و همچنان رها راجا - راجا تی را جا دیوا
 پوترا شاهی و اسود دیوا . (۱۶۹)

پایان خاندان کاشیکا :

و اسود دیوا طوریکه از نامش پیدا است یعنی مومن و معتقد به ویشنو
 (Vishnu) شخصی بود که ملامت و دشمنی در مسکوکات او تنها تصویر
 های شیوا و تا نا (OHPO) نقش بسته است. مجموعه تصاویر موجودا نیکه
 قبلا بر روی مسکوکات کوشا دیده میشد اکنون در عهد او از بین
 رفتند. بحکمالتعجب باید بگوییم که در ظرف مدت بیش از سی سال حکومت
 او تنها یک کتیبه بدست آمده که رابطه او را با رها نیز م و انمود
 میسازد و ای کتیبه های مربوطه اوقاف بود نیز م و جنیزم متعدد اند.
 و این دلالت بر تحمل مذهبی و وسعت نظرو فراخ دلی این فرما نروای
 آخرین کوشا نی میکند. واقعا تیکه منتج به سقوط حکومت کوشانی و از
 بین رفتن موقتی این دودمان گردیده بایست در نواحی شمال مغرب جستجو
 گردد این یک تصادف عجیب است که این خاندان نیز از طرف نواحی شمال
 غربی امپراتوری خود بدون اینکه در خود هند مدینه بین با ایشان برسد سقوط
 نمودند. در اثر کاوشهای که در بگرام - کاپیسا در شمال کابل (۱۷۰)
 که مرکز دولت کوشا نیهها بود صورت گرفته سه طبقه مسکوکاتی را از
 زیر توده های خاک بیرون آورده اند .

طبقه دوم بر اثر آتش سوزی و تخریب ترک داده شده است. مسکو
 کاتی که از این طبقه بدست آمده شامل مسکوکات کاشیکا و اسود دیوا
 میگردند. و چنین استنباط میشود که این تباها و تخریب آخرین فرما نروا

صورت گرفته است. ولی بعد از مدت کمی يك شهر جدیدی با طرح مختلف احداث گردیده. و مسکو کاتی که از آنجا بدست آمده متعلق به دودمان سوم کوشانی یا کوشا نیهایی بعدی میباشد.

درین زمینه نفوذ هنر ساسانی نیز محسوس میگردد. گزارش تصاویر بین کوشا نیها و ساسانیها در يك کتیبه براس دیوار زردشت یا زار زردشت در نقش رستم واقع در نزدیکی پرسپولیس در سه زبان ثبت گردیده است (۱۷۱) این کتیبه که متعلق به شاهپور اول (۳۷۲-۳۴۳ م) است غا لبادهای بین ۳۴۳ و ۳۴۳ م نوشته شده است و ارتباط دارد با پیروزی او در رودنها. درین کتیبه گزارش است معنی برای الحاق سرزمین کوشا نیها بدست شاهپور اول همزمان و مشا به تخریبی که در بگرام صورت گرفته در دو نقطه باستانی سغدیا نه نیز عمل آمده است و این واقعه از طرف باستان شناسان شوروی تا نید گردیده نیز در همان کتیبه گزارش یافته که این نواحی نیز بدست شاهپور اول گشوده شده است.

از روی مسکو کاتی که از آنجا بدست آمده برمیآید که تخریب درین نقاط در سغدیا نه همزمان و در عهد واسود دیوای اول صورت گرفته است و بنا بر این شاغلی گر شمن اظهار عقیده میکنند که این دودمان کوشانی در عهد واسود دیوایان رسیده و شخصی که رسول پایان دادن آن شمرده میشود شاهپور اول ساسانی است. این مفکوره از طرف بعضی از دانشمندان پذیرش یافته که از آن جمله یکی هم مار یک (Maricq) (۱۷۲) است که میگوید چنین برخورد با معضله کرو نولوجی کوشا نیها سازگاری نمی کند. او عبارتی را از تاریخ طبری نقل میکند که میگوید

اشغال این نقاط در زمان فتح باختر کار ارد شیر پدر او بوده که بعد از آن شهزاده کوشانی نفوق و سلطنت او را بر سمیت شناخت. به تخریب معبد آتشکده سرخ کوتل که بر راه کابل و مزارشریف واقع است نیز اشاره شده است. در آنجا سه دوره تشخیص داد: شاه است یکی تعمیر این معبد و دوم تعلق میگیرد به پاران قدیمی با مقامات آن که بر اثر آتشسوزی با خاک یکسان گردیده و سوم بعد از این تغییرات بزرگ و ناگهانی تعمیر مجدد با وسایل ساده و ابتدائی صورت گرفته است.

از اینجا به تعداد ۱۱ سکه از کوشانیهای بزرگ و هفت عدد از کانیشکا و دو عدد از هر ویشکا که هنوز شناخته نشده اند بدست آمده است.

پروفسور شلومبرژه (Schlumberger) (۱۷۳) تعمیر معبد سرخ کوتل را به کوشانیهای بزرگ و تخریب آنرا به ارد شیر در هنگام فتح باختر نسبت میدهند، که بعد از این واقعه پادشاه کوشانی نفوق و تسلط اردشیر را بر خرد می پذیرد و این واقعه را طبری نیز گزارش داده است. تخریب این معبد بقرار نظر به شلوم برژه در عهد هوویشکا صورت گرفته است.

مطابق منابع ارمنی موسیس (Moses) از کهورین (Khorene) واقع به واسادجان (Vehsadjan) (واسودها) پادشاه کوشانیها که میگوید او بر ضد اردشیر اول در اتحادیه پیوست و بعد از دو سال عودت نمودوسان کوچی (San—Koa—Tche) که میگوید پوتیاو (Po—tiao)

سفارتی به امپراتور چین گسیل داشت از روی این اسناد میتوان گفت که واسودهوا مادیان و یا تحت اثر اردشیر ساسانی نبوده است. کتیبه کوشانی در ماتهوا که او را به القاب مهاراجا-راجا تی راجا-دیوا پوترا شاهی که القاب خیلی بلند پایه و عالی شاهانه داشت ذکر میکند بر اینست که واسودهوا يك فرما نروای مستقلی بوده است.

بنا بر این ما بر روی اسناد معتبر و یقینی باین عقیده میباشیم که این دردمان کوشانی بدست شاهپور اول پایان یافته و اینکه هجوم شاهپور منتج به تخریب و آتشسوزی بگرام-کاپیسی گردیده باگشمن همنوایی داریم.

خاندان کانیشکا با واسودیهوا از بین رفت ولی با آنها کوشانیها به موجودیت خود در تاریخ ادامه دادند در بگرام و همچنان در هند مسکوکاتی که از کوشانیهای بعدی بدست آمده گواه برین است که آنها از حکمرانان جدید کوشانی محسوب میشود و از بعضی اسناد حکمرانان کوشانی معلوم میشود که مطابق عنعنات قبلی کوشانیها در تاریخ گذاری خود بر روی اسناد اعداد صدر الحذف میکردند و تاریخ این دو دمان اخیر کوشانی را میتوان اکنون به صراحت بطور یقینی تدوین نمود. دوره فرمانروایی و سال خاندان کانیشکا که غالباً تنها شامل سه نفر امپراتور میگردد از هر جهت قابل ملاحظه است.

از نقطه نظر مساحت نفوذ خیلی وسیعتر بوده و قلمرو آنها از بلخ تا بهار امتداد داشت فرمانروایان کوشانی گرچه به تدریج بسوی

مذاهب هندی از قبیل بودیزم و برهمنیزم می‌گرائیدند ولی در مجموع صاحب وسعت نظر و حوصله فراخ در مسائل مذهبی بودند. آنها تمامیت ارضی هند شمالی را تأمین کردند. حتی بعد از پایان خاندان کانشیکا خاندان سوم کانشیکا با بعرضه تاریخ هند میگذارد و در میان دوره امپراتوری کوشانیها و سلطنت گوپتاها که يك دوره تاریک در تاریخ هند پنداشته میشود حکومت را در دست داشته اند.



یادداشت‌های فصل سوم

۱- چنین پنداشته شده است که لقب دیواپوترا (پسر خدا) که در هند برای فرمان‌روایان کوشانی بکار برده شده از لقب قدیمی امپراتوری چین تین-تزو (Tien-tzu) (پسر خدا) کاپی و نقلی شده است.

بقرار نظریه فو-توماس (F.W.Thomas) دیواپوترا یک لقبی نیست که برای کوشانیها اختراع و یا از لقب چینیایی نقلی شده است دیواپوترا بمعنی پسر خدا خیلی قبل از کوشانیها در ریکورد (۳۰۲ ×) و از کتیبه بهار هوت (Bharhut, Nos. 774, 814) Luder's list و نیز جتا کمالا Jatakamala دیده میشود. این لقب به فرمانروایان یونانی و ساکاوپهلواها استعمال شده است.

۲- یک پیلوگرافی جامعی از طرف هاو زین (Poussain) و اچ دیو در (Deydier) و کرشمن داده شده است. جی-ای وان لوهو و یزدی لیو در

اثر خود بنام The Scythian period کا نیشکار امر بوط به عهد سا کا
 میداند. و این غالباً یگانہ تاریخ جامعہ است ازین دورہ کہ از طرف
 پروفیسر با شام بدقت مطالعہ شدہ (Bsoas, 1953, XV pp. 80ff) این
 پروفیسر کروڑو لوجی لوہو و وزن رانسبت بہ دیگر ان ترجیح دادہ
 ولی بکمال تأسف باہن نتیجہ میرسد کہ یک کروڑو لوجی معتبر و قابل
 قبول برای ہمہ ہیچگاہ در ہر تو اسناد موجود بدست نہ خواہد آمد و نہ
 چیزیکہ شک و تردید مارا ازین بردہ میتواند ہمان شواہد جدید کتبہ
 ہا و مواد سہم دیگر است (CP. 95)

3— CF. Rockhill. The Life of the Buddha cp. 95

4—CF. Thomas, A xxxiii, 1903, P 349

5— CF Asvaghosha—Sutral mkara

بہ توسط ہو ہر (Huber) بزبان فرانسوی ترجمہ شدہ و در ۱۹۰۸ د بہار ہس
 بہ طبع رسیدہ.

6— JASB, Iv, i, 18886, P. 193

7— Cii, P.I xxvi

8—JRAS. 1903, P 334

9— SBAW, 1914, PP 643ff, also JRAS, 1914, P. 29

10— Konow. Op. cit.

11—Ibid

۱۲- ایضاً زیست، قسمت اول کانگریس تاریخ ہندوستان (۱۹۳۳)

طبع مجدد در ہند و آسیای مرکزی صفحہ ۱۳۱

13— op cit

14— op cit

15— Cal Review. July 1934, P. 83ff

16— EI viii, pp 196ff. Nos. iia, iiii

17 "Luder's List" Appendix

- El. X. No. 16, 17, 18, 21, 22, 23—JRAS, 1924, p. 397 No, 2
 18— Cii Vol., 11 (i) pp 138ff
 19— Ibid. P. 142ff
 20—Ibid. PP. 145ff

۱۸-۱۶-۱۱ درین سرزمین سه پادشاه گذشته بود از قبیل هوشکا (Hushka) جوشکا (Jushka) و کانشکا که آنها سه شهر بنا نهاده بودند. بقرار نظریه کنوتاریخ گذاری کله‌ها تا درین مورد به‌طور واضح غلط است او بارای چودری درین مورد موافق است که میگوید: کانشکا نیکه در لیست کله‌ها تا در آخر قرار دارد مؤسس دودمان نبوده بلکه سلطان بعدی است به همان نام (Cii. P. ixxx) شاه‌سده که او کانشکای دوم بوده باشد.

22— Ref No. 5

۲۳ بقرار نظریه توماس که میگوید لیوی شوا هدی را مینویسند بروسعت قامرو کوشانیها در جنوب هند ارائه نموده است .
 در (تاریخچه هان های بعدی چین) که مولف آن در سال ۱۹۱۷م گزارش نموده .
 در گذشته است ولی از واقعات بعدتر از سال ۱۷۰م گزارش نموده .
 به سلطنت تونگ - لی Tung—Li چنین خوانده میشود : شا - چی Sha—Chi پایتخت سلطنت تونگ - چی میباشد این سلطنت بیش از پنجاه هزار در حدود هزار میل در جنوب غرب تین - چو (Tien—Chu) موقعیت دارد و این یک سلطنت بزرگ است اقلیم و پیدوار آن مانند تین چو میباشد و چندین شهری از طراز اول دارد که رهبران آن بنام پادشاه ملقب استند و جهای بزرگ این سلطنت را مورد تاخت و تاز

خود قرار داد و آنرا بغلامی کشید. مرد وزن در اینجا فوت (چیتا می)

Thomes NIA. VII. Nos 5 and 6, P. 86 بلندی دارند

24— Ibid. 86

25— Ibid.

۲۶ - درین مورد بعدا به تفصیل خواهم پرداخت. از روی قطعات یک متن سنسکریت که از ترکستان چینی بدست آمده چنین برمیآید که او اصلا به بودیزم متمایل بوده چنانچه توسط تریپارک پارسوا (Parsva) با بنسودعوت و متمایل گردید. چنین استنباط شده است که اسواگوشا با کانیشکا در حمله او بر هند شرقی همراه بوده و بعدا او را به بودیزم متمایل ساخت (Konow. op. cit. P. Ixxxix).

۲۷ - تاریخ گذاری اسناد کوشانیها در عهد کانیشکا - هوویشکا و واسودیا بطور جدی در مقابل تاریخ گذاری ساکا قرارداد دواز طرف دیگر طوریکه کیلها رن (Kielhorn) اظهار عقیده میکنند چنین تاریخ گذاری با تاریخ گذاری بی مشهور بنام عهد ملا و اوپکر اما (Malava—Vikrama) شبیه و یکسان است. (IA. xxvi, P. 153) اسناد ساکا عموما کلمه وارشا (Varsha) را بکار نند حال آنکه کانیشکا و جانشینان او کلمات ماوند سا (Sa) ساموات (Samvat) ساموات سارا (Samvatsar) را بکار میبرد.

۲۸ - اکتیاس توسط کنو Cil. P. 77

29— Cii. , P. 77

30— Ibid p. 79

31— Ibid P. 81

32— Ibid P. 104

۳۳- پروفیسور ہا لندی اظہار عقیدہ میکند کہ سال اول عہد کانیسکا باہست سال ۲۰۰ عہد قدیم (ویا کمی بعد تر از آن) قرار داشته باشد. (Op. cit. p. 63) و علاوہ میکند کہ کانیسکا یک عہد جدیدی را بر تمام قلمرو خود معرفی نموده و عہد قدیم را پشت سر گذاشته و ترک کرده است و در قلمرو اوردو گندہا را تنہا یک سیستم کروٹو لوجیکی معمول و مروج بود .

بعد از سقوط این دو دمان عہد قدیم کہ در آنجا رہشہ گرفتہ بود بار دیگر در شمال غرب اہیا و مروج گردید و چنانکہ در سال ۳۰۳ می بینیم کہ تاریخ گذاری عہد قدیم بار دیگر بکار برده میشود و اقلاً تا بہ سال ۳۹۹ دوام میکند .

در سہا کہ قسمت بزرگی از سلطنت کوشانی در ہند محسوب میشود تاریخ گذاری عہد قدیم ہیچگاہ آنقدر بکار بر ندردہ نشدہ است. (Ibid. P. 62)

۳۴- بہندر کار (JBBRAS. xx. 1902, P. 386)

بقرار نظریہ کیلہارن (Kielhorn) قدیم ترین سنواتی را کہ مربوط بہ این ماہوات (Samvat) میشتاسیم متعلق بہ راجپوتانہ شرقی و بطور عمدہ از نواحی کہ با مالو امرزہای مشترک اردوہا شامل مالوا میباشند میگردد (IA. xx (891 P. 402) قدیم ترین سندیکہ از عہد وہکراما (وہکراما کھا کالا) (Vikramakhyakala) ذکر میکند سنگ

نوشته دهی لهور (Dholpur) است که سنه آن در سال ۸۹۹ یعنی ۸۳۱ میلادی
 میباشد (ZDMG. XL, P. 42; IA xix 0890) در قرن سوم میلادی نام
 کریتا (Krita) در يك تعداد کتیبه ها تذکره یافته که از راجپوتانها
 شرقی بدست آمده اند. این سنوات نیز برهه دیکراما اطلاق میشود.
 آلتیکار (Altekar) (E.I. xxxiii, P. 52) چنین استنباط میشود
 وعهد مشهور به دیکراما ما نزد همد کریتا نام آنها بیشتر شناخته شده و
 مروج بوده است و این ادا مهی بود از سال ۵۷-۸۰ ق م عهد قدیم (به
 دهکشیت (Dikshit) مراجعه کنید (AORI. xxxiv, P. 74)

35— Op. cit.

36— Cii. P. 165

37— Ref. No. 16

38— Ref. No. 19

39— Ref. No. 20

40— Cii., P. 150

۱- با این معضله در فصل آخرین به تفصیل پرداخته شده است.

۲- El. VIII., pp. 42 ff این سلطنت از طرف با شام

(BSOAS. 1953, pp. 92—93) در نیز از طرف لوه-و-وئین-دی-لیوو

(Op. cit., p 382) مورد بحث ومطالعه قرار گرفته است. در حقیقت

طرفداران نظریه عهد سا کا که میکوشند کانیسکارا معاصر رودادامن

نشان دهند بخاطر عدم موجودیت نام کدام فرما ذروای سا کا بر روی

اسناد و وسعت سلطنت سا کا نا به هند و ما لوا قسمتی از قلمرو امپراتوری

کوشانیها نیز بوده است کار را بیش از پیش مشکلترو پیچیده تر میسازند

(See H. C. Ghosh, IHQ.V. (1928) p.80;)

Raychaudhary, PHAI, (4th ed. P. 390)

ما این مطلب را در ضمن بحث وسعت امپراتوری کانیشکا و اروپا بط
او با کشتا ترا پها ساسی سا لوامورد مطالعہ قرار خواہیم داد .

43—E. I. Vol. IX, P. 244

م. م. - كٲلاك باستان شناسی موزیم سا نچی و كلكٲته ۱۹۲۲ صفحات

. ۳۱۹۳.

م. م. - يك لست جسامعی از ذخیره مسكوكات كوشا نی
وجود ندارد. در رانسی (Ransi) يك ظرف پر از سكه های مسی در
سال ۱۸۷۸ از خـاك بـرون آورده شد كه سه شاـمل
(۵۰۰) سكه متعلق به و یما كا د فیزس و كا نیشكا پنداشته
شده است (Cunningham ASR xiv, P. 48) و بعضی از سكه های این دو
فـرانزوا همراہ با يك سكه چهار كنجہ تا پـه شده توسط كار لیل
(Carlleyle) از مقام بودا (Buadih) كـردا (Kurda) بدست آمده
(Ibid. xii. P. 40) ۳۸۲ سكه مسی از و یما كا د فیزس و م. م. د از
كانیشكا در راه بین كالكا كاسولی در ولا یسا پشین پتیا له بدست
آمده اند (Pro. ASB. 0894, P. 82) .

يك ذخیره مسكوكات شامل ۵۰۰ عدد كه از آن جمله م. م. عدد
متعلق به و یما كا د فیزس و م. م. عدد آن متعلق به كانیشكا میباشد
در اثر حفريات از مقام امر كوت دو تحصیل سواهی (Swahi) واقع
در پشاور بدست آمده است . (ASI. An. Rep. 1922—23, P. 160)
در بین این ذخیره يك سكه از سوتر میگاس نیز دیده میشود . از
همان ناحیه بمقدار چهار سیر گنجینه از مسكوكات كوشانی بدست
آمده كه شامل ۱۱۵ سكه میباشد .

از آنجمله ۹۰ از ویما کادفیزس و ۲۰۵۴ از کاشیشکا است .
 (Ibid, 1926—27, P. 216) از مقام مانیکیا لامسکو کاتی بدست آمده
 که متعلق به ویما کادفیزس و کاشیشکا بوده و با دیناری (Denarii)
 رومن بی ارتباط نیستند (Cunningham ASR, II. p.162) مسکوکات دیگری
 متعلق به سایر فرمانروایان خاندان کاشیشکا در یکجا و همراه با
 مسکوکات ویما کادفیزس بدست آمده اند (Smith, JRAS (1913), p. 942)
 نقاط دیگری که این مسکوکات از آن بدست آمده اند عبارتند
 از کایرا (Kaira) گویا لهور (dn) واراناسی (بنارس) ولی مهمترین
 کنجینه این مسکوکات همانست که در ستوپه اهین پوش بدست آمده
 که از لحاظ کروئولوژی نسبتاً اهمیت و ارزش دارند.

(See also Banarji: Kushana in Eastern India, JUSI, xlv, pp. 62 ff)
 46—Proc. ASB (1897) p. 123

47— JRAS, 1913, P. 937

48— Ibid (quoted by

۳۹ - چنین مشاهده شده است که پوشاک سروطرز آرایش موی سر
 و نبودن سبیل و بالا تراز همه شکل ریش و چهره ای آنها خیلی شبیه است
 با کلمه امپراتوران روم بین سالهای ۳۰۰ م تا ۱۵۰ م بر روی
 مسکوکات شان .

(JRAS, 1908, P. 551, also quoted in IRAS, 1913, P.

۵۰ - هندو - یونانیها - ساکاها - هندو - پارسیها بر روی مسکوکات
 شان خطوط یونانی و خروشتی را بکار برده اند . و کاشیشکا تنها خطوط
 یونانی را استعمال نموده و او و جانشینان او تنها الفبای یونانی را بکار

برده اند و خروشتی نا پدید گشته است بقرار نظریه کنیدی استعمال زبان
هو نا نی بحیث يك زبان زنده و عام در شرق فرات بعد از سال صد (۱۰۰)
با یان یافت .

دوم اینکه کانیسکا و جانشینان وی زبان یونانی را میبند استند
این نظریه از طرف هارن و پرسی کار دنر پذیرفته شده است
(JRAS, 1913, P. 922)

51—JRAS, 1913 924 and note.

۵۴ - خلاص این مقاله به زبان فرانسوی در نوشته هنری دی دیر

Contribution a L'etude L'a,t تحت عنوان (Henri Deydier)

du Gandhara No. 415 pp. 250ff دیده میشود .

53—SBPAW. 1912, p. 83

54— JASB, III (1930) N. Sxl vii

55—Deydier-op. cit. p. 251

56— J.A. No. 236, P. 63

57—Smith—Catalogue of Coins in the Indian Museum,
um, Vol. 1, P. 97

58— Altekar—Catalogue of the Gupta Coins of the Ba
Gupta Coinage, p. 42

59—Fleet- Corpus Inscriptionum Vol. III No 1

۵۹ - مارشال از طبقه بندی بناها یکی که در طی کاوشهای خود از تا کسیرا

کشف نموده مطالعه خوبی نموده است او میگوید بناهای ستوپه

چیر (Chir) چهار طبقه دارد که یکی بالای دیگری قرار گرفته است.

در نیمه هر یک از این طبقات مصالح ساختمانی مختلفی بکار برده شده است. و همراه با هر یکی از این طبقات مسکوکات دودمان ها و یا سلاطین مربوط هر طبقه بدست آمده است. که ازین قرار است:

مسکوکات ساختمان و مصالح ساختمانی طبقه
 و الودیوا و کوشانیهای بعدی نیمه سنگی Smidiaper بالاترین
 کانیشکا هیویشکا و اسودیوا و یا هر کلان دوم
 کاند فیزس اول و دوم و یا هر کوچکتر سوم
 ما کا و پهلو rubble and Kanjue چهارم

61— JARS-1915, P. 195.

۶۲ - درین مورد وادل (Waddel) نظریات مختلف دانشندان را بررسی نموده است (JRAS. 1913, pp. 945ff).

بقرار نظریه سمت این هنر در دوران کانیشکا به اوج کمال خود رسید. ووگل (Wogel) و اسپونر (Spooner) باین عقیده اند که هنرگندها را

قبل از دوران کانیشکا به شگونوفا نمیخورد رسیده بود (Asi. An Rep. 1908—9, pp. 4,50)

بقرار نظریه فوشر (Foucher) کانیشکا در مراحل ما یعنی انکشاف هنر گندها را قرار داشت (L'art greco-bouddhiguedu Gondhara, 1905, pp. 40-

63— Marshal. JRAS. 1909, pp. 105 ff; Konow—CII.ii. p. 34

تاریخ گذاری این سه مورد سوال قرار گرفته است پرو فیسور باشام (A.L. Basham) در طی یک مکتوب به مؤلف گزارش میدهد که

جعبه زیورات بعد از شستن در برتش موزیم اثری از کدام سده در آن دیده نمیشود و بگمان غالب او شاید که کاشیکامی کبیر نیا شد و آن کاشیکامی باشد که در کتیبه (Ara) از آن ذکر گرفته .

64— J.R.A.S. 1903ff

65—J.R.A.S. 1903ff. 49ff

66— L'art Greco-Boudhigue P. 40ff

67— J.R.A.S. 1913, pp 946ff

وادل بعضی از حقایق ذیل را در معرض مطالعه قرار داده است . نخست شواهدی در دست نیست که بموجب آن گفته شود که هنرگندها را با گریکو - بودیک قبل از دوران کاشیکامی وجود داشته است و آنکه میگویند مناندر ویا محتملاً کاندو فرس هنرگریکو - بودیک را انکشاف داده این یک فرضیه است و حقایق از آن پشتیبانی نمیکند .

دوم : طرز هنرگندها را نسبتاً متأخر است و غیر قابل رقابت است با سده قبل از عهد مسیح . اینکه فرگسون (Fergusson) میگوید که هیکل تراشی گندها را در مجموع خود بیشتر طرح ادبی داشته تا یونانی نیز از طرف او مورد سوال قرار گرفته است او میگوید که هیچکدام نیست بلکه طرح ایرانی نتمی دارد (History of India and Eastn Architecture p. 182)

سوم : انگیزه های هنرگندها را متأخر است و با عهد پیشتر از مسیح توافق نمیکند . الهیات آن اکثراً مبنی بر خداشناسی است . . . و اخیراً هنرگندها را غالباً تا به قرن سوم ویا چهارم میلادی به اوج کمال خود نرسیده بود .

۶۸ - يك گزارش مختصری از این کاوشها و نتایج حاصله از آنها و

همچنان اشاره مختصری در مورد سنه کا نیشکا از طرف گر شمن
 Fouillsde Begram او داده شده است. (J.A. No ccxxxiv, 1943—45)

pp. 59 ff)

69— J.A. No 234. P. 70

70 Cahirs P. 710

71— Ibid. P. 708

۷۲ - بقرار نظریه پروفیسور لو هوئیژن دی لیوو که میگوید گر
 چه سکه های آخری کوشانی که توسط گر شمن از بگرام بدست آمده
 متعلق به واسود یوای اول است ولی در مورد اینکه اردشیر اول تخریب
 کننده بی شهر بوده باشد، شواهدی در دست نیست .

هک فسخ نظامی دیگری که باون شاه نسبت داده شده یعنی اشغال
 پشاور مورد شك و تردید کرامرس (Kramers) که او پسگبور
 (Pskbur) را با پشاور مساوی نمیداند واقع گردیده است
 (The Scythien Period PP. 319—20)

73— IC vol. VIII. PP. 191FF; JIH. vol. xx PP. 275 FF

۷۳ - از میان اسناد سنه کزاری شده مربوط کا نیشکاد و سند آن
 قابل ملاحظه است زیرا این دو تنها از نکشاتراها (Nakshatras)
 ذکر میکنند یکی از این اسناد کتیبه زهدا CII P. 142 از سال ۱۱
 کا نیشکا است ... و دومی کتیبه اوئد (Und) (Ibid. p.170) از سال
 ۱۱ است ...

75—IC Vol. I, P. 477

76—IC Vol. VII. PP. 49FF

- 77—JA.IX.VIII.1895 PP. 444 FF.IX,1897,PP. 526 FF;
 IA. XXXii, 1903,PP.381FF XXiii,1904.P. 110FF
- 78—CII. ii,P. lxxvi
 ۷۹- Ibid کنو معتقد است که مهاراها (Maharaya) را جانی راجا هینا
 جهای Hinajhe (?) ختن و سند نمبر ۱۶۶ او و جید ا سیمها
 (Avijidasimha) تر کستان همان عهدی را بکار برده که استاد
 کافیشکا بکار برده افد .
- 80—I.A.IX. viii. 1896 p.463; Bagchi;K.B.Pathok
 Commemoration Volume p.94.FF
- 81—Chavannes-Toun . Pao II.vii.1906 pp.330
- 82—Sylvain Levi-J..A, xi,ii, 1913 pp 330
- 83—Beal-Buddhist Records ,I, P.173. See Lohuizen-de— Leeuw,
 op. cit p.382
- 84—I.A. IX. viii,1896,PP. 482
- 85—OP.cit.P.384
- 86—IHQ.vol. v(1929)P. 71; Maspero,BEFEO, x ,1910 PP.95 FF
- 87—Toung Pao U.V. P 489
- 88—Sten Konow CII. II.pIx x vii
- 89— Cahiers d' Histoire Mondiale op. cit. P. 713
- 90— Lohuizen-op. cit. P.318
- 91—J.A. 234 (1943-5) pp. 59, also ref. 89 p. 163
- 92— Pro. Ind. History Cony.Hyderabad
- 93— op. cit.
- 94—E.L. Vol. VIII, pp. 179ff;l. A. VI. p. 217, vol. xxxII, p.39
 ۹۰ - مسکوکات کاشمیر در بهجتا (Bhita)
 و پوتالی (ASI. Ar. Rep. 1911-12 pp. 34—63)
 پیدا شده بود و از هوویشکا از بهجتا (Ibid. 1912—13, pp. 79,84)

(op. cit) و از (والودیوا) نیز از بهیما (op. cit. p. 65) سه سکه
 کوشانی از فیگال شمال بدست آمد، از (JASB. 1932, P. 127) يك
 گنجهینه از مسکوکات کوشانی از عهد ویما کاد فیزس تا (والودیوا)
 از بوکسار (Buxar) پیدا شده است.

بقرار نظریه التیکار (Altekar) این مجموعه شامل است از ۲۳
 سکه از ویما کاد فیزس ۱۰۹ از کاشیشکا و ۱۷۲ از هویشکا و ۳۸
 عدد آن هنوز تشخیص و شناخته نشده است.

(JNSI. xli. pp. 121. ff)

يك سکه از هویشکا توسط گنگهمار مقام بود اگایا (Bodh—Gaya)
 نزدیک و اجراسانا (Vajrasana) بدست آمده است. مسکوکات کوشان از مقام
 ویسالی (Vaisali) و از کوما را هارا (Kumarahara) واقع در
 پهنه دو کاشهای سال ۱۹۰۶ نیز یافت شده اند يك مقدار زیادی از
 ظروف سفالین که تصویرهای کوشانی و لباسهای آنها در آن نقش بسته
 نیز از مقام (کوما را هارا) بدست آمده (Bihar throug Ages, P. 205)
 ; see also JNSI, XIII(1)pp. 62—65)

۹۶ - توماس متون ادبی و اسناد راجع به ترکستان چینی I.pt
 لندن ۱۹۳۵ ۱۱۹ م. بقرار نظریه ستین کنوکا نیشکا و پادشاه گوزان
 (Gu—Zan) و ویجا کرتی (Vijaykirti) زمامدار سرزمین لی
 (Li) و دیگران لشکری با واستند و بر هند تاختند و شهری را بنام
 سوکد (Sokos) غالباً سا کوتا (Saketa) را اشغال کردند.

97—JBORS.L, P. 232

98— Ibid, V, P. 78

99—JASB, xxxviii P. 127

- 100— Op. cit.
 101— Majumdar-Sartri: Ancient India by Ptolemy, p. 212
 102— Melanges Charles de Harlez, Leyden, 1896 pp. ff Cf. Sten Konow CII, P. xxi
 103— Gupta Coins —Introduction P. xxxix
 104— IG. III, P 727 ff TN Ramchandran—Find of Pusi Kushana Coins from Sitabbinji (Kumarahar) CJNSI, xii, i (1951); cf. A. Banerji: "Kushanas in Eastern India
 105— CJNSI. xiii, pp. 107-9 IHQ, xiv p. 149
 106— Beal: Buddhist records of the western world Vol. 1, P. 50
 107—JRAS. 1942, P. 19

۱۰۸ - حکومت کوشانی در آسیای مرکزی شامل بلخ و ختن
 مبنی بر اسنادیست که از متهورا (Mathura) و در کاوشهای تازه‌هی
 هیئت باستان‌شناسی شوروی تولستوف (Tolstov) بدست آمده اند
 و ارجاع به وسعت امپراتوری کوشانیهای بزرگ و الحاق خوارزم به
 آن اشاره کرده است از قرن ۳ م سکه‌ها با طرف راست خود تصویر
 نیم تنه پادشاهان را پیدا میکنند که روی آنها دراز و بر بری بوده
 و پوشاک سر آنها به سبک اردشیر اول شاهنشاهی اول بهرام دوم و هورمزد
 (Hormizd) دوم شبیه است .

تولستوف اظهار عقیده میکند که این وضع نشان از پایان
 کوشانیها است .

(Quoted by Ghirshman, Carniers. P. 701)

و علاوه میکند ، قدیمترین سکه‌ها یکبار بدست آمده ، متعلق به
 واسود یوا است . سه سال بعد ترخیر رسید که هیئت باستان‌شناسی ،
 در از پاکستان جنوبی نزدیک مرزهای افغانستان در اثر کاوشهای

خود چیزی را از زیر زمین بدر آوردند ، که گفته میشود یک قهر
کوشانی بوده باشد ، و این بدین معنی است که کوشانیها از بحیره
آرال تا به هندوستان سیطره ی نفوذ خود را پهن کرده بودند .
(INS. Sept. 18. 1961)

در کتیبه برهمنی سال ۲۸ متهورا و چندین اسناد دیگر از کلمه
بکاناپاتی (Bakanapat) ذکر شده که این سرزمین قسمتی از امپراتوری
کوشانی را احتوا میکند . . .

109— Op. cit.

110—JASB, lx (1943) pp. 79 ff

111— CII. Vol. 11 (1) p. 175CF. Ojha—History of tana, P. 111

112—Ref. Junayarh Inscription of Rudradaman E. 111—P. 309)

113—D.R. Bhandarkar IA 1918 P. 153

فکر میکنند که کوشا نا مولانا (Kusanamula) در کتیبه جونانگر
اشاره به فرمانروای کوشانی کرده است .

بقرار نظریه ستین کنو (C II.p.lxviii) و ایان بن - کوشن در تین

چو (Tien—chu) بدون شك عبارت وند از کشا تراهای غربی .

۱۱۳ - JRAS, 1925, p. 9 - قرار نظریه او هوئیژنسوی - ایوه این غیر

قابل پذیرش است که کشا تراهای غربی که آنها عهد ساکا را

بکار میبردند، و تحت اثر کاشیکام و جانشینان او بوده اند عهد

دیگری بجز از فرمانروای خود را بکار برده باشند .

اینکه کنوانهارا مادونان ریما کادفیزس دانسته اند

(IHQ.IV.PP. 760-4) از طبری تو ماسر دگر دیده است

(Sandanes Nahapana etc. op.cit. NIA)

115—JBORS xv p.52

116-PHAI (5th ed.p. 621)

۱۱۷ - ایوی در عبارت‌هایی را از تاریخچه‌های بوری که مؤلف آن در ۱۷۰۰ م درود حیات گفته است و واقعات بعد از ۱۷۰۰ م را ثبت نکرده نقل میکنند که میگوید گزارشی از یک سلطنت تونگ - لی Tung—Li پایتخت آن (Sha-Chi) میباشد که بیش از ۳ هزار رنی (Li) (در حدود هزار میل) در جنوب شرقی تین چو (Tien—Chu) (هند) واقع است.

یوچیهای بزرگ آن سلطنت را مورد حمله بی خود قرار دادند و به غلامی کشیدند.

یک اشاره بی دیگری هم هست راجع به این سلطنت و اشغال آن توسط یوچیها همراه با (تین - چو) هر دو با هم دیگر متمایز اند. لهذا (تونگ لی) با بست جای دیگری باشد.

118—Op. cit. 92

119—Ibid p. 95

120—Op. cit. CII

121—Op. cit.

122—Op. cit.

123— Op. cit

124—Kern—Manulof Budd hesm, p. 121

۱۲۵ راجع به یک گزارش جامع از کازشهای درین نقطه مراجعه

کنید به :

Asiar, 1908—9, pp 38ff; 1909—10 pp. 135ff. Marshall

JRAS, 1909, pp 1055 ff

راجع به دو قعیت مستوپه و شناخت آن مراجعه کنید به :

ASIFC, 1907—8 pp. 17ff; 1908—9 pp. 14 ff, see also P. 440
Fouer— L' art Greco—Buddhique du Gandhara, 11

۱۲۶ - این نکته قبا بل شك است . د ر يك مکتوبی که به من

نوشته شده است پرو فیسور (A.L. Basham) از لندن که ا و اخیراً

تحلیل کرده است راجع به جعبه از هر گونه اشاره خود داری کرده

است جعبه اخیرا برای صفا کاری به بر تیش موزیم فرستا ده شده است .

127—JA, 1896, 11 P. 444

۱۲۸ در باره پی کونسل کا نیشکا مراجعه کنید به :

Hiuon—Tsang—Memoires, 1, 127; Beal, 1, P. 117, Isi;

Watters, 1, 274—276; Takausa, JRAS, 1905, P. 415

JF-TS, 1905, P 123 Toung—Pao, 1904

129— Fordetails see, JTA, 1897, 11, P. 528

130— Thomas IA, 1903, P. 345; 1904, P. 31, 1905,

P. 146; Levi JA 1896, 11 P. 449—455; 1897, 1, P. 1

بقرار نظریه شاکلیتن بیلن (Shakleton Baily) این کا نیشکای

دوم بود که ما تری چمتا (Matrichita) به کونسل های او خطاب میکنند .

Poussain—op. cit, P. 325

۱۳۲ کتیبه سال ۲ (Ref. Mathura Yupa)

متعلق به مها راجا - راجا تی راجا - دیوا بوترا - و ا سیشکا

Vogel—Cat, Math, Mus No. Q13; Sahni, D.R., JRAS,

1910 P. 1311 ff. note by Fl-ect, Ibid, P. 1315, 9; Luders

List, No. 149, 19

۱۳۳ - این کتیبه از طرف با نر جی چاپ شده است

(IA. xxxvii, 1908, pp. 58ff) ولودرز آنرا ترجمه کرده است .

134—I.C. Vol. VIII

در تقابله امن راجع به کوشا نیهای بعدی یا کوشا نا بوترا ها .

135—Luder's List, No 33

تنها حروف شکاسیا Shkasya با قوما زده است به قرار نظریه گروس (Growse) این کتیبه غسا لبا به کا نیشکا اشا و ه میکند (IA. Vi P. 217 No 1) لهجه این کتیبه مختلط است و چون سندسال (۲ م) سنسکریت متعلق به اوسیشکا که از کیمس پور (متهور ا) بدست آمده خالص نیست. (I.A. 1903, P. 388) .

136—E.L. Vol. xxi P. 5 5

اصطلاح بکا نا پانی (Bakanapati) در چندین سند دیگر نیز ذکر شده است. کتیبه مشهور مات (Mat) که در سنگ زیر یک مجسمه نقر شده (JRAS. 1924. P.401, N.31) که از یک ما موراسمی ذکر میکنند (نام سوکرا (Saukra) آغاز میگردد) که اولقب باکانا پانی داشته و پسریک مهانداندا وایا کا (Mahedandawayaka) بود. این ما مورادیو اکولای پدر کلان هویشکارا تر مهم کرده بود.

137— SBAW. 1912, P. 82; cll, 11, P. Lxxxix

138— Vogel. Cat. Mat. Mus. No C. 13,

139— El. L. P. 387, No, 9, Luders List No 42

140— Luders List, No. 43

141— I.A. xxxlll, 1904, P. 101

142— E. L. I P. 204, No xx

143— Carmichael Lectures, 1921, pp. 22—3

- 145— Banarji J., Development of p. 146 Hindu Iconography
- 146— The Age of Imperial Unity (Bhavan's History of India) Vol. 11, p. 439
- 147— IHQ. xii. pp. 153—56
- ۱۳۸- اصطلاح دیوا کولا (Devakula) از طرف جا یا سوال (Jayaswall) به یک نما یس گاه شاهی تعبیر گردیده که در آن پورتیت ها و مجسمه ها نگهداری میشود. . . ماهنی با جا یا سوال هوانق است JRAS, 1924 P. 403 این تعبیر بایست از همان نوع بوده باشد. بقرار نظریه ماهنی این نام ممکن است که بگویم دیوا کولا ی این کتیبه همانست که در کتیبه ویماتا کشا (Vama—taksha) مانند سا لون مجسمه ها پراتیما گریها (Pratima—griha) ذکر شده است ممکن بود تصور شود که دیوا کولا در (سات) نزد یک متهو را پراتیما گریهای فامیلی حکمروایان کوشانی بود، باشد. (Ibid) یک کتیبه از نصب یک مجسمه بوا هستوا در دیواچایا (Devachaya) ذکر میکنند (JRAS. 1924. P. 400, No 1)
- 149— Progress Report Arc-heological Survey Western Circle. (PRASWC) 1906-7. P. 31
- 150— Numismatic Chronicle, pp117—18
- 151— I.A. xxxill 1904, P. 151 Cunningham, Asr, Ill, p. 33
- برای تشخیص اود یا نا Udiyana به دیدیر (Deydier) مراجعه کنید
- Contribution a L'etude de L'art du Gandhara, pp. 144.ff

در این اثر نظریات تمام دانشمندان بادتون قدیمه ادبی جلب

توجه میکنند . این نام قدیم سنسکریت برای سوات است .

س . لیوی معتقد است که این کلمه نمایندگی از سرزمین قدیم ختن میکند

که چینیان ها آنرا ییث (Yu, t'-ien) نقل کرده اند JA. 1915. P. 110

با ییخت قدیم آن از طرف ستهن کنو با مانگلور (Manglaor) یکی پنداشته

شده است .

152—Cll. 11. p. 137. 103

153—Ibid. pp. 70ff

154—Pro Ind Hirt. Cong.

Hyderabad p. 163

155— J.A. 264. pp. 345ff

156—Cll. C 1. pp. 162. ff

157— ASIAR. 1911—12, pp.95ff

158— Cll, 1, cil P. 170

159— ASIAR, 1912—13, pp 10—12, 1935—36, pp. 33—35

1915—16, pp. 1—38

160— Chirshman— La chronologic des Kouchans-op.
cit P. 698

161— Chavannes—Toung Pa o, II, ii P. 489

162— Lohuizen de Liew— The Scythian Period P. 319

163— Op. cit p. 701

164— Ref. No 154

165— E.I. lx. pp. 243 ff. Luders List No.62

166— E. I. lx pp. ff. Luders List No 60

167— Ibid

168— ASR, III, P. 35, No 18

169— JASB, vol. V, P. 6 No. 7

۱۷۰- برای مزید معلومات در آنچه گفته شد به بگرام گرشمن
(Lecairo 1946) و نیز به مقاله یسی او در باره

(Le Problom de-la Chronologie des Kouchans)

۱۷۱- جهت مزید معلومات در مورد کتیبه در آنچه گفته شد

به سهرنگامین (Sprengrling)

Third Century Iran, Sapor and Kartir, Chicago, 1953

۱۷۲- نظریات در مقاله بی گرشمن (Le Probleme etc.) ا. ق. ت. با س

گردیده (op. cit. P. 699)

173—JA. GCXVii (1952)P.43



فصل چهارم

کوشانیهای بعدی

کوشانیهای بعدی در تاریخ قدیم هند برک روزه های بی ارزش از یک درخت پراگنده در اینجا و آنجا نیستند بلکه خود یک واحد مکملی بشمار میروند. در فصل گذشته توضیح شد که (واسودیوا) در سال (۹۹) عهد کانیشکا از سلطنت با زیستا دو در شمال غرب قدرت او طوریکه از کانیشکا در گرام پیدا است رو به زوال گرائیده بود مگر قسمت شرقی امپراتوری کوشانی از عدم استقرار سیاسی محفوظ و مصون مانده بود. از روی یک عده کتیبه ها که از دتهورا و سانچی بدست آمده اند بر می آید که بر این سرزمین ها حکومت کوشانیها دوام داشته است.

چنین یک کتیبه (۱) فرما نروا را بحیث کوشا نا پوترا ذکر میکنند که شاهد او یکی از اخلاف و دودمان قبلی بوده باشد نه پسر فرما نروا نخستین کوشانی طوریکه جا یا سوال (۲) نکرده میکنند. کوشا نایک نام نامیلمی بوده نه از فردیک کتیبه مانیکالا (۳) درین مورد خیلی صریح و واضح است که اشاره میکنند به لالا (Lala) به حیث (Gushanavasamvardhaka) که یک شاخه پی از

فا میل کوشا نی است.

مشا لها ی زیادی در تاریخ هند موجود است مبنی بر اینکه
دودمان دومین بتاسی از دودمان اولی نام گذاری شده اند بطور
مثال شالوکیاها (Chalukyas) جانشین شالوکیاها و کادامباها
(Kadambas) جانشین کادامباها گردیده اند و بنا بر این این یک
امر غیر معمول نیست که تصور شود کوشا نا پوترا ی کتیبه
مات از اخلاف خاندان قبلی بوده و بکار بردن لقب آنها را اجاباتی
راجا دیوا پوترا را نظمه و تسلسل و ادامه نژادی را میرساند.
تاریخ این خاندان سوم کوشانی را میتوان از روی اسناد
سکه شناسی و کتیبه شناسی و ملاحظات کرو و نو او جیکی و شناخت
خطوط قدیمه و زبانهای آنها و بالاخره از روی شواهد باستان
شناسی ترتیب داد.

شاهی و اماتاکشا Skahi Vamatalcsha

کتیبه بی سنه (م) که بر جسمه بزرگ شاهی و اماتاکشا قرار
دارد و از مقام تاریخی مات در تهورا بدست آمده راجع به تعبیر
معبد (دیوا کولا) یک باغ آرامه (arama) و یک چاه (Undapana) توسط
یک باکانا پاتی که نام او با هجای هوما (Huma) آغاز میگردد
گزارش داده است. این رسم ما نوس است. و با لقب او یکجا
خوانده میشود. چنین برمیآید که وقف دهندگان افراد خارجی
بوده باشند هو ویشکا (ه).

اصطلاح باکانا پاتی در دو کتیبه دیگر نیز بکار برده شده است

که یکی آن تعلق میگیرد به ناحیه مات در متهورا (۶) این کتیبه از یک جهت دیگر نیز حایز اهمیت فراوان است.

این کتیبه از تمهیر سعبد (دیواکولا) سخن میگوید و کتیبه بی دیگر راجع به ترمیم آن گزارش میدهد. ازین بر میآید که این کتیبه نسبت به کتیبه عهد هوویشکا قدیمتر است. ولی بجز در مورد دیواکولا در متن خود با همدیگر فرق دارند. و راجع به احداث باغ و حفر چاه آب در کتیبه بی دیگر ذکر شده نمیشود. علاوه تا کتیبه بی مات متعلق به عهد هوویشکا راجع به پدر باکانا پاتی سخن میگوید که نام او با هجای (سیلاب) ما شا (Masha) آغاز میگردد. ولی بکانا پتی بی کوشا نا پوترای اما تا کشا نا پدر او را ذکر نمیکنند این هر دو طوری مینمایند که با یکدیگر ارتباط ندارند و دیواکولا که از طرف و اما تا کشا بکانا پتی اعمار گردیده شاید که یک ساختمان مستقل و جداگانه بوده باشد متأسفانه این ممکن نیست که تعداد دیواکولاها در مات تعیین گردد. از نقطه نظر تاریخ سیاسی و ما تا کشایک فرما نروای کوشا نی بوده است.

این حکمران را بعضی از دانشمندان (۷) با و هما نا کشا (Vimataksa) یا و هما کاد میزن یکی میدانند و کوشا نا را میگویند. که نام فرما نروای نخستین کجولا کاد میزن بوده است. ولی با فهم ما او را یکی از اعضای دودمان کوشا نی میدانیم که او بعد از مرگ واسود یوا تاج و تخت را در متهورا غصب کرد و شاید که او نخستین فرما نروای دودمان سوم کوشا نی بوده باشد. چون او مسکوکات

را انتشار نداده است گمان می‌رود که دوره بی‌فر ما فروای او خیلی کوتاه بوده باشد.

کاشیکای دوم

نام سلطان کاشیکا در یک کتیبه ای که از مقلم دالپاتی - کی خرکی موهله (Dalpati—Ki—Khirki Moha-Ila) کشف شده و توسط (D. R. Sahin) در ایوبی گرافیا اندیا (Epigraphia India) (۸) به طبع رسیده دیده می‌شود. سنه گذاری این کتیبه مورد مشاجره و مباحثات طولانی بین دانشمندان واقع گردیده است.

بقرار نظریه‌سازانی این کتیبه در سال ۱۰۱ سنه گذاری شده است. این مسأله از جهت دیگر نیز حایز اهمیت است. این نخستین سند کوشانی است که نام ماه شمسی هندورا در عوض فصل طوریکه در سایر اسناد دیده می‌شود بکار می‌برد.

دوم اینکه از بودا برای نخستین بار بهیث دیوا (Deva) ذکر رفته چون: (Buddhasya Svamatsya de-vasya) سوم خطوط قدیمه سند خیلی نزدیک است به رسم الخط های شرقی گوپتا (۹) محلی که این سند از آنجا بدست آمده نیز قابل ملاحظه است.

این کتیبه از یک ناحیه بلند و الهاتی کی خرکی موهله کشف شده نه از کاشیکای تیلاجا بلکه کتیبه های کاشیکا و جا نشینان او بدست آمده است. این کتیبه از نصب مجسمه بودا توسط سا نگیل (Sanghila) در روز دهم ما پوشا (Pausha) سال ۱۰۱ مه اراجا - دیوا پو - ترا - کاشیکا گذارشی می‌دهد دو نفر کتیبه شناس سا هر خطوط قدیمه

کتیبه رامور در مطالعه و بررسی قرار دادند و کوشا نیهای مختلف را ارائه نمودند.

توماس (F.W.Thomas) اظهار نظر میکند (۱۵) در شکل در سال و در روز که در کتیبه نشا نداده شده هر دو عدد ده (۱۰) خوانده میشود که تباین را نشان میدهند نه چیزیکه دایرام ساهنی از آن استنباط کرده است و تمام مثال را (۱۰۳) خوانده است یک کانیسکا که در سال (۱۰۴) با حتمی در سال (۱۰۴) حکومت کرده است، چیز عجیبی نیست.

توماس یک قدم فراتر میگذارد و میگوید که حتمی کانیسکای سال (۲۰۳) اگر از ختم قرن سوم میلادی بعد تر نباشد وجود او ناممکن و نا محتمل نیست.

بهر صورت د یواپو ترا شاهانو شاهیها (Devaputra Shahanushahis) کرچه قبل از حدود سال (۲۳۰) م باشند آنها باختر را به ساسانیها دادند و در گندهار او شاهی در پنجاب و متهورا بزنگی خود دوام دادند که با سمودرا گوپتا samudragupta در تماس گردیدند.

از طرف دیگر هر و یسر و ی . وی . مراشی Mirashi (۱۱) بشمول نخستین کلمه را (۵) میخواند و سنه گذازی کتیبه را سال (۳۵) می داند او این کانیسکا را با کانیسکای کتیبه آرا (Ara) یکی می پندارد و تداخل عهد زمامداری بین هر ویشکا و کانیسکای دوم را تشریح میکند و میگوید بعد از مرگ وایشکا در امپراتوری کوشانی یک جنگ داخلی بوجود پیوسته بود.

در ابتدا کانیسکای دوم فاتح بود و تا سال (۱۰۴) بحیث امپراتور

حکومت کرد. و بین سالهای (۱۳۰۰ هـ) توسط هوویشکا به عقب نشینی
مجبور گردید. و در اخیر بهیث ما دون و زهر دست او قرار گرفت. و کمی
بعد هردوی شان توسط شخصی دیگری شکست خوردند و مجبور ما خسته
شدند که برای خود لقب پانتر تنهاراجا را انتخاب نمایند. چنین
معلوم میشود که پروفیسر خیلی بر نبودن القاب تا کید میوزد و بر
روی شواهد عادی انکام میکنند.

کانیشکای اول در کتیبه سور بهار Suivihor (۱۲) متعلق
به سال ۱۱ (۱۹ میلی جنوب غرب بهاو لپور) به القاب سهاراجا راجا تی
راجا دهوا پوترا یاد شده در حالیکه در کتیبه زهدا (۱۳) متعلق به همان
سال فقط به القاب ساده موروادا - مارجها کاکا کانیسکا
Muroda Marzhaka kamishka نامیده شده است. که ترجمه آن
چنین است.

فرمانروا مارجها کاکانیسکا Marzhaka Kanishka آنها از هن
استنباط میشود که او مقام امپراتوری را در همان سال از دست داده
باشد... ؟

قسمت دهگری از مبحث پروفیسر V.V. Mirashi (مبراشی) راجع
به جنگ داخلی، بعد از مرگ واسیشکا - میگردد که ما آنرا بعد از
مبحث شناخت کانیسکای کتیبه آرا مورد، مطالعه قرار خواهیم داد.
کانیشکای سوم:

کانیشکای کتیبه آرا (۲۱) Ara که تاریخ آن سال (۱۳۱)
میباشد برای آن مؤرخانیکه در منجلا ب کرو نولوجی کانیسکا اهنسو
و آنسو دست و پا میزنند شخصی است معمائی. مشکل است که در سال (۱۳۱)

چنین القاب شاهداری را برای يك فرمانروای کوشانی قبول کرد در صورتیکه هوویشکا از سال ۲۸ تا ۲۴ بلا و ژله سلطنت میکرده است. کتیبه گزارشی میدهد که در عهد مهارجا - راجاتی راجا - دیوا - پوترا کیسارا (Kaisara) کانیشکا پسر وایشکا Vajheshka در سال ۱۳ بروز ۲۵ ماه جاہشتا (Jyaishtha) يك جا بواسطه داشاوها را (Dashhavhara) وواسه پشاوارها ن (Poshapuria (Poshawarian)

Putrona حفر گردیده بود. اینک نام پدر او Vajheshka با وایشکا یکی دانسته شده کاملاً بجاست. ولی اگر ما وایشکا را بعد از کانیشکای اول پیش از خود هوویشکا قرار دهیم. پس این کانیشکا درین میان بطور ناگهانی وارد شده است.

بعضی از دانشمندان این کانیشکا را با کانیشکای اول یکی دانسته اند. (۲۴) و میگویند که او پیش از ۳۳ سال حکومت کرده است و پسران او وایشکا و هوویشکا با القاب مهارجا محض معاونان پدر خود بوده اند و قدرت واقعی بدست کانیشکا متمرکز شده بود. شاید که او درین وقت از هند به دور بود، است.

يك چاره دیگری (وها امکا نیت دیگر) از طرف لودرزوستین کنو (۲۳) تجویز شده است، و آن عبارت است از تقسیم امپراتوری کانیشکا بین وایشکا و هوویشکا که هوویشکا بعداً جا نشین کانیشکای که در کتیبه آرا از آن ذکر رفته و پسر وایشکا میباشد، بر تمام قلمرو امپراتوری کوشانی که شامل اطراف شرق و غربی میشد گردیده است. متأسفانه که این هر دو نظریه قابل قبول نیست گرچه این ناممکن نیست ولی غیر محتمل است که کانیشکا برای چنین يك مدت درازی

حکومت کرده باشند و امپراتوری خود را به دو پسر خود که نامهای ایشان در اسناد وقف کنندگان و هدیه دهندگان بهمتر از هر کس دیگر جلوه میکنند واگذار کرده باشد. حال آنکه درین سند مهر دودور افتاده نوبا و کان پشاوریان فکر میشود که عبارت از امپراتور کهن سال بوده باشد.

از طرف دیگر اگر تقسیم امپراتوری در میان بوده باشد، و هوویشکا قسمت های شرقی و وایشیکا قسمت های غربی را جایکه اسناد پسر او کانیشکای دوم از آنجا بدست آمده تصاحب کرده باشد پس درین مورد که اسناد وایشیکا با القاب مهاراجا سراجاتی و اجا بد و اوپوترا و شاهی از قلمروی هوویشکا در متهورا و سانچی بدست آمده چه باید گفت؟

درحالیکه یک زمان مدار از بدخشان نیز در شمال غرب (Bakanapati) ها کمیت و تفوق هوویشکا را بر خود برسمیت شناخته است (۲ م) یگانه چاره ای که برای حل معضله کانیشکای کتیبه آرا (Ara) میتوانیم داشته باشیم اینست که وی را در خاندان کوشانیان بعدی بحیث پسر وایشیکا (Vasishka) وایشیکا (Vajheshka) قرار دهیم.

این هر دو فرمانروا سکه ها را بضرب رسانده اند ولی اگر ما آنها را در گروپ قبلی قرار دهیم احتمال موجودیت آنها از روی شواهد سکه شناسی از بین میرود.

چنین معلوم میشود که این کانیشکا کتیبه آرا عبارت از همان کانیشکایی باشد که در یک کتیبه که از خرابه های معبد کوشانی

سرخ کوتل در افغانستان بدست آمده واز او ذکر رفته و سنه آن سال ۳۱ مویا شد (۲۴) این کتیبه تغاری است که اساساً از خط شکسته یونانی که در ایران و پاره‌ها معمول بوده منشأ گرفته است .

نخستین سطر آن از محل يك همارت کا نیشکا فاتح ذکر میکنند . و طوریکه مار یک (Marisq) میگوید خیلی شبیه است به دیواکولا . سنه این کتیبه سال ۳۱ ماه نیمان (Nisan) یک ماه با بلی ها سه‌ها شد یک ترجمه مکمل مربوط این سنه هنوز صورت نگرفته است . و ما بخاطر تاریخ سیاسی و کرونولوجی تنها به سنه آن دلچسپی داریم . یک چیز یعنی آشکار است و آن یکی بودن این کا نیشکا با کا نیشکای متذکره کتیبه آرا احتمال قوی موجود که و اینیشکا یا و اجیشکا تا به سنه ۳ حکومت کرده و بعد از او کا نیشکای سوم جا نشین او گردیده که تا به سال ۵۴ حکومت خود دوام داده است .

تفصیل تاریخ سیاسی کوشانیهای بعدی چندان روشن نیست ولی بعضی شواهد مکه شناسی و با ستا شناسی میتواند درین راه با ما کمی کمک برسانند .

شواهد سکه شناسی :

شواهد سکه شناسی تنها دو نفر از فرمانروایان کوشانی بعدی یعنی کا نیشکا و واسو (Vasu) را با ما معرفی میکنند. الیتکار (Altekar) کوشیده است که از روی سکه و کات سلاطینی که بر پنجاب و سند و افغانستان حکومت کرده‌اند و همچنان معاصرین آنها که در ایران و باختر بودند یک تاریخی بتویسد (۲۵) بقرا طرح او بعد از واسود هوا کا نیشکای سوم بر تخت نشست و در ای ۳ سال سلطنت کرد و بعد از او

واسودهی دوم زمام امور را در دست گرفت (از حدود ۲۱۰ تا حدود ۳۰۳ م) که در عهد این فرما نیروی قدرت و موقعیت کوشانیها رو بزوال گرائیده و در حالت روز شماری بود.

ما به چنین نظریات و تعیین سنوات و سلسله مراتب دودمانی خود ساخته چندان دلچسپی نداریم.

این مشکل است که کانیشکو (Kaneshko) يك فرد خاندان کوشانی بعدی را که مسکو کات او بدست آمد، کانیشکای دوم متذکره در کتیبه متهورا سال ۱۳۱ ویا کانیشکای سوم کتیبه سرخ کوتل سال ۳۱۱ کتیبه آرای سال ۱۳۱ بدانیم.

البته ممکن است واسو (Vasu) راهبارت از واسکوشانا (Voskushana) یا واسیشکا دانست.

مسکو کات کانیشکا که از مقام پنجاب و افغانستان بدست آمده نام واسودیوا بر آنها نقش بسته و این نام بر مسکو کات فرمانروای بعدی کوشانی واسو (Vaso) نیز دیده میشود.

طوری که در کتلاک وایت هید دیده میشود (۲۴) خطوط بر همی با خطوط نامده شده یونانی بر مسکو کات هر دو تکرار یافته است. بر عقب دوسکه واسو آلهه اردا کشی (Ardoksho) دیده میشود که بر تخت نشسته و نواری و شاخ مشر را به پیش در دست گرفته است (۲۷) درین حالت میتوانیم بگوئیم که این سکه ها متعلق به همان کانیشکای سوم اند. البته کار علاوه میکنند (۲۸) حروف بر همی سیوی

(Bhri, VI, SI) که بر مسکوکات کاشیشکا دیده میشود علاماتی است از حرف اول نام والیا نسی که بر نواحی مختلف امپراتوری وسیع او حکومت میکردند. و گذشته از آن حروف دیگری نیز چون Ga—Na—Pa (Tha—Khu—Chu—Val) و غیره نیز دیده میشوند.

نقش بستن این حروف بر روی مسکوکات آن دو فرمانروای کوشانی بعدی معما نیست لاینجل. فعلا جز این نمیتوانیم بگوئیم که مسکوکات واسودو کاشیشکو غالباً نماپردگی از واسیشکا و کاشیشکای کتیبه آرا میکنند.



شواهد باستانشناسی

شواهد باستانشناسی در مورد موقعیت کوشانیهای بعدی از طرف
گوشمن در چندین نقطه از قبیل بگرام، سرخ کوتل، قلعه میر
کی قباد و ایر تام - تر منی تالی برز و نزد یک سمرقند به نحو مرغوبی
بررسی شده است. (۲۹)

این همه شش نقطه از نظر محتوای سکه شناسی و باستانشناسی یک
تشابه و یک وحدتی را نشان میدهد بعضی از آنها اگر شهر بوده و یا
معبد از طرف کوشانیهای بزرگ بنا یافته که اکنون به ویرانه ای
مبدل و یقیناً زهرخا کستر آنش پنهان گشته اند، بعد از یک وقفه زندگانی
در یک شهر جدیدی بر روی ویرانه های شهر قدیم (به استثنای ایر تام
(Airtam) جایگه برای همیشه ترک داده شد) آغاز گردیده است.
و این در عهد دودمان سوم کوشانیها و یا کوشانیهای بعدی اتفاق
افتاده است.

یک مطالعه و تحقیق مقایسوی نیز از طرف دانشمند مذکور صورت
گرفته است. بعضی ظروف گلی اهک از قبیل دهان (S) یافت شده خیلی

شبیبه است به آن ظروفیکه از بگرام سوم و تالی برزو (Tali—Barzou) نزدیک سمرقند کشف گردیده است .

سه عدد سکه از آخرین طبقه بدست آمده که یکی آن شامل تصویر و سو دیو ای سوم است (بقرار نظریه گرشن و اسودیوای دوم و بقرار نظریه بکهور (Bachhofer) که میگوید ما بطور واقعی را جمع به یک اسودیوای سوم معلمات داریم) و یک سکه مسی که با سکه بگرام سوم شبیه و متعلق به دودمان سوم کوشانی است و آخرین آن شاهد که یکی از سکه های متعلق به ویماکادفیزس بوده باشد .

گسستگی ای که بین طبقات چهارم و پنجم و وقوع پیوسته است قبادهان طو، یکه دهاکانوف (Diokonov) اظهار نظر میکند ناشی از پیروزی شاهپور اول در جنگ علیه اسودیوای اول میباشد .

پس در تصور تاریخ قبادهان پنجم تصادف میکند به نصف دوم قرن سوم میلادی و نصف اول قرن چهارم میلادی و چنین انکاسته میشود که با وجود گسستگی سو قتی قدرت کوشانی در شمال غرب که نتیجه پیروزی شاهپور اول بود کوشانیهای بعدی توانستند تسلط خود را برقرار کنند و دوام دهند .

از استاد و شواهد یکه بر اثر کاوشهای باستان شناسان از نقاط مختلف بدست آمده و توسط گرشن در آخرین مقاله اش مطالعه و مقایسه شده اند بر میآید که آتش سوزی و تخریب توسط کوشانیهای بعدی صورت گرفته است .

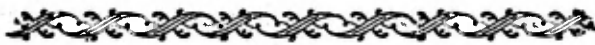
نفوذ ساسانیان شاید که محسوس بوده باشد ولی کوشانیهای

بعدهی نفوذ و تسلط سیاسی شانرا قدم به قدم بر اسلاف خود یعنی از کوشانیهای بزرگ تعقیب کرده و دوام داده اند. (۲۹) کانیسکای سوم را بحیث آخرین فرمانروا نشان داده اند ولی تعیین آخرین تاریخ سقوط این دودمان بیک امر مشکل است احتمال دارد که در هندشمالی یهودیهها (Yaudheyas) کونینداها (Kunindas) ملاواها (Malavas) ناگاها (Nagas) و مگها (Maghas) قدرت کوشانیها را خاتمه داده باشند. (۳۰) پروسه انجلیل امپراتوری کوشانی آئی نبوده بلکه تدریجی بوده است.

گرچه کوشانیها در هند شمالی بحیث بیک قدرت سیاسی از این رفته بود ولی همزمان باسوی درا گوپتا بعضی از دیواپوترا شاهان نو شاهی یعنی بیک فرمانروای مستقل و یانیمه مستقل وجود داشت که بر کابل و قسمتی از پنجاب و غیره نقاط در غرب حکمروایی میکرد (۳۱). بدون ترتیب آخرین مرحله ای تاریخ قدرت سیاسی کوشانیها به پان میرمدولی بانهم شهزادگان کوشانی حتی تا دهر زمان در پنجاب و در آنجا به موجودیت خود و به تبارز خود ادامه دادند. در آخرین سالهای قرن چهارم میلادی و سال نخستین سالهای قرن پنجم میلادی بود که کوشانیها بیک نام جدید یعنی بنام کوشانیهای کیراتری شهرت یافتند آنها برگندهار او کشمیر جاهاییکه به تعداد زیاد مسکوکات معمولی و طلائی شان بدست آمده حکمروایی میکردند. (۳۲) نامها بیکه بروی این مسکوکات نقش بسته اکثر آهندی اند از قبیل کریتی ویریا Kritivirya

سرواها سا بهاموان سیلادیها پرا کاسا و کوسالا . این نامها را نمیتوان از روی کروئولوژی تنظیم کرد و نیز ممکن نیست بطور دقیق مدت و زمان حکمروایی آنها را با ترتیب توضیح نمود . مسکوکات آنها يك تلهید نا پخته از مسکوکات سلطان قر با سی دهنده اردوک شوی (Ardoksho) بر تخت نشسته از نوع کوشانیهای بعدی است و شبیه مسکوکات کتداهاراهاکدا کههارا قومیکه انگاشته میشود که بر قسمتی از قلمروی کوشا نیان کیداری بعد از زوال قدرت سیاسی آنها حکمروائی داشته اند میباشد . چنین برمیآید که هر دو شاهد بر اثر حملات شدید هونها در قرن پنج میلادی از بین رفته باشند .

با این ترتیب حتی آخرین بقایای کوشانیها ناپدید گردید .



یادداشتها

1— ASI. An Rep. 1911—12 pp. 120ff

2— JBORS Vi (1920) pp. 12 ff

3— Op. cit.

۳-... تا جانشینکه در سنه سنه بنام حکمران و هما تا کشیما

(Vema Takshama) و بهاط میگردوی با و هما کادفیزس یکی نیست .

چون لقب شاهی هیچگاه توسط او بکار برده نشده بلکه تنها بواسطه

کانشیکا و جانشینان او بکار برده شده است .

گرچه ما راجع به تعیین سنه این سنه باد کشیت موافق نیستیم

اوتکه جاها سوال آنرا و هما کادفیزس میدانند نیز قابل پذیرش نمی

دانیم .

5— El. xxi pp. 55 ff

6— JRAS. 1924, pp. 402

۷ - نظر جاها سوال در (JBORS) ذکر شده و توسط (جی. ان با نرجی)

پذیرفته شده است .

۸ - اوتکه نکته توسط تقریباً تمام دانشمندان به تفصیل مورد

مداقه قرار گرفته است (ساهنی) نخستین کسی است که به بعضی از

خصوصیات این رسم الخط متوجه شده است. اومیتویسد. بخاطر با یاد داشت که حرف (m) با کمی برآمدگی بطرف چپ حرف بعوض قاعده سه کتیبه در همه جا از عهد گوپتا حکایت می‌کند. (آن‌جی مجی مدار) در ضمن تبصره بر این سند اظهار عقیده می‌کند که از نقطه نظر با یاد گرافی «خطوط قدیمه خوانی» مشکل است که این کتیبه را به کانیسکای اول نسبت دهیم و با یاد یگوئیم که آن کتیبه طوریکه از اشکال الفبای گوپتا پوداست متعلق به کوشانیهای قبلی میباشند.

(EL. xxiv, p, 148, n4) تو ماس راجع به این کتیبه در مقاله خود بنام «کانیشکای سال ۱۳۱ به تفصیل پرداخته است...»

9—Op. cit. p. 303

۱۰ - EL. xxvi, pp. 293 ff این عبارت از طرف (چهارا - را)

(Chhabra) پذیرفته شده است (ABORI, xxxiii (1952) pp. 270. ff)

دکشیث فکر می‌کند که این عبارت خصراً برای ترتیب کرونو لوجی کوشا نیان بعدی قابل ملاحظه است

ABORI, xxxvii, P. 98 قبلا او این کتیبه را به قرن چهارم و بلکه به قرن سه ساموات

ویکراما نیت داده بود رسته واقعی نگارش این کتیبه را ۳۱۳

ویکراما ساموات میدانست (IBID. p 97)

11— CII. P. 141

12— Ibid. P. 145

۱۳ - ماوشال و فوشه سانچی جلد اول صفحه ۳۶ نمبر (۸۲۹).

بقرار نظر به تو ماس کلمه (Me) درین کتیبه شبیه کتیبه

کانیشکا است که دو سال (۲۳۱) نگاشته شده است...

این کتیبه يك مرحله انتقالی را از دوره کوشانیها بدوره گوپتاها نشان میدهد .

۱۳- Op. cit. pp. 278—386 جی - آن بافرجی میگوید از آنجا که این شهزاده هیچ کدام از القاب کوشانی از قبیل دیواپوترا را برای خود بکار نمی برد و تنها کلمه را جان را بکار برده است چنین استنباط میشود که وی يك شهزاده محلی از دودمان کوشانی بوده باشد . سال ۲۲ با دوره کانیسکای اول تصادف میکند و اگر نام واسکوشان يك شکل دیگری از واسی سا کا (Vasisaka) که جانشین کانیسکای اول بود پنداشته شود پس احتمال میرود که کانیسکا با واسیشکادری قسمت آخر زمان فرمانروایی خود در جنوب غرب امپراتوری اش به کجا وهمزمان بوده باشد .

(Comprehensive History of India pp. 242—3)

۱۵- کتلاک موزیم سانهی صفحه ۳۰، نمبر ۱۸۲- است لودر

نمبر ۱۶۱۰ .

۱۶ موزیم متهورا ، کتلاک ووگل .

نمبر ۱۳۰۰۰ . لست لودر نمبر ۱۳۹ الف .

۱۷- زبان این کتیبه ها زهد تر رنگ منسکریت را گرفته است و

با لهجه گاتا (Gatha) همد قدیم کوشانیها فرق دارد .

شواهد خطوط قدیمه خوا لی نیز بعضی از اشکال پیشرفته را

بیاد میدهد

۱۸- چون تاریخ کتیبه بعد از نام فرمانروا که بنام را جان

است ذکر شده . درین میان بعضی القاب دیگر ویا نامهای فامیلی

لا درک معلوم میشوند .

۱۹- مههورا، از گروزی (Growse) Pt. 11. p. 173. IA vl. p. 217. No. 1

xxxlll. pp. 38ff; No, 8; Luders Lust No 33 JRAS.

1905. P. 338. Vogel. cat. Mat, Mus, No, 449).

۲۰ (Cil. pp. 162 ff) کتبه از طرف با نرجی نیز چاپ شده است

Luder's (SBAW, 1912. pp. 824

Translated, IA. xl, 19 13

وفلیت آنرا تحلیل و تفسیر نموده است بقرار نظر به ستین کنو
کرکتتر این کتبه بی خروشتی نما یا نگر عهد کوشا نیهای بهدی است
بطور مثال (Kha) تقریباً با جها (JHA) و جهشکا که از شکر دره
(در افغانستان) بدست آمده یکی است. . (op. cit. p. 162)

۱۱- با نیروی (op. cit.) ونست سمت میگوید که عهد او خیلی زیاده

دوام نموده است و کنگهم عهد او را مدت چهل سال میداند .

22— Cil. p. 163

23— A. Maricy... JA. 346, pp. 345 ff

۲۳- «تاریخ جدید مردم هند» NHIP, 12

۲۵- كتلاك مسكوكات در موزیم پنجاب، نمبر ۲۳۷ و ۲۳۸ .

26— Ibid. No. 231-234—235

۲۷- (NHIP. p. 15) بقرار نظریه ونست سمت حروف هندی که در

پهلوی نیز دیده میشود اکثر حروف چند سیلابی اند ما نند نام
چینایی بها Bha گا Ga (Vi) وغیره. چنین برمیآید که آنها متعلق به
سران مختلف قبایل آسیای مرکزی بوده باشد که آنها تسلط کوشا نیها
یا دودمان شاهی کابل را بر خود پذیرفته بودند (EHIP. 291).

۲۸ این مطالعه مبنی است بر مقاله گرشمن بنام «عضله کرو نو لوجی کوشا نیا» درین مقاله وی شواهدی که در نتیجه کاوشهای هیئت باستان شناسی فرانسوی و روسی در افغانستان و در آسیای مرکزی دست آمده آنها را پایکدیگر مقابله و مطالعه نموده است. ماخذیکه برای مقاله داده شده از مقاله اردرایتجا نقل شده است (See. pp. 708 ff)

۲۹ - حواله هاراجع به ناگاکاها و یوریاها حیث جانیشتنان کوشا نیاها نسبتن بر شواهد بومی است. ناگاکاها ی قبلی بریدماواتی وستهوا مسلط و دند. ایلا در دست کوشا نیاها بود آنها ده راس اسپراقر با نی کرده بودند. قرار بود: انا ها و قتیکه گوپتاها به قدرت رسیدند هفت تن از پادشاهان در متهورا ونه تن در پدمماواتی حکومت کرده بودند.

(Pargiter—Dynasty of the Kali Age. P. 49 et Raychau d hari PHAI—pp. 480 ff)

آنها ضرور خود را نسبت به کوشا نیاها هند بزرگتر و مهمتر قلمداد کرده بودند. یودیاها (Yaudheyas) نواحی ساحل دریای ستلج را تا به سرحدات ولایت بها واپور (Johiyaber) در دست داشتند. انواع مختلف مسکوکات یودیاها شباهت تامی را با مسکوکات کوشانی میرسانند و اینها غالبا که از طرف یودیاها بعد از آنکه قدرت کوشا نیاها را تضعیف نمودند بقریب رسیده باشد. بقرار نظر به آلتیکار (Altekar) نقوش یودیاها گاناسیا (Yaudheyaganasya) بر روی مسکوکات آنها ویودیاها نام (Yaudheyayanam) جا یا تراد هر نام (Jayamantradharamam)

ر روی مهر گلین که از مقام سونت (Sunt) نزدیک اودهیا نه بدست آمده نشانه‌ها هستند و پیروزی بزرگست بر کوشا نیهها
(Proceeding — All India) Oriental Congress xli. Banarses 1945)
۳- توسعه آنها را و در ساسا نیهها در شرق کوشا نیهها را تماماً از بین نبرد دولتی
کوشا نیهها تسلط آنها را بر خود قبول کردند.

از کتیبه پائیکولی (Paikuli) برسیاید که چندین پادشاه اشاره
میکنند که اگر آنها تیولداران کوشا نیهها نبودند انقلاب متحدین زیر دست
آنها بود. اینها شامل پادشاهان سورا شتراها و اونتیهها و ساسانها
و ابهیراها میشدند (JRAS, 1933, p. 219) هرگز دوم امپراتور ساسانی
(سه یا ده ساله از میلاد) دختر یکی از سلاطین کوشا نی را در عقد نکاح خود
در آورد. بدوی بعضی از مسکوکاتش و بنام کوشان مالکا
(Kushan Malka) و (کوشان منکان) نامیده شده است بر مسکوکات او نیز
چهره شیوا با کاور مثلاً قر با نگاره هندی دیده میشود.

Whitehead cat p. 213, No. 240.

۳۱- JRAS, 1913, p. 1064 کتلاک مسکوکات مسیت در موزیم کلکتا

جلد و صفحات ۸۹-۸۶ با فرجی ۹۱ P. 1908. JASB. و نیز به تاریخ

جامع هند را جمع شود. (Com p. H. I, p. 252-3)



سید ذوالعزت علی

اختصارات

ABIHB— Annual Bibliography of Indian History and Indology Bombay.

بیبلیوگرافی سالانه تاریخ هند و هند شناسی، بمبئی.

ABIHK— Annual Bibliography of Indian History and Archaeology Leyden.

بیبلیوگرافی سالانه تاریخ هند و باستان شناسی، لیدن.

ABORI— Annual of the Bhandarkar Oriental Research Institute Poona.

تاریخچه انستیتوت تحقیقات شرقی بهندوکار-پونه.

ASR— Archaeological Survey of Cunningham Calcutta, etc.

راپورهای تحقیقات باستان شناسی کنگهم، و کلکتہ وغیره.

ASI. AN. REP. —Archaeological Survey of India Annual Reports Delhi

راپورهای تحقیقات باستان شناسی هند، دهلی سرحدات.

ASI. CIR.— Archaeological Survey of India Reports, Frontier Circle.

راپورهای تحقیقات باستان شناسی هند در دائر سرحدات.

BMO— British Museum Quarterly, London.

نشریه سه ماهه برتیش موزیم، لندن .

BSOAS— Bulletin of the School of Oriental and African Studies, London.

مجله مطالعات مدرسه شرقی و افریقائی، لندن .

CII— Corpus Inscription Indicarum.

مجموعه نوشته های هندی .

EI— Epigraphia Indica, Calcutta etc.

IA —Indian Antiquary, Bombay.

آثار عتیقه هندی، بمبئی .

IHQ— Indian Historical Quarterly, Calcutta.

مجله سه ماهه تاریخ هندی، کلکته .

JA— Journal Asiatique, Paris.

جریده آسیائی، پاریس .

JAOS — Journal of the American Oriental Society, New Haven.

مجله انجمن شرقی امریکایی نیو هاون

JASB— Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta.

مجله انجمن آسیائی بنگال، کلکته .

JBORS— Journal of the Bihar and Orissa Research Society, Patna.

مجله انجمن تحقیقی بهار و اوریسسا پتنه .

JGIS— Journal of the Greater Indian Society, Calcutta.

مجله انجمن بزرگتر هند، کلکته .

JIH— Journal of India History, Madras, Trivandrum.

مجله تاریخ هند مدراس، تریواندرام .

JISOA— Journal of the India Society of Oriental Art, Calcutta.

مجله هنر شرقی انجمن هندی، کلکته

JNSI— Journal of the Numismatic Society of India, Bombay, Varanasi.

مجله انجمن سکه شناسی هند بمبئی، واراناسی.

JORI— Journal of Oriental Research Institute, Madras.

مجله انستیتوت تحقیقات شرقی، مدراس.

JRAS— Journal of the Royal Asiatic Society, London.

مجله انجمن سلطنتی آسیائی، لندن.

JRASB Journal of the Royal Asiatic Society, Bombay.

مجله انجمن سلطنتی، بمبئی.

JUPS Journal of the U.P. Historical Society, Lucknow.

مجله انجمن تاریخ او تار پر دیش لکنهو.

NIA New Indian Antiquary Bomleay

آثار عتیقه جدید هندی، بمبئی.

QJMS— Quarterly Journal of the Mythic Society, Bangalore.

مجله سه ماهه انجمن اسانه های کهن بنگلور.



مہتمم - غ، حسین فعال



MINISTRY OF INFORMATION AND CULTURE

INTERNATIONAL SEMINAR OF KUNSHAN

STUDIES KABUL, 1978

*India Under
Kushanids*

POLITICAL HISTORY OF KUSHANIDS

BY — B. N. PURI

TRANSLATED BY

POHANWAL ZAMIR SAFI



PUBLISHED BY:

BAIHAQI BOOK PUBLISHING
INSTITUTE

NOVEMBER 1978

دولتی مطبعہ